

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ————— ❁

نقش و رسالت زن

۳

زن و خانواده

برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی

مؤسسه پژوهشی فرهنگی



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)



مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

نقش و رسالت زن

۳

زن و خانواده

برگرفته از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی

به کوشش: امیرحسین بانکی پور فرد

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۸۲-۶

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد، شماره‌ی ۷

تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ -- تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۹۷۵

پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir - سامانه پیامکی: ۱۲۰ ۲۰ ۱۰۰۰ - <http://Book-Khamenei.ir>

پیشگفتار

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیررسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی (ره)، از نعمتهای بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدّس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام (ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان میدهد. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را برعهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاهها و رهنمودهای معظم‌له در مقاطع، مناسبتها و موضوعات مختلف می‌نماید.

کتاب حاضر حاوی گزیده‌ای از بیانات معظم‌له درباره‌ی مباحث مرتبط با موضوع «زن و خانواده» است و مطالب آن در پنج فصل و با عناوین «زن و ازدواج»، «جایگاه زن در خانواده»، «اهمیت خانواده»، «حقوق و وظایف زن و شوهر در خانواده» و «محبت و عواطف زن و شوهر» گردآوری و تنظیم شده است.

این اثر جلد سوم از مجموعه‌ی پنج جلدی با عنوان «نقش و رسالت زن» درباره‌ی مسائل و مباحث مرتبط با موضوع «زن» در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی است که برای استفاده‌ی محققان و عموم علاقمندان به دیدگاههای معظم‌له منتشر میشود.

و من الله التوفیق



فهرست مطالب

۱۷	مقدمه.....
۲۱	فصل اول: زن و ازدواج.....
۲۳	اصرار خداوند بر ازدواج و مذمت طلاق.....
۲۳	ناخشنودی خداوند از زن و مرد تنها.....
۲۳	ازدواج؛ هم نیاز و هم وظیفه
۲۴	ازدواج؛ از نعمات بزرگ و اسرار آفرینش
۲۴	آرامش؛ هدف بزرگ ازدواج.....
۲۵	همجنس بودن زن و مرد؛ دلیل آرامش
۲۵	برکات و فواید ازدواج.....
۲۶	اصل قضیه؛ محیط سالم خانواده، نه فرزند و ثروت
۲۶	تشکیل خانواده؛ مهم‌ترین فایده‌ی ازدواج.....
۲۷	تسهیلات اقتصادی و کار فرهنگی برای ترغیب بیشتر به ازدواج.....
۲۸	تأخیر ازدواج؛ خلاف فطرت و مصلحت بشر
۲۸	ازدواج مهم‌ترین قدم برای اعتلا و گسترش اندیشه و عاطفه‌ی زن
۲۹	اراده‌ی زن در ازدواج.....
۲۹	حرام بودن ازدواجهای اجباری.....
۲۹	تحمیل و یا نهی از ازدواج؛ خلاف شرع بین.....
۳۱	ازدواج مجدد همسران شهدا؛ یک عمل شرعی و واجب.....
۳۲	عوامل محرومیت دختران از ازدواج
۳۲	ملاک انتخاب؛ ایمان، پاکدامنی، امانت و صدق.....
۳۳	نایاب بودن مرد بی‌عیب.....





- انتخاب دختر متدین با وجود خانواده‌ی بد ۳۴
- انتخاب دختران بخاطر صفات والای انسانی ۳۴
- تقدّس ازدواج در ادیان ۳۵
- غلبه‌ی ارزشهای پوچ اقتصادی بر ارزشهای واقعی ۳۵
- مهریه و جهیزیه سنگین؛ کار جهّال در زمان پیامبر(ص) ۳۶
- تقدّس‌زدایی از ازدواج با مهریه‌های سنگین ۳۶
- نسخ مهریه‌ی سنگین دوران جاهلیت ۳۷
- تقیّد به مهرالسّنه؛ عمل نمادین برای رفع مشکلات ۳۷
- مهریه‌ی کمتر، جنبه‌ی انسانی بیشتر ۳۷
- مهریه‌ی «۱۴ سکه» برای غلبه کردن جنبه‌ی معنوی ازدواج بر جنبه‌ی مادی ۳۸
- کم قرار دادن مهریه؛ یک عمل نمادین برای اندیشیدن به یکدیگر ۳۸
- مهریه‌ی بالا؛ تنزّل معامله‌ی انسانی به حدّ کالا و بی‌احترامی به دختر ۳۸
- مهریه‌ی سنگین؛ تبدیل ازدواج به داد و ستد ۳۹
- مهریه‌ی سنگین؛ زمینه‌ساز مشکلات اجتماعی ۳۹
- عدم پیشگیری مهریه‌ی سنگین از طلاق ۴۰
- مهریه و جهیزیه‌ی سنگین؛ از زواید زندگی ۴۰
- دوری از تشریفات و تجمل‌گرایی و مهریه‌های گران‌قیمت ۴۱
- دوری از تشریفات؛ ساده‌تر از رهایی از آن ۴۱
- لزوم گفتمان‌سازی در تشریفات زائد ازدواج ۴۱
- توصیه به زندگی ساده و بی‌تشریفات ۴۲
- ازدواج زن مسلمان؛ همراه با عشق معنوی بیگانه از تشریفات ۴۲
- حسرت و احساس عدم خوشبختی در مسابقه‌ی مادی، تجملات و تشریفات ۴۳
- بدبختی انسان در زندگی تجملاتی پرخرج و مُسرفانه ۴۳
- قناعت؛ یعنی توقّف در حدّ کفاف ۴۳
- توقّع کم؛ مایه‌ی سعادت دنیا و آخرت ۴۴
- فصل دوّم: جایگاه زن در خانواده** ۴۵
- زن مسلمان؛ رکن اساسی خانواده ۴۷
- زن؛ محور اصلی عواطف خانوادگی ۴۷
- زن؛ حافظ خانواده ۴۸
- مهمترین نقش زن ۴۸

- ۴۹.....مهمترین کار زن؛ سر پا نگه داشتن زندگی
- ۴۹.....طبیعیترین و فطریترین کار زن
- ۴۹.....کار اصلی زن؛ حفظ کانون گرم خانواده
- ۴۹.....خانه‌داری؛ شغل اصلی زن
- ۵۱.....خواستهای اسلام از بانوان؛ حفظ بنیان خانواده
- ۵۱.....تقدم مسؤولیت خانوادگی بر مسؤولیت اجتماعی
- ۵۲.....مطلبوبیت حضور زن در اجتماع به شرط حفظ بنیان خانواده
- ۵۲.....مادری و همسری؛ مسؤولیت اول و منحصر به فرد زن
- ۵۳.....تکلیف دائمی زن؛ ساماندهی به خانواده بدون غرق شدن در آن
- ۵۴.....کیفیت بخشی به حضور زن در «خانه»
- ۵۴.....قدردانی و ارزشگذاری و بیمه‌ی زنان خانه‌دار
- ۵۵.....تقوا و بلندنظری زن؛ عامل مؤثر در تربیت اسلامی خانواده
- ۵۶.....نشر ارزشهای معنوی در خانواده و اجتماع به محوریت زن
- ۵۶.....نقش محوری زن در عروج معنوی خانواده
- ۵۶.....نفوذ روحی زن؛ از اسرار و زیبایی‌های خلقت
- ۵۷.....قوی‌تر بودن زن از لحاظ ظرافت و تدبیر
- ۵۸.....تدبیر، مدیریت، ظرافت؛ کار کدبانوی خانواده
- ۵۸.....شوهرداری نیکو؛ یعنی ساختن با زحمتهای زندگی بخاطر خدا
- ۵۹.....نقش برجسته‌ی زنان در اصلاح جامعه
- ۵۹.....جلوگیری از انحراف شوهر با عقل و تدبیر
- ۵۹.....مظلومیت زنان موجب مشکلات فراوان در مسائل خانوادگی
- ۵۹.....رفع مظلومیت از زن با تکریم آن در خانواده
- ۶۰.....زن؛ گل زندگی نه مباشر و کارگرخانه
- ۶۱.....زن؛ گل زندگی، نه کارپرداز خانه
- ۶۱.....شراکت همسران در اجر پاسداری از انقلاب
- ۶۲.....اجر زحمات روحی و عاطفی زنان در همراهی با همسر
- ۶۲.....سهم زنان در موفقیت‌های همسران
- ۶۳.....زندگی زناشویی؛ میدان خدمت در راه خدا
- ۶۳.....تأثیرات محسوس و تعیین کننده‌ی زن صالح در شوهر و فرزندان
- ۶۴.....تربیت فرزند و تقویت روحی شوهر؛ مهمترین کار زن





- نقش بی‌بدیل مادر در توجه به عواطف فرزند ۶۴
- سرانگشت ظریف مادر؛ جداکننده‌ی رشته‌های رقیق و نازک اعصاب کودک ۶۴
- رسالت عظیم مادری ۶۵
- لزوم توجه به نقش خاص مادران در تربیت فرزند ۶۵
- نقش اساسی مادران در بالندگی نسل آینده ۶۵
- تربیت فرزند؛ کاری سخت و هنری بزرگ ۶۶
- مادر؛ انتقال‌دهنده‌ی فرهنگ و تمدن در سراسر زندگی ۶۶
- نقش مادران در پرورش یاران حسین(ع) و زینب(س) ۶۷
- مردان بی‌نظیر؛ تربیت‌شده‌ی مادران کم‌نظیر ۶۷
- فعالیت‌های اجتماعی با حفظ جنبه‌ی مادری ۶۷
- نفوذ خاص مادر بر فرزند ۶۸
- تربیت صحیح و عاطفی فرزند ۶۸
- هنر زن؛ تربیت نسل بالنده با تأمین آذوقه‌های فرهنگی ۶۹
- انس زنان با قرآن و نقش آن در تربیت نسل‌های آینده ۶۹
- پرهیز از فرزند آوری؛ عملی خلاف رضایت الهی ۶۹
- رعایت موازین بهداشتی در بچه دار شدن ۷۰
- تولیدمثل و تربیت کودک ۷۰
- پرورش فرزند؛ مجاهدت بزرگ زنان ۷۰
- نقش متفاوت زن و مرد در بنیانگذاری نهاد خانواده ۷۱
- تداوم نسل؛ مهمترین وظیفه‌ی انسان و نقش زنان در این میدان ۷۲
- وظیفه‌ی دولت در برابر نقش مادری زنان شاغل ۷۲
- صداقت مادر و تواضع فرزند ۷۲
- حق بیشتر مادر بر گردن فرزند ۷۳
- فصل سوم: اهمیت خانواده** ۷۵
- زن و خانواده جزو مسائل درجه‌ی یک کشور ۷۷
- خانه و خانواده؛ از مسائل اصلی زنان کشور ۷۷
- تضمین آینده‌ی کشور با تصمیم و فکر درست ۷۷
- خانواده؛ پایه‌ی اصلی در جامعه ۷۸
- خانواده؛ واحد بنیادین اجتماع ۷۸
- هدف اسلام؛ تشکیل و حفظ خانواده ۷۹

۷۹.....	حاکمیت دین؛ عامل عفت و حافظ کانون خانواده.....
۷۹.....	رواج روشهای اسلامی؛ راه پرورش محیط امنتر خانواده
۸۰.....	محیط خانواده برای زن؛ محیط امن، عزت و آرامش
۸۰.....	خانواده؛ سلول حقیقی پیکره‌ی جامعه
۸۰.....	کلمه‌ی طیبه یعنی خانواده‌ی نیک و پر برکت
۸۱.....	خانواده؛ پایه‌ی مهم زندگی
۸۱.....	خانواده‌ی سالم؛ شرط لازم پیشرفت جامعه.....
۸۲.....	خانواده؛ اساس همه‌ی تربیتها
۸۲.....	محیط امن برای تربیت و کمال بشر
۸۲.....	اصلاح جامعه با خانواده‌های سازگار و مستحکم.....
۸۳.....	خانواده؛ بنیاد تربیت معنوی، فکری و روانی بشر
۸۳.....	خانواده؛ کانون رشد و بالندگی عواطف
۸۴.....	خانواده؛ محیط امن برای سلامت روح و فکر افراد
۸۴.....	امکان حل مشکلات اخلاقی و معنوی با تحکیم بنیان خانواده
۸۴.....	تشکیل خانواده‌ی سالم؛ پایه‌ی سعادت افراد جامعه
۸۴.....	اصلاح خانواده؛ عامل سلامت روحی و رشد فکری افراد جامعه.....
۸۵.....	خانواده؛ شرط تربیت کامل و سالم
۸۵.....	خانواده؛ محیط آرامش و التذاذات معنوی و عاطفی
۸۶.....	خانواده‌ی آرامتر با بهره‌وری بیشتر.....
۸۶.....	ارزش و کیفیت بالاتر در خانواده‌ی آرام
۸۷.....	خانواده؛ محل سکونت، آرامش و تکامل
۸۷.....	خانواده؛ آرامش در مقابل تلاطم، نه در مقابل حرکت.....
۸۷.....	خانواده‌ی آرام؛ نجات از انواع اضطراب و ایجاد زمینه‌ی خوشبختی برای همه‌ی افراد
۸۸.....	محیط خانوادگی؛ آغوش مهر و محبت و آسایش
۸۸.....	نهاد خانواده؛ اصلاحگر پدر، مادر و فرزند
۸۸.....	مختصات خانواده‌ی خوب؛ اساس اصلاحات واقعی
۸۹.....	خانواده؛ فرصتی برای تجدید قوا.....
۹۰.....	خانه؛ استخر نشاط و رفع غبار اجتماعی
۹۱.....	بقای خانواده در گرو احترام به قرارداد زناشویی.....
۹۱.....	تزلزل بنیان خانواده به دلیل ورود فرهنگ غرب



- پرهیز از بیگانه‌شدن از محیط خانواده..... ۹۱
- عشق تصنعی در خانواده بخاطر دلمشغله‌های بیرونی ۹۲
- جامعه‌ی بی‌خانواده؛ خاستگاه مشکلات روانی..... ۹۲
- پیامدهای تزلزل بنیان خانواده..... ۹۳
- تسخیر فرهنگ جامعه با متزلزل کردن بنیان خانواده ۹۳
- اختلال در خانواده؛ عامل اختلافات فرهنگی- اخلاقی جامعه..... ۹۳
- انتقال فرهنگها و تمدن‌ها به برکت خانواده..... ۹۳
- خانواده؛ بهترین منتقل‌کننده‌ی فرآورده‌های فکری به نسل‌های بعدی ۹۴
- فصل چهارم: حقوق و وظایف زن و شوهر در خانواده..... ۹۵**
- حقوق متقابل مرد و زن در نظام خانواده از دیدگاه اسلام ۹۷
- احکام دقیق وظریف اسلام، در مصلحت روابط زن و شوهر..... ۹۸
- وظیفه‌ی مشترک زن و مرد در ساختن خانواده..... ۹۹
- تربیت همسران در زندگی مشترک..... ۱۰۰
- همکاری روحی همسران با درک ضرورت‌های یکدیگر..... ۱۰۰
- مسئولیت زن و مرد؛ همپای هم بودن در زندگی..... ۱۰۱
- زن و شوهر؛ هردو رفیق و شریک زندگی مشترک..... ۱۰۱
- زن و شوهر؛ بهترین حافظان یکدیگر در صراط مستقیم..... ۱۰۲
- مسئولیت همسران در کمک به همدیگر و پیمودن صراط مستقیم..... ۱۰۳
- کمک به یکدیگر در راه تحصیل و تبلیغ دین و فعالیت‌های اجتماعی..... ۱۰۳
- همسران؛ بهترین نصیحت‌کنندگان به خیر و تقوا..... ۱۰۴
- لزوم عمل به اخلاق اسلامی در خانواده ۱۰۴
- زندگی کامل در مطرح کردن عملی دین و اخلاق..... ۱۰۵
- دستورات شرعی در زمینه‌ی اخلاق و رفتار زوج ۱۰۶
- تشویق در خیرات و اصلاح در انحرافات؛ از وظایف همسری..... ۱۰۶
- درس دینداری؛ عدم پایبندی به تجملات..... ۱۰۶
- زن و شوهر؛ مهارکننده‌ی وسوسه‌های شیطانی..... ۱۰۷
- برطرف کردن خطاهای شرعی با شیوه‌ی بسیار لطیف و عاقلانه..... ۱۰۸
- محافظت از انحرافات با ابراز محبت؛ تدبیر و زبان خوش..... ۱۰۸
- زن و مرد، لباس همدیگر؛ یعنی حفظ و حراست از تمامی آسیب‌ها..... ۱۰۹
- تفاوت روحیات زن و مرد در خانواده..... ۱۰۹



- ۱۱۰ دو نگاه متفاوت و زیبا.....
- ۱۱۰ احترام واقعی متقابل.....
- ۱۱۱ روز زن؛ فرصتی برای رعایت حرمت و کرامت و حق زن.....
- ۱۱۱ مراعات و تنظیم وقت برای بیشتر بودن زن و مرد با هم.....
- ۱۱۲ رازداری؛ عامل شیرینی و استحکام زندگی مشترک.....
- ۱۱۲ تحمّل عیوب یکدیگر.....
- ۱۱۲ سازگاری با عیوب همسر؛ مسابقه‌ای برای پیدا کردن تقوای بیشتر.....
- ۱۱۳ سازگاری دوطرفه در میان همسران.....
- ۱۱۳ گذشت و اغماض؛ زمینه‌ی سازشکاری در خانواده.....
- ۱۱۵ سازش و اجتناب از تشنج در خانواده.....
- ۱۱۵ انصاف و عدم اسراف.....
- ۱۱۵ زن و مرد؛ هر دو مأمور به عدالت و انصاف.....
- ۱۱۶ وظیفه‌ی زن و مرد؛ دقت در حلال و حرام کسب مال.....
- ۱۱۶ چگونگی شکر نعمت ازدواج؛ رفتاری خداپسندانه.....
- ۱۱۷ اهتمام همسران به تفاهم و درک متقابل.....
- ۱۱۷ زندگی مشترک؛ یعنی آرامش، اطمینان و اعتماد.....
- ۱۱۷ وظایف مرد نسبت به همسر.....
- ۱۱۸ مراقبت از زن مانند گل.....
- ۱۱۹ مرد؛ تأمین‌کننده‌ی معیشت خانواده.....
- ۱۱۹ وظیفه‌ی مرد در برابر عواطف و احساسات زن.....
- ۱۲۰ رعایت نظر و نیازهای روحی خانم.....
- ۱۲۰ زن؛ سوگلی خانه، نه پادوی مرد.....
- ۱۲۱ عدم زورگیری و حس مالکیت.....
- ۱۲۱ عدم تحقیر همسر.....
- ۱۲۲ شوهر؛ تکیه‌گاه مطمئن و آرامش‌بخش زن.....
- ۱۲۲ قیومیت مرد؛ سرّ الهی برای کنترل و عفاف خانواده.....
- ۱۲۳ عدم افراط و تفریط در تبعیت زن از مرد.....
- ۱۲۳ ترازوی برابر در قوامیت مرد و ریحانه‌بودن زن.....
- ۱۲۴ نه زن سالاری و نه مردسالاری.....
- ۱۲۴ حق زن بر مرد.....





- ۱۲۵ اهتمام به حفظ محیط خانواده بر عهده‌ی کدبانوی خانه
- ۱۲۵ نقش مثبت و منفی زن در همسررداری
- ۱۲۵ مفیدبودن مرد در جامعه؛ مستلزم وجود همسر خوب در خانه
- ۱۲۶ همدلی با شوهر در همه‌ی سختیها، حرکت در مسیر تقرب الی الله
- ۱۲۸ وظیفه‌ی خطیر شوهررداری؛ شعبه‌ای از جهاد اکبر
- ۱۲۹ نفوذ هوشمندانه‌ی زن با ملایمت، تحمل و خوشرویی
- ۱۲۹ سختگیری زن، مایه‌ی اذیت شوهر
- فصل پنجم: محبت و عواطف همسران**
- ۱۳۱ رابطه‌ی دوستی و مهربانی
- ۱۳۳ زن و شوهر عاشق؛ پناه یکدیگر
- ۱۳۴ عشق؛ بالاتر از واقعیات زندگی
- ۱۳۴ محبت؛ اساس خوشبختی
- ۱۳۵ افسون محبت؛ بازکننده‌ی گره‌های اخلاقی
- ۱۳۶ محبت؛ عامل ماندگاری و سازگاری خانواده
- ۱۳۶ ماندگاری خانواده در گرو تدین و محبت
- ۱۳۷ صمیمیت و محبت؛ کمر بند حفاظ خانواده در جوامع شرقی و اسلامی
- ۱۳۷ محبت؛ عامل انس و وفاداری
- ۱۳۷ محبت؛ عامل پایداری و آبادی خانواده
- ۱۳۸ محبت؛ آسان کننده‌ی همزیستی
- ۱۳۸ رابطه‌ی عادلانه و محبت‌آمیز؛ جبران کننده‌ی دخالتها
- ۱۳۹ عامل پایداری محبت و انس
- ۱۳۹ ابراز محبت بیشتر؛ عامل دریافت مکرر محبت
- ۱۳۹ رعایت حقوق یکدیگر؛ عامل نفوذ معنوی و بقای محبت
- ۱۳۹ نتیجه‌ی کار زن در خانه؛ محبت و صفا بین زن و شوهر
- ۱۴۰ بی‌توجهی به احساسات؛ عامل تضعیف محبت
- ۱۴۰ غمخواری و راهنمایی
- ۱۴۰ آراستن زن و شوهر برای همدیگر؛ سفارش معصومین(ع)
- ۱۴۱ غریزه‌ی جنسی؛ وسیله‌ی استحکام زندگی
- ۱۴۲ زن و مرد؛ محتاج نیازهای عاطفی و جنسی در خانواده
- ۱۴۲ مجازات سنگین مرد برای چهار ماه رهاکردن زن

- ۱۴۲ شناسایی حساسیت‌های اخلاق متقابل در زندگی زناشویی
- ۱۴۳ لازمه‌ی اعتماد در خانواده؛ حفظ حریم‌های زن و مرد
- ۱۴۴ معاشرت‌های نادرست؛ زمینه‌ساز حسادت و سوءظن
- ۱۴۴ تأثیر مخرب سوءظن بر خانواده
- ۱۴۴ عدم جلوه‌گری و حفظ نگاه؛ عامل استحکام زندگی نه تحجر
- ۱۴۵ مراعات موازین شرعی؛ پشتوانه‌ی احساسات و نیازهای جنسی
- ۱۴۵ اجتناب از معاشرت‌های مضر؛ مؤثر در پایداری بنیان خانواده
- ۱۴۶ عدم اختلاط زن و مرد؛ به‌وجودآورنده‌ی محیط گرم و باصفای خانواده
- ۱۴۶ زن؛ محافظ شوهر از سقوط به دره‌ی غفلت
- ۱۴۷ عاطفه و تحمل زن؛ عامل تفوق بر ناملايمات زندگی مشترک
- ۱۴۷ تبسم و دلخوشی دادن زن؛ باعث تقویت روحی مرد
- ۱۴۹ فهرست آیات قرآن کریم
- ۱۵۰ فهرست روایات
- ۱۵۱ فهرست اسامی اشخاص
- ۱۵۲ فهرست مکانها



مقدمه

یکی از موضوعاتی که در طول تاریخ در معرض آرا و تفسیرهای گوناگون قرار گرفته و همواره دچار افراط و تفریط شده است، شخصیت و جایگاه فردی، خانوادگی، اجتماعی و تاریخی زن است. امروزه نیز کجاندیشیها و عدم تعادل در این باب، در جوامع مختلف فراوان به چشم میخورد. در این میان، تنها چشمه‌ی زلال، مکتب انبیا و اوصیای الهی است که به دور از هرگونه افراط و تفریط و با تکیه بر وحی و استمداد از خالق هستی، به ترسیم جایگاه حقیقی زنان، متناسب با آفرینش آنان پرداخته است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و شعار بازگشت به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) از سوی امام خمینی (ره)، احیای شخصیت زن مسلمان نیز چه در نظر و چه در عمل جلوه‌ای دیگر یافت. از جنبه‌ی نظری، دیدگاهی جدید در باب زن و ارزشهای او در جهان امروز پدید آمد و در صحنه‌ی عمل، زنان در مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پا به پای مردان و گاه مقدم بر آنان در سرنوشت جامعه نقش آفرین شدند.

این موج فرهنگی حضور و تعالی زن، نه تنها در سالهای پس از انقلاب اسلامی افول نکرد بلکه در عرصه‌ی دفاع مقدس، شکل کاملتری به خود گرفت و پس از آن نیز رشد فزاینده‌ای یافت. در حقیقت میتوان دوران کنونی را دوران شکوفایی نهالی دانست که به دست امام خمینی (ره) پدید آمد و با خون هزاران شهید آبیاری گردید. با این همه، آفات و بلیات همواره



در قالب طرح دیدگاههای متأثر از غرب و تفکرات فمینیستی از یک سو و نظرات متحجرانه از سوی دیگر، این نهال نوپا را تهدید کرده و گاه آنچنان فضا را مسموم ساخته است که دیدگاههای اصیل اسلامی، برای عموم جامعه بویژه زنان مؤمن و انقلابی و حتی فرهیختگان و متولیان فرهنگی و اجرایی کشور نیز مشتبه شده است. در چنین شرایطی، ارائه‌ی سیمای جامع زن در اسلام مبتنی بر ساختار آفرینشی او و متناسب با مقتضیات زمان و مکان، ضرورت خویش را باز مینمایاند.

بدین منظور، باید به دنبال کسانی رفت که با نگاه عمیق به مبانی دینی و مبتنی بر زمان‌شناسی و تدبیر لازم و آشنایی با مسائل و مشکلات و نیازهای جامعه، خطوط اصلی و کلان نظام اسلامی را در باب شخصیت و جایگاه زن مسلمان ترسیم نمایند؛ و این مهم به لطف خداوند متعال با وجود رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدّ ظله‌العالی) دست‌یافتنی است. بی‌تردید از جمله عنایات الهی به جامعه‌ی اسلامی ایران، وجود رهبری فرزانه، مجتهد و ربّانی است که بحق کمتر کسی را در میان فقها و غیرفقها میتوان یافت که همچون ایشان در ارائه‌ی سیمای زن از منظر اسلام کوشیده باشد، اما این حقیقت، همچون دیگر عطایای الهی به ایشان، در ورای چهره‌ی سیاسی و حقوقی این رهبر الهی، پنهان مانده است.

مقام معظم رهبری (مدّ ظله‌العالی) با عنایتی که به مباحث زنان از دیر باز داشتند، همواره محوریت خانواده را در مباحث زنان مدنظر داشته‌اند. با توجه به اینکه در این دوران، هجمه‌های فرهنگی دشمنان از طریق انواع رسانه‌ها و وسایل ارتباطی، سلامت جنسی جوانان را هدف گرفته است که با در نظر گرفتن جوان بودن جمعیت کشور، این امر چشم‌اسفندیار نظام محسوب میشود و برای جلوگیری از آن راهی جز پایین آوردن سن ازدواج و گسترش ازدواجهای سهل و آسان، موفق آگاهانه پایدار و بهنگام و توجه بیش از پیش به خانواده نیست؛ بنابراین برای رفع موانع و تقویت فرهنگ ازدواج و تشکیل و تحکیم خانواده باید با در نظر گرفتن دیدگاههای معظم‌له



به همراه یک عزم ملی، فرهنگسازی گسترده‌ای صورت گیرد؛ لذا در این کتاب سعی شده است تا دیدگاه‌های معظّم‌له در حوزه‌ی ازدواج و خانواده با محوریت زن استخراج گردد. با نگاه به فهرست تفصیلی این کتاب میتوان خلاصه و چکیده‌ی فرمایشات ایشان را در این حوزه به دست آورد.

در استخراج، گردآوری و دسته‌بندی سخنان معظّم‌له و ارائه‌ی آن در قالب اثر حاضر، تمامی سخنرانیها و پیامهای ایشان درباره‌ی زنان، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲ حتّی سخنانی که رسانه‌ای نشده است مانند توصیه‌هایی که هنگام خواندن خطبه‌ی عقد به جوانان داشته‌اند اما در مخزن اسناد دفتر معظّم‌له موجود بوده، مورد بررسی قرار گرفته است که حجم گسترده‌ی آنها، توجّه و اهتمام رهبرمعظّم انقلاب را نسبت به مسائل زنان نشان میدهد.

در پایان، با سپاس فراوان از حمایت‌های دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظّم رهبری، لازم است از زحمات جناب دکتر تقی اجیه در ویراستاری عناوین تشکر نمایم. همچنین از خواهران گرامی: ملیحه نقش‌زن، فاطمه حقیقی، مائده کیوانی، نسیم کریمی، اشرف‌السّادات فتحی، اکرم امینی، آسیه مهجوری، مهرناز سطوت، سعیده شریعت، زهرا نقش‌زن و فاطمه دهقانی که در جمع‌آوری و انطباق فیشها و اصلاح نهایی تلاش فراوان داشته‌اند، بالاخص خواهر مرضیه شاه‌سنایی که مسؤولیت گروه خواهران محقق را برعهده داشتند، سپاسگزارم. امیدوارم این اثر مقبول افتد و مورد لطف و عنایت خداوند قرار گیرد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین

امیرحسین بانکی‌پور فرد^۱

۱. استادیار دانشکده‌ی اهل‌البیت (ع) دانشگاه اصفهان (A.Bankipoor@ltr.ui.ac.ir)

فصل اوّل ————— ❁

زن و ازدواج



اصرار خداوند بر ازدواج و مذمت طلاق

از نظر اسلام، تشکیل خانواده یک فریضه است. عملی است که مرد و زن باید آن را بعنوان یک کار الهی و یک وظیفه انجام بدهند، اگر چه شرعاً در زمره‌ی واجبات ذکر نشده، اما بقدری تحریض^۱ و ترغیب شده است که انسان میفهمد خدای متعال بر این امر اصرار دارد، آن هم نه بعنوان یک کارگزاری، بلکه بعنوان یک حادثه‌ی ماندگار و دارای تأثیر در زندگی و جامعه. لذا این همه بر پیوند میان زن و شوهر تحریض کرده و جدایی را مذمت نموده است.^۲

ناخشنودی خداوند از زن و مرد تنها

خدای متعال از زن و مرد تنها خوشش نمی‌آید، مخصوصاً آنهایی که جوانند و بار اولشان است. مخصوص جوانها هم نیست. خدای متعال از زندگی مشترک و مزدوج خوشش می‌آید.^۳

ازدواج؛ هم نیاز و هم وظیفه

ازدواج هم یک وظیفه است هم یک نیاز؛ از باب اینکه وظیفه است بایستی این وظیفه بهنگام و طبق مقررات انجام بگیرد. بهنگام، یعنی نگذارید

۱. برانگیختن

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۷/۱۲/۱۱)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۵/۱۱/۲۰)

خیلی دیر بشود، دخترها و پسرها را زود، هنگامی که به حدّ ازدواج رسیدند اینها را مزدوج کنید.^۱

ازدواج؛ از نعمات بزرگ و اسرار آفرینش

پیوند ازدواج و زناشویی، یکی از نعمات بزرگ الهی و یکی از اسرار آفرینش است و یکی از موجبات بقا و ماندگاری و صحت و صلاح جوامع است.^۲

آرامش؛ هدف بزرگ ازدواج

ببینید این آیهی شریفه در مورد زن و مرد - عمدتاً در داخل خانواده - چه میفرماید «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا». یعنی از جملهی نشانه‌های قدرت الهی یکی این است که برای شما انسانها، از نوع خودتان و از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ برای شما مردان، زنان را و برای شما زنان، مردان را. از خودتان هستند؛ «مِنْ أَنْفُسِكُمْ»، جنس جداگانه‌ای نیستند، در دو رتبه‌ی جداگانه نیستند؛ همه یک حقیقتند، یک جوهر و یک ذاتند. البته در بعضی از خصوصیات، با هم تفاوت‌هایی دارند؛ چون وظایفشان دوتاست. بعد میفرماید: «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا». یعنی زوجیت و دوجنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی است. آن هدف، عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده - مرد در کنار زن، زن در کنار مرد - آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله‌ی آرامش است؛ برای زن هم داشتن مرد و تکیه‌گاهی که به او عشق بورزد و برای او

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۱۲/۱۵)

۳. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۲۱

۴. همان

مانند حصن^۱ مستحکمی باشد - چون مرد جسماً قویتر از زن است - یک خوشبختی است؛ مایه‌ی آرامش و سعادت است. خانواده این را برای هر دو تأمین میکند. مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است - «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» - هر دو برای سکون و آرامش، به هم احتیاج دارند.^۲

همجنس بودن زن و مرد؛ دلیل آرامش

در قرآن، آیه‌ی «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»^۳ آمده است. دو جا در قرآن، تعبیر «سَكَنَ» تا آنجایی که من یادم هست - وجود دارد «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»^۴. خدای متعال، زوج آدمی را از جنس او قرار داد، زوج زن را، زوج مرد را از جنس خود او قرار داده، «لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»؛ تا اینکه آدمی بتواند - چه مرد و چه زن - در کنار شوهر یا همسر، احساس آرامش کند.^۵

برکات و فواید ازدواج

فرصت ازدواج و آرام گرفتن در یک مجموعه‌ی خانواده، یکی از فرصتهای مهم زندگی است. برای زن و مرد هر دو این یک وسیله‌ی آرامش و آسایش روحی و وسیله‌ی دلگرم شدن به تداوم فعالیت زندگی است. وسیله‌ی تسلی، وسیله‌ی پیدا کردن یک غمخوار نزدیک که برای انسان در طول زندگی لازم است. قطع نظر از نیازهای طبیعی انسان که نیازهای غریزی و جنسی میباشد، مسأله‌ی تولید نسل و داشتن فرزند هم خود از دلخوشیهای بزرگ زندگی است.

۱. قلعه، بنای استوار، پناهگاه

۲. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۳. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۸۹

۴. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۲۱

۵. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۵/۱۰/۵)

پس میبینید از هر دو طرف که انسان نگاه میکند، ازدواج یک امر مبارک و یک پدیده‌ی بسیار مفید است. البته مهمترین فایده‌ی ازدواج، همان تشکیل خانواده است و بقیه‌ی مسائل، فرعی و درجه‌ی دو و یا پشتوانه‌ی این مسأله است؛ مثل تولید نسل یا ارضای غرایز بشری، اینها همه درجه‌ی دو است، درجه‌ی اول همان تشکیل خانواده است.^۱

اصل قضیه؛ محیط سالم خانواده، نه فرزند و ثروت

اصل در ازدواج عبارت است از پیوند زناشویی دختر و پسر و تشکیل خانواده. همین قدر که دختر و پسر همدیگر را ببینند و عقد شرعی جاری بشود و اینها با هم زن و شوهر بشوند، یک کانون خانواده به وجود آمده و یک خانواده‌ی جدیدی تشکیل شده است. شارع مقدّس، خانواده‌ی مسلمان و سالم را دوست دارد. وقتی خانواده تشکیل شد، برکات زیادی در آن هست، نیازهای زن و شوهر تأمین میشود، نسل بشری ادامه پیدا میکند.

اما اصل قضیه، فرزند، زیبایی و ثروت نیست. اصل قضیه این است که دو نفر با هم زندگی مشترکی را تشکیل میدهند و این محیط باید یک محیط سالمی باشد.^۲

تشکیل خانواده؛ مهمترین فایده‌ی ازدواج

مسأله‌ی ازدواج و تشکیل خانواده در شرع مقدّس امر بسیار مهمّی است و فواید بسیاری هم دارد، اما مهمترین فایده و هدف ازدواج، عبارت است از تشکیل خانواده. نفس این علقه‌ی زوجیت و تشکیل یک واحد جدید، مایه‌ی آرامش زن و مرد و مایه‌ی کمال و اتمام شخصیت آنهاست. بدون آن، هم زن و هم مرد ناقصند. همه‌ی مسائل دیگر فرع این است. اگر این

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۰/۱۲/۹)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۳/۹/۲۳)

کانون سالم و پایدار شد، بر روی آینده و بر روی همین وضع فعلی جامعه تأثیر خواهد گذاشت.^۱

تسهیلات اقتصادی و کار فرهنگی برای ترغیب بیشتر به ازدواج

حقیقت این است که خانواده یک نهاد طبیعی است، و بطور طبیعی بایستی به وجود بیاید، باید رشد کند. وقتی وضع جامعه‌ای خوب است، وقتی مردم امکان داشتن خانه، داشتن وسایل، درآمد نسبتاً اطمینان‌بخشی هستند؛ خانواده تشکیل می‌دهند، فرزندان می‌شوند، زنها بیشتر به کار خانه می‌پردازند، مردها بیشتر شائقند^۲ که خانواده داشته باشند. وقتی که وضع مردم نابسامانی‌هایی دارد، جوان می‌خواهد ازدواج کند خانه ندارد، خانه‌ی اجاره‌ای به او نمی‌دهند، نمیدانم وسایل پیدا نمیکند؛ درآمدش کافی نیست، طبعاً لنگ میشود. این ناشی از این چیزهاست؛ اگر بخواهیم یک علاج بنیانی برای این قضیه فکر بکنیم، آن علاج بیش از آنچه که علاج فرهنگی باشد، علاج اقتصادی و مادی است و الاً از لحاظ فرهنگی بقدر کافی در جامعه‌ی ما مسأله‌ی ازدواج جا دارد، به خصوص حالا که خوشبختانه دخترها و پسرها خیلی از گذشته عیفتر و بهتر هستند، لذا بطور قهری و طبیعی هر زن و مردی کشش و میل به ازدواج را در خودش میابد، اگر همسر نداشته باشد. خب تسهیلش یک کار مادی و اقتصادی می‌خواهد. کار فرهنگی که در اینجا وجود دارد به نظر من این است که ما یک قدری ترویج کنیم مردم را ترویج کنیم، پارسایی در کار ازدواج، مثل کم‌بودن مهریه، مثل کم‌بودن جهیزیه، عدم اهمیت به این چیزها؛ تشریفات معمول در باب ازدواج که مثلاً فرض بفرمایید که جشنها و میهمانیهای کذایی؛ اگر این کار فرهنگی انجام بگیرد که شما شاید خوب باشد که توی همین شاهد بانوان یک مقداری از این قضیه دفاع کنید، و در منبرها، نماز جمعه‌ها، در بیانات مسئولین متنفذ،

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۶/۲/۱۰)

۲. تمایل و شوق دارند

در ذهن مردم تکرار بشود، گفته بشود خیلی کمک خواهد کرد به تسهیل امر ازدواج. کار فرهنگی‌اش این است؛ کار دولتی هم در همین حدی که وجود دارد یک مقدار حالا سازمان یافته‌تر و بهتر باشد کافی است. عمده این است که باید وضع مردم ان‌شاءالله خوب بشود تا بتوانند ازدواج را با شوق و رغبت انجام بدهند.^۱

تأخیر ازدواج؛ خلاف فطرت و مصلحت بشر

اینکه بعضی سنّ ازدواج را برای سالهای میانی عمر که در غرب و تمدن غرب معمول است، میگذارند مثل اغلب چیزهایشان، غلط و برخلاف فطرت و مصلحت بشر و ناشی از این است که به شهوترانی و بی‌بندوباری اقبال دارند. میخواهند جوانی خود را به اصطلاح خودشان، با خوشی سپری کنند، هوسرانی‌هایشان را بکنند بعد که از کار افتاده شدند و آتشیانشان فرو نشست، حالا سراغ خانواده بروند. ملاحظه میکنید که در غرب زندگی خانوادگی این طوری است؛ طلاقهای زیاد، ازدواجهای ناموفق، مرد و زنهای بی‌وفا، تخطی‌های جنسی فراوان، غیرت کم، زندگی خانوادگی به این معناست.^۲

ازدواج مهمترین قدم برای اعتلا و گسترش اندیشه و عاطفه‌ی زن

پدران و مادران کمک کنند که فرزندان‌شان، دخترانشان، فرصت فعالیت‌های انقلابی را پیدا کنند؛ البته مراقب هم باشند که دشمنان انقلاب نقطه‌ی حسّاس جامعه یعنی زنان را نیز هدف گرفته‌اند. حواسشان جمع باشد دختران و زنان در حوزه‌ی تبلیغات مخرب آنان قرار نگیرند، اما به فعالیت‌های اجتماعی سرگرم باشند.

مسأله‌ی تشکیل خانواده و ازدواج را - که از مهم‌ترین قدمها برای اعتلا

۱. از مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۰۹/۱۳)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۵/۸/۵)

و گسترش میدان اندیشه و عاطفه‌ی زن هست - با مشکلات روبه‌رو نکنند؛ مهریه‌های سنگین، سختگیری نسبت به همسر دخترانشان از جمله‌ی موانع بزرگ ازدواج است^۱

اراده‌ی زن در ازدواج

خداوند به اراده‌ی زن و مرد در همه‌ی امور از جمله ازدواج احترام گذاشته است و بر همین اساس واداشتن دختران به ازدواج با مردان از نظر اسلام حرام است و بدون رضایت دختر، جایز نیست.^۲

حرام بودن ازدواجهای اجباری

از مسائلی که شنیدم در بعضی از نقاط این منطقه وجود دارد، آن است که مردان، دختران خود را مجبور به ازدواج میکنند. این کار از نظر اسلام حرام است. ازدواج بدون رضایت زن جایز نیست. خدای متعال به اراده‌ی انسانها و به اراده‌ی زن و مرد در همه‌ی امور و در چارچوب احکام الهی احترام گذاشته است. در یک معامله‌ی کوچک، طرفین باید راضی باشند؛ چه رسد به ازدواج که سرنوشت دو انسان در گرو آن است. چطور میشود اجازه داد دخترانی را بدون رضایت خودشان به خانه‌ی مردانی بفرستند که به آنها هیچ علاقه‌ای ندارند؟!^۳

تحمیل و یا نهی از ازدواج؛ خلاف‌شرع بین

به نظر اسلام، زن در انتخاب همسر آزاد است و هیچکس نمیتواند در مورد انتخاب همسر، بر هیچ زنی چیزی را تحمیل کند. یعنی حتی برادران زن، پدر زن - حالا خویشاوندان دورتر که جای خود دارند - اگر بخواهند بر او تحمیل کنند که تو حتماً باید با این شخص ازدواج کنی، نمیتوانند و

۱. در خطبه نماز جمعه (۶۰/۲/۴)

۲. در اجتماع خانواده‌های شهدای گنبد (۷۴/۷/۲۷)

۳. در دیدار مردم گنبد (۷۴/۰۷/۲۷)

چنین حقی را ندارند. این، نظر اسلام است. البته در جامعه‌ی اسلامی، در طول زمان، عادات جاهلی و غلط بوده است؛ الان هم در بعضی از کشورها هست و در کشور خود ما هم در بعضی از جاها - مثل مناطقی از شهرهای مرکزی کشور، مناطقی در خوزستان و جاهای دیگر - عادات غلطی وجود دارد. فرض بفرمایید - آنطوری که اطلاع دارم - در بعضی از عشایر، پسر عمومی هر دختری حق دارد که در مورد ازدواج آن دختر، اظهار نظر بکند! این، غلط است. اسلام، چنین اجازه‌ای را به هیچکس نمیدهد. آنچه را که مسلمانان جاهل انجام میدهند، کسی نباید به حساب اسلام بگذارد. اینها عادات جاهلی است. مسلمانان جاهل، با تکیه‌ی بر آداب و عادات جاهلیت، کارهایی را انجام میدهند که ربطی به اسلام و احکام نورانی آن ندارد. اگر کسی دختری را مجبور کند که باید با پسر عمویت ازدواج کنی، کار خلاف کرده است. اگر کسی بعنوان اینکه پسر عمومی دختری است، به خودش حق بدهد که او را از ازدواج کردن نهی کند و بگوید با من ازدواج نکردی، پس من اجازه‌ی ازدواج به تو نمیدهم، این پسر عمو و هر کس که به او کمک کند، فعل حرام خلاف شرع کرده است. اینها، خلاف شرع بین است. هیچ کس از فقهای اسلام، در این مورد اختلاف نظر ندارند.

اگر فرض کنیم کسی از قبیله‌ای، برای اینکه اختلافات خود را با قبیله‌ی دیگر حل کند - فرض کنید دعوا و اختلاف و خونریزی بوده است - حل این اختلاف و فصل این نزاع را به این قرار بدهد که دختری را از قبیله به آن قبیله بدهند؛ بدون اینکه از خود دختر اجازه بگیرند، این کار خلاف شرع است. حالا یک وقت از خود دختر اجازه بگیرند، البته اشکالی ندارد. دختری است، خودش مایل است و حرفی ندارد که با جوانی از قبیله‌ی دیگر ازدواج کند که ضمناً با این ازدواج، اختلاف و نزاع هم از بین برود. این، ایراد و مانعی ندارد؛ اهلاً و سهلاً. اما اگر بخواهند دختری را به این کار مجبور بکنند، این کار، خلاف شرع و خلاف احکام اسلامی است.



احکام اسلام در انتخاب همسر، از اول تشکیل خانواده، در جهت کمک به زنان است. چون بعضی از مردان، نسبت به زنان زورگویی و ظلم و تعدی میکردند، اسلام در مقابل این ظلم و تعدی ایستاده است.^۱

ازدواج مجدد همسران شهدا؛ یک عمل شرعی و واجب

من میبینم که در جامعه‌ی ما متأسفانه بعضی از زنهای جوان که همسرشان شهید شده، خیال میکنند که ازدواج نکردن وفاداری نسبت به آن شوهر است؛ در حالی که در اسلام اصلاً چنین چیزی وجود ندارد، و آن روح عزیزی که در عالم برزخ و شاید در ملکوت الهی است، او از اینکه این خانم ازدواج بکند و به یک عمل واجب شرعی یا لااقل مستحب مؤکد شرعی عمل بکند، مطمئناً خوشحالت‌تر و خشنودتر است، و شاید از اینکه این همسر شهید به استناد شهید - به استناد خاص شهید - از یک عمل شرعی و لازم استنکاف بکند، احتمال دارد که روح شهید معذب هم باشد. من قویاً معتقدم، یک وقتی بعضی از مسؤولین و برادران این معنا را گفتند، بعضی از خانواده‌های شهدا به ایشان برخورد یا شاید هم حالا خواستند یک حرفی گفته باشند؛ به اینجا و آنجا مراجعه کردند گفتند این حرف به ما برخورده، در حالی که هیچ اصلاً برخورد هم ندارد، ازدواج است. ازدواج یک عمل طبیعی است، یک عمل قهری است، یک وقتی یک نفری همسری دارد، بعد که همسرش به هر دلیلی از او جدا شد یا به شهادت یا به مرگ طبیعی یا به جدایی به وسیله‌ی عوامل قانونی و قهری؛ خب طبیعی است که این خانم اگر وقت ازدواجش است و جوان است بایستی ازدواج بکند، اصلاً بحث تویش نیست. من توصیه‌ی مؤکد دارم که خانمهای شهدا حتماً ازدواج کنند و اگر خودشان راغب به ازدواج نیستند، این را به گردن شهید نگذارند اقلأً که بگویند چون همسر ما شهید شده و عزیز بوده و فلان؛ بنابراین ما بنخاطر او ازدواج نمیکنیم. من فکر نمیکنم که شهید از آن خوشش بیاید.^۲

۱. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

۲. از مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۹/۱۳)

عوامل محرومیت دختران از ازدواج

چرا باید بعضی از دخترهایی که مؤمن هستند، باسوادند، با فرهنگند، اهل دین هستند، حتی بعضی‌هایشان مبلغند، به جرم اینکه یک مقدار سنّشان بالا رفته یا چندان از زیبایی بهره‌ای ندارند، از نعمت ازدواج و تشکیل خانواده و نعمت تربیت فرزند محروم بمانند. خوشا به حال آن فرزندی که در دامن چنین زنان پاک‌پرورش پیدا کند. خوشا به حال آن مردی که چنین زن پاک و مقدّسی در خانه داشته باشد. این معیارهای طاغوتی را دور بریزید. پدرها! مادرها! تقوای خدا پیشه کنید در امر ازدواج. این همه قرآن به ما میگوید، اسلام به ما میگوید، مهریه را سنگین نکنید، دنبال جهیزیه‌های سنگین نباشید، دنبال نام و نشان و شغل نباشید. پسر مسلمان، دختر مسلمان، هر دو دارای معرفت اسلامی، هر دو دارای دل مؤمن، اینها کفو همند. بگذارید زندگی مشترک را شروع کنند. چقدر مسأله به من مراجعه میشود در همین زمینه‌ها مرتّب جوانها، پسرها، دخترها، شکایت و گله میکنند از دست خانواده‌های سخت‌گیر، مخصوصاً پدر و مادرهای بعضی از دختران. من در این موقع مقدّس، در این موضوع مقدّس، در حضور شما جمعیت عظیم و انبوه، در خطبه‌ی نماز جمعه خواهش میکنم به حکم خدا برگردید، آنچه را که خدا گفته است آن را معتبر بدانید.^۱

ملاک انتخاب؛ ایمان، پاکدامنی، امانت و صدق

هم‌سنگ و هم‌شان کدام است؟ ممکن است یکی بیاید خواستگاری دخترمان، هم‌شان ما نباشد، هم‌شان را بشناسیم، هم‌شان را معرفی کردند برایمان، معین کردند، فرمودند: «المؤمن کفو المؤمنة»^۲ مؤمن هم‌شان مؤمن است، مگر آنی که خدای نکرده خواستگاری دخترتان می‌آید مؤمن نباشد، آن یک حرف دیگر، اما اگر مؤمن است، هم‌شان دختر شماست، زشت است باشد، بی‌پول است باشد، پدرش اسم و رسم ندارد باشد، شغل زیاد

۱. در خطبه‌های نماز جمعه (۵۹/۹/۷)

۲. روضة‌المتقین، ج ۸، ص ۱۲۰

پول در بیاور ندارد نداشته باشد. شما هم که میروید خواستگاری دختر برای پسران، آن دختر مؤمن را وقتی پیدا کردید، آن خوب است، آن کفو است، خیلی زیبا نیست نباشد، تحصیلکرده نیست، نباشد، پدرش اسم و رسم ندارد نباشد، نداشته باشد، ثروت ندارد، جهاز نمی‌آورد نیاید، آنی که ملاک هست، هیچکدام از اینها نیست، فقط ایمان و پاکدامنی و امانت و صدق است؛ اینها را تحقیق کنید البته.

اینی هم که شنیدید میگویند «خانواده»، «خانواده»، منظور خانوادگی اسم و رسم دار نمیدانم آنچنانی نیست، خانوادگی شأن دار اجتماعی نیست، خانوادگی متدین است، یک وقت، یک مرد برابر حمّال مؤمنی دختری دارد، دختر او را باید گرفت، هیچ اشکالی ندارد. چه اشکالی دارد، برابر است؟ خب بله، گاریچی است؟ خب بله، خیلی هم خوب است، مؤمن که هست. اینی که بعضی میگویند که آقا باید خانواده شریف باشد، بله باید شریف باشد اما خانوادگی شریف کدام است؟ آنی است که هفت تا پدرشان اسمهاشان معین باشد، همه جزو رجال باشند، جزو شخصیتها باشند اینجوری است؟ نخیر خانوادگی شریف، آن خانوادگی است که پدر آن خانواده، مادر آن خانواده مؤمنند، امینند، صادقند، آدمهای خوبی‌اند، سالمند، این خانوادگی شریف است. اگر توی خانوادگی اینچینی، یک دختری بود که به دیانتش و عفتش شما مطمئن شدید آن همان دختر خوب است. همانی است که میخواهید، بروید سراغش.^۱

نایاب بودن مرد بی‌عیب

این نکته را هم به شما زنها بگویم که مرد بی‌عیب در دنیا وجود ندارد. ممکن است مردی این عیب را داشته باشد؛ آن عیب دیگر را نداشته باشد.

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

دیگری هم که این عیب را ندارد، ممکن است ده عیب دیگر داشته باشد.^۱

انتخاب دختر متدین با وجود خانواده‌ی بد

اگر چنانچه توی یک خانواده‌ی بد که توی آن خانواده دین نیست، تقوا نیست، مراعات مقررات اسلامی نیست، اهمّیت به ضوابط اسلامی نیست؛ اگر توی این چنین خانواده‌ای یک دختری هست خیلی هم زیبا خیلی هم باسواد شغل خوبی هم دارد، اینها، نروید سراغش مگر اینکه آن دختر بر خلاف خانواده‌اش متدین باشد، آن اشکالی ندارد، اگر توی یک خانواده‌ی بدی یک دختر خوبی درآمده، هستند دخترهای حزب‌اللّهی که پدرشان، مادرشان آدمهای خوبی نیستند متدین نیستند، این دختر حزب‌اللّهی و خیلی هم خوب است، این اشکالی ندارد، خیلی هم خوب است، اما اگر نه دختر هم مثل خانواده‌اش هست، آن وقت این همان «خَضْرَاءَ الدِّمَنِ» است. یک روایتی دارد که پیغمبر فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدِّمَنِ»^۲ یعنی مبادا سراغ سبزه‌های گلخن بروید. در جاهای بد، گلخن و - نمیدانم - کثافت و اینها سبزه میروید، پیغمبر [فرمود]: سراغ سبزه‌ای که توی کثافتخانه میروید نروید، پرسیدند که سبزه‌ای که توی کثافتخانه میروید چیه؟ «خَضْرَاءَ الدِّمَنِ» یعنی چه؟ فرمود: آن دختر زیبایی که در خانواده‌ی بد زندگی میکند، سبزه است مثل سبزی مثل یک نبات که از زمین میروید، مثل یک گل است، اما گلی است که در آنچنان سرزمینی میروید، به درد نمیخورد، رهایش کنید. مگر اینکه همینطور که گفتیم خود دختر غیر از خانواده‌اش باشد، با پدر، مادرش فرق داشته باشد، آن وقت خیر اشکالی ندارد، خیلی هم خوب است.^۳

انتخاب دختران بخاطر صفات والای انسانی

سختگیری‌های پسران و مردان در گزینش و انتخاب دختر جزو موانع

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۲/۲/۲۸)

۲. نهج‌الفصاحه، ص ۳۵۵

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

بزرگ است. به پسران جوان نصیحت میکنم که ازدواج کنند و نصیحت میکنم که در ازدواج تقوا و عفاف دختران را در نظر داشته باشند و نه جمال آنها را. ای بسا دخترانی بی بهره‌ی از جمال اما برخوردار از والاترین صفت‌های انسانی؛ آنها را بخواهید و قدر بدانید.^۴

تقدّس ازدواج در ادیان

ازدواج یک تقدّسی دارد از نظر ادیانی که حالا من میشناسم. من در این خصوص، تفحص زیادی نکردم. بد هم نیست که بعضی از دوستان آماده‌ی به کار در این زمینه تفحص کنند. غالباً مراسم ازدواج، یک مراسم مذهبی است؛ مسیحیها آن را توی کلیسا انجام میدهند، یهودیها آن را در کنائشان^۵ انجام میدهند؛ مسلمانها هم اگرچه در مسجد انجام نمیدهند، اما اگر بتوانند، در مشاهد مشرفه، والا در ایام متبرک دینی و عمدتاً به وسیله‌ی رجال دین، این را انجام میدهند. رجل دینی هم وقتی برای ازدواج نشست، مبالغی دین بیان میکند؛ بنابراین صبغه، کاملاً صبغه‌ی دینی است.^۶

غلبه‌ی ارزشهای پوچ اقتصادی بر ارزشهای واقعی

آن سابقه‌هایی که من و شما خیلی یادمان نیست، قبل از هجوم فرهنگ غربی فاسد به کشور ما و به جامعه‌ی ما چرا، یک قدری مراعات میشد. اگرچه همان وقت هم باز اسم و رسم و چهل تا شتر جهاز و از این حرف‌های مزخرف بود، اما باز یک خرده بهتر بود، وقتی که فرهنگ غربی آمد، قیدوبندهای اسلامی ضعیف شد، دختر و پسرها به جای اینکه به ارزشهای واقعی هم فکر کنند به ارزشهای پوچ فکر کردند. واقعاً پوچ است کسی خیال کند که یک مرد اگر پول داشت میشود دختر به او داد، میشود زنش شد؛ اما اگر پول نداشت نه، اگر شغل درآمدداری، عنوان داری داشت میشود

۴. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۰/۲/۴)

۵. جمع کنیسه

۶. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

و الا نه، حالا شغل خوب البتّه به نظر هر کسی یک چیز است.^۱

مهریه و جهیزیه سنگین؛ کار جهّال در زمان پیامبر(ص)

خیال نکنید آن وقتها مهریه زیاد و سنگین یا جهیزیه زیاد سرشان نمیشد. چرا آقا! آن وقتها هم بعضی، از این بی‌عقلیها مثل همین بی‌عقلی‌های زمان ما را داشتند که مثلاً یک میلیون مثقال طلا مهریه‌ی دخترشان بکنند. درست مثل همین بی‌عقلیهایی که امروز بعضیها دارند. این کارهای مبالغه‌آمیز اینطوری اصلاً کار جهّال است. اسلام آمد همه‌ی اینها را به‌هم‌ریخت. نه اینکه پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) بلد نبودند بگویند دختر من هزار شتر سرخ موی با فلان شرایط باید مهریه‌اش باشد. چرا میشد؛ منتها اسلام همه را به‌هم‌ریخت.^۲

تقدّس‌زدایی از ازدواج با مهریه‌های سنگین

ازدواج یک جنبه‌ی قدسی دارد؛ این جنبه‌ی قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه‌ی قدسی به همین کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه‌ی ما رایج شده. این مهریه‌های سنگین به‌خیال اینکه میتواند پشتوانه‌ی حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد، تعیین میشود؛ در حالی که اینجور نیست. حداکثر این است که شوهر از دادن امتناع میکند، می‌برندش زندان؛ یک سال، دو سال زندان میماند. در این اقدام، به زن چیزی نمیرسد؛ او بهره‌ای نمیبرد، جز اینکه کانون خانواده‌اش هم متلاشی میشود. اینکه در اسلام از حضرت امام حسین(علیه‌السلام) نقل شده که فرمود ما دخترانمان و خواهرانمان و همسرانمان را جز با مهرالسّنه عقد نکردیم، به خاطر این است؛ والاّ میتوانستند. اگر امام حسین میخواست مثلاً با هزار دینار هم عقد بکند، میتوانست؛ لازم نبود مثلاً با پانصد درهم - دوازده و نیم اوقیه^۳ - مقید به

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۲/۱۱/۱۲)

۳. وزنه‌ای معادل هفت مثقال؛ دوازده و نیم اوقیه معادل پانصد درهم است.

این کار بشود. آنها میتوانند، اما کمش کردند. این کم کردن، با یک محاسبه است؛ این خیلی خوب است.^۱

نسخ مهریه‌ی سنگین دوران جاهلیت

مهریه‌ی سنگین مال دوران جاهلیت است. پیامبر اکرم آن را منسوخ کرد. پیامبر (صلی الله علیه وآله) از یک خانواده اعیانی است. خانواده‌ی پیغمبر (صلی الله علیه وآله)، تقریباً اعیانترین خانواده‌ی قریش بودند. خود ایشان هم که رئیس و رهبر این جامعه‌ی است. چه اشکالی داشت دختر به آن خوبی که بهترین دختران عالم است و خدای متعال او را «سیدة النساء العالمین» قرار داد «من الأولین و الآخِرین» با بهترین پسرهای عالم که مولای متقیان است میخواستند ازدواج کنند، مهریه‌ی ایشان زیاد باشد؟ چرا ایشان آمدند و این مهریه کم را قرار دادند که اسمش «مهر السنّة» است.^۲

تقیّد به مهر السنّة؛ عمل نمادین برای رفع مشکلات

من گمان میکنم اینکه در جهیزیه حضرت زهرا اینقدر سادگی رعایت شد و در مهریه‌ی ایشان و همه‌ی اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) به آن مهر کم، «مهر السنّة» مقید بودند، درحالی که همه قبول داشتند که بیش از «مهر السنّة» هم جایز است، اما این حد را حفظ کردند؛ این یک جنبه‌ی نمادین داشت. برای اینکه بین مردم مبنای پایه‌ای باشد برای عمل به آن، تا دچار این مشکلاتی که بر اثر زیاده‌رویها پیش می‌آید، نشوند.^۳

مهریه‌ی کمتر، جنبه‌ی انسانی بیشتر

اگر کسی برای دختر خود اهمّیت قائل است، یا دختری برای خود

۱. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۴/۲/۲۸)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۷/۴/۱۸)

ارزش قائل است، راهش این نیست که بگوید باید مهریه‌ی ما را زیاد کنید. مهریه هر چقدر کمتر باشد، جنبه‌ی انسانی این پیوند بیشتر است.^۱

مهریه‌ی «۱۴ سکه» برای غلبه کردن جنبه‌ی معنوی ازدواج بر جنبه‌ی مادی

اینکه میبینید ما گفتیم ۱۴ سکه بیشتر را عقد نمیکنیم؛ برای این است که آن جنبه‌ی معنوی ازدواج غلبه پیدا کند به جنبه‌ی مادی؛ مثل یک تجارت و معامله نباشد.^۲

کم قرار دادن مهریه؛ یک عمل نمادین برای اندیشیدن به یکدیگر

این کم کردن مهریه که ما اینقدر خوشمان می‌آید نه برای خاطر این است که اگر مهریه زیاد باشد عقد باطل است یا بد است نه، از باب اینکه این یک عمل سمبلیک است، وقتی مهریه را کم قرار دادند این معنایش این است که اینها بیشتر از همه چیز به یکدیگر می‌اندیشند، به خودشان فکر میکنند نه به چیزهای زیادی، به جهیزیه هم، لابد خیلی اهمیّت نمیدهند.^۳

مهریه‌ی بالا؛ تنزل معامله‌ی انسانی به حدّ کالا و بی‌احترامی به دختر هیچ پولی، هیچ ثروتی، معادل یک انسان نمیشود، نه هیچ مهریه‌ای میتواند قیمت سرانگشت یک زنِ مسلمان باشد و نه هیچ درآمدی برای یک مرد یا زن میتواند معادل با شخصیت او باشد. کسانی که مهریه‌های دخترشان را برای احترام به دخترشان بالا میبرند، اشتباه میکنند. این احترام نیست. این بی‌احترامی است. برای اینکه با بالا بردن مهریه، شما جنس این معامله‌ی انسانی را، یعنی یکی از دو جنس معامله‌ی انسانی را - چون هر

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۴/۵/۲۴)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۷/۴/۱۸)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

دو در مقابل هم هستند - تنزل می‌دهید به حدّ یک کالا و یک متاع. می‌گویید دختر من آن قدر می‌ارزد. نه آقا! دختر شما اصلاً با پول قابل مقایسه نیست. ■

این مهریه یک سنت اسلامی و الهی است. برای این نیست که در مقابل این موجود شریفِ عزیز انسانی، انسان بخواهد یک چیزی بدهد.^۱

مهریه‌ی سنگین؛ تبدیل ازدواج به داد و ستد

در ازدواج، اصل قضیه یک امر انسانی است نه یک امر مادی. اسلام مهریه را قرار داده است؛ اما مهریه این را بصورت یک معامله دادوستدی نمی‌کند. اینجا دادوستدی نیست؛ بلکه طرفین در یک جای مشترک سرمایه‌گذاری میکنند. اینطور نیست که شما مثل خرید و فروش، یک چیز بدهید و یک چیز بگیرید. نه، اینجا چیزی دادن و چیزی گرفتن نیست؛ بلکه هر دو نفر موجودی خودشان را در صندوق و کاسه‌ی مشترکی می‌گذارند و هر دو از آن استفاده میکنند. در ازدواج، قضیه این است.

بنابراین، نقش مادیات در اینجا باید خیلی ضعیف باشد. ما که می‌گوییم مهریه‌ها را سنگین نکنند، از این بابت است. اگر ما گفته‌ایم که مهریه بیش از فلان مقدار نباشد، معنایش این نیست که اگر بیش از فلان مقدار بود، عقد باطل یا حرام است؛ نه، جایز هم است، اما کار غلط است. بعضیها چند میلیون تومان مهریه می‌گذارند، یعنی ازدواج را که یک امر انسانی است، به یک دادوستد و به یک کار بازاری و معامله‌گری تبدیل میکنند. این تحقیر و توهین به نقش و شأن انسانیّت در ازدواج است. این، کار غلطی است.^۲

مهریه‌ی سنگین؛ زمینه‌ساز مشکلات اجتماعی

اینکه ما مهریه را به این مقدار^۳ محدود کرده‌ایم، نه بخاطر این است که

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۷/۸/۱۱)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۰/۴/۲۰)

۳. چهارده سکه‌ی بهار آزادی

مثلاً اگر پانزده، شانزده یا حتی هزار سکه‌ی طلا مهر شد، عقد نمیشود کرد یا عقد باطل است؛ نه، هیچ اشکال ندارد. بعضیها میگویند سیصد و سیزده سکه. حالا تابلوهای دینی هم برایش درست کرده‌اند! ما میگوییم بگذارید یکصد و بیست و چهار هزار سکه - به عدد همه‌ی پیغمبران - ازدواج اشکالی پیدا نمیکند، اما صحبت اینجاست که اشکالات دیگر به وجود می‌آید؛ هم در محیط خانواده و هم در محیط جامعه، این زوجهای جوان با ضررهای بزرگتری روبرو میشوند.^۱

عدم پیشگیری مهریه‌ی سنگین از طلاق

هیچ مهریه‌ی سنگینی مانع طلاق نمیشود و نشده است. آن چیزی که مانع طلاق میشود، اخلاق و رفتار است و رعایت موازین اسلامی.^۲

مهریه و جهیزیه‌ی سنگین؛ از زواید زندگی

توقعات مادی را در محیط خانواده باید کم کرد. جهیزیه را منع نمیکنیم، لازم است؛ اما اسراف کردن در جهیزیه و وسعت دادن و زیاده‌روی کردن در آن، تا حدی که خانواده‌ی عروس خودشان را به زحمت بیندازند، اینها به نظر ما همه‌اش غلط است و درست نیست. مهریه‌ی زیاد و جهیزیه‌ی سنگین، هیچ دختری را خوشبخت نمیکند و هیچ خانواده‌ای را به آن آرامش و سکون و اعتماد لازم نمیرساند. اینها زواید زندگی است، فضول زندگی است و جز اینکه دردسر میکند و اسباب زحمت و اسباب مشکل میشود، فایده‌ی دیگری ندارد. گاهی فقط هم دردسر نیست؛ گرفتاریهای زیادتری درست میکند؛ لذا این چیزها را هر چه میتوانید کم کنید.^۳

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۳/۲۹)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد یک‌هزار عروس و داماد در حسینیه امام خمینی (ره) در روز ولادت حضرت زهرا (س) (۷۵/۹/۴)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۳/۲۹)

دوری از تشریفات و تجمل‌گرایی و مهریه‌های گران‌قیمت

ما باید شایستگی خود را ثابت کنیم. مگر نمی‌گوییم که جهیزیّه‌ی آن بزرگوار چیزهایی بود که انسان با شنیدن آنها اشکش جاری می‌شود؟ مگر نمی‌گوییم که این زن والامقام، برای دنیا و زیور دنیا هیچ ارزشی قائل نبود؟ مگر میشود که روزبه‌روز تشریفات و تجمل‌گرایی و زر و زیور و چیزهای پوچ زندگی را بیشتر کنیم و مهریه دختران‌مان را زیادتر نماییم؟ اوایل که گاهی بعضیها مهریه‌ی عقد را یک خرده‌گران قرار میدادند، ما شوخی میکردیم و میگفتیم شما که میخواهید مثلاً فلان قدر سکه قرار بدهید، پس یکباره بگوئید ۷۲ سکه. اما حالا میبینیم که تعیین مهریه‌های گران‌قیمت، واقعی شده است! واقعاً چه خبر است؟ شما که پدر آن دختر هستید، آیا میتوانید ادعا کنید که پیرو پدر فاطمه (سلام‌الله‌علیها) هستید؟ این‌طوری نمیشود، ما باید به حال خودمان فکری بکنیم.^۱

دوری از تشریفات؛ ساده‌تر از رهایی از آن

زندگی را ساده بگیرید، خودتان را اسیر تشریفات نکنید. اگر از اول وارد مسابقه تشریفات شدید، دیگر رهاشدن از آن سخت است. حالا هم جمهوری اسلامی است. اگر کسی بخواهد ساده زندگی کند میتواند. یک‌روزی بود که نمیشد، سخت بود. اگر چه بعضی به دست خودشان مشکل میکند. در لباسشان، در مسکنشان، در تجملاتشان، همه را بر خودشان سخت میکنند.^۲

لزوم گفت‌وگو در تشریفات زائد ازدواج

یا همین تشریفات زائد ازدواج - خرجهای زیاد، مجالس متعدد - که واقعاً انسان دلش میگیرد وقتی میشوند. اینها از آن مواردی است که گفت‌وگو می‌خواهد. خانمهای مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه،

۱. در دیدار با مداحان اهل بیت (ع) به مناسبت تولد حضرت زهرا (۷۰/۱۰/۵)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۸/۱۰/۱۳)

روحانیون، به خصوص صدا و سیما و رسانه‌ها باید در این زمینه‌ها کار کنند؛ این را از این حالت بیرون بیاورند.^۱

توصیه به زندگی ساده و بی‌تشریفات

سعی کنید از اول، زندگی را ساده و بی‌تشریفات شروع کنید. طوری نباشد که از اول کار، تشریفات و زیاده‌خواهیها را وارد زندگی کنید. بدانید که ترجیح و ارزش پیش خدا، با پول و تشریفات و مهمانی اسراف‌آمیز و جشن گرفتن در هتلهای گران قیمت نیست. اینها هیچ ارزشی پیش خدا ندارد. ارزش، در ایمان، در تقوا و در جهاد است.^۲

ازدواج زن مسلمان؛ همراه با عشق معنوی بیگانه از تشریفات

زن مسلمان، شخصیت خودش را پیدا کرده است. مواظب باشید این شخصیت را گم نکند. ازدواجها در دوران انقلاب و به برکت آن آسان شد؛ چون تشریفات و سختگیریها کم شد. نگذارید دوباره به خانه‌ی اول برگردیم. پدران و مادران، نسبت به مقدمات غیر لازم ازدواج سختگیری نکنند؛ جوانان که سختگیری‌ای ندارند. بگذارند ازدواج اسلامی انجام بگیرد. بگذارند ازدواج برای دختر مسلمان و زن جوانی که در محیط اسلامی است، مثل ازدواج فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) باشد؛ ازدواجی با پیوند عشقی معنوی و الهی و جوششی بی‌نظیر میان زن و مرد مؤمن و مسلمان و همکاری و همسری به معنای واقعی بین دو عنصر الهی و شریف، اما بیگانه از همه‌ی تشریفات و زر و زیورهای پوچ و بی‌محتوای ظاهری. این است ازدواج درست زن مسلمان و تربیت فرزند و اداره‌ی محیط خانه و البته اندیشیدن و پرداختن به همه چیز جامعه و دین و دانش و فعالیت اجتماعی و سیاسی اسلام، این است.^۳

۱. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۱/۱۰/۱۷)

۳. در دیدار با جمع کثیری از زنان (۶۸/۱۰/۲۶)

حسرت و احساس عدم خوشبختی در مسابقه‌ی مادّی، تجملات و تشریفات

اسیر تجملات و تشریفات و چشم و هم‌چشمیها نشوید. خودتان را در دام مسابقه‌ی مادّی در امر زندگی نیندازید. هیچکس در این مسابقه، خوشبخت و کامیاب نمیشود. این ظواهر زرق و برق دار زندگی شخصی، اینها هیچکدام انسان را نه خوشبخت میکند، نه دلشاد و راضی میکند. اصلاً انسان هر چه گیرش می‌آید، باز چیز بیشتری را میخواهد. در حسرت یک چیز بهتری است. در شرع مقدّس هست - العفاف و الکفاف - به همان زندگی که بشود گذراند و انسان محتاج کسی نباشد و در عسرت نباشد. این جور پیش ببرید.^۱

بدبختی انسان در زندگی تجملاتی پرخرج و مُسرفانه

زندگی تشریفاتی، زندگی تجملاتی، زندگی اشراف‌منشی، زندگی پُرخرج و زندگی مصرفی، انسانها را بدبخت میکند. این خوب نیست. زندگی باید با کفاف و راحت بگذرد، نه پُرخرج و مُسرفانه. این دو تا را بعضیها چرا با هم اشتباه میکنند؟ با کفاف یعنی محتاج کسی نباشند و بتوانند زندگیشان را اداره کنند، بدون احتیاج به هیچکس. دلخوشی هم باید داشته باشند و الاً زندگی با درآمد زیاد و مخارج زیاد و تشریفات که خوب نیست. اینها اصلاً راحتی نمی‌آورد، دلخوشی نمی‌آورد.^۲

قناعت؛ یعنی توقّف در حدّ کفاف

قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید. بعضیها خیال میکنند که قناعت مال آدمهای تهیدست و فقیر است و اگر آدم داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حدّ لازم، در حدّ کفایت، انسان توقّف کند.^۳

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۷/۷/۲۰)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۸/۱/۲)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۶/۱/۱)

توقع کم؛ مایه‌ی سعادت دنیا و آخرت

توقعات مادی زیاد و بالا، موجب تنگی معیشت و موجب ناراحتی خود انسان میشود، اگر انسان توقع خودش را از زندگی توقع کمی قرار دهد، این مایه‌ی سعادت خواهد بود. نه فقط برای آخرت انسان خوب است، که برای دنیای انسان هم خوب است.^۱



۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۱۲/۲۱)

فصل دوّم ————— ❁

جایگاه زن در خانواده



زن مسلمان؛ رکن اساسی خانواده

زن مسلمان در عائله، وظایفی دارد و آن همان رکنیت اساسی خانواده و تربیت فرزندان و هدایت و تقویت روحی شوهر است.^۱

زن؛ محور اصلی عواطف خانوادگی

مسأله‌ی مادری، همسری و خانه و خانواده بسیار اساسی و حیاتی است. در همه‌ی طرحهایی که ما داریم خانواده باید مینا باشد! شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی بشوید، ولی زن خانه نباشید، ناقص هستید. شما میتوانید ضمن آن کارها زن و کدبانوی خانه هم باشید. اصلاً محور این است و اگر نخواهیم در این مورد یک تشبیه ناقص بکنیم، باید به ملکه‌ی زنبور عسل اشاره کنیم. کانون خانواده جایی است که باید در آن عواطف و احساسات وجود داشته باشد و رشد و بالندگی پیدا کند. بچه‌ها در آن کانون محبت و نوازش بینند. طبیعت مرد در یک محدوده‌ی خاصی خامتر و شکننده‌تر از طبیعت زن است و لذا مرهم زخم او فقط نوازش زن است. حتی نوازش مادر هم برای او نمیتواند جایگزین نوازش همسر باشد؛ یعنی همسر برای او کاری را میکند که مادر برای بچه کوچک خود میکند. زنهای دقیق و ظریف به این نکته آشنا هستند. احساسات و عواطف خانوادگی محتاج یک

۱. در جمع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

محور اصلی است که آن خانم خانه است و اگر او نباشد، خانواده شکل بدون معنایی خواهد بود.^۱

زن؛ حافظ خانواده

خانواده را هم زن به وجود می‌آورد و اداره میکند؛ این را بدانید عنصر اصلی تشکیل خانواده زن است، نه مرد. بدون مرد، ممکن است خانواده‌ای باشد.

زن خانواده اگر عاقل و باتدبیر و خانه‌دار باشد، خانواده را حفظ میکند. اما اگر زن از خانواده‌ای گرفته شد، مرد نمیتواند خانواده را حفظ کند. بنابراین، خانواده را زن حفظ میکند.^۲

مهمترین نقش زن

در مسأله‌ی زن آنچه که در درجه‌ی اول اهمیّت قرار دارد، مسأله‌ی «خانواده» است؛ نقش زن بعنوان عضوی از خانواده. به نظر من از همه‌ی نقشهایی که زن میتواند ایفا کند، این اهمیّتش بیشتر است. البته بعضیها اینطور حرفها را در همان نظر اول با شدت رد میکنند و میگویند آقا شما میخواهید زن را توی خانه اسیر کنید، محبوس کنید، از حضور در صحنه‌های زندگی و فعّالیّت باز بدارید؛ نه، به هیچ وجه قصد ما این نیست؛ اسلام هم این را نخواسته. اسلام وقتی که میگوید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۳؛ یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه‌ی نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریکند؛ زن را استثناء نکرده. ما هم نمیتوانیم زن را استثناء کنیم.^۴

۱. از مصاحبه با مجله‌ی شاهد یاران (۶۷/۹/۱۳)

۲. در جمع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

۳. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۱

۴. در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه (۸۶/۴/۱۳)



مهمترین کار زن؛ سر پا نگه داشتن زندگی

برخی فکر میکنند اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کار خانه، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانتی نیست. بلکه مهمترین کار برای زن این است که زندگی را سر پا نگه دارد.^۱

طبیعیترین و فطریترین کار زن

خانه‌داری و اداره کردن همسر و فرزندان، طبیعیترین و فطریترین کار برای زنان است، اما این امر هرگونه توانایی زنان را در میدانهای علمی و معنوی نفی نمیکند.^۲

کار اصلی زن؛ حفظ کانون گرم خانواده

ما یک امتیاز برای زنان قائل شدیم که این به نظر ما بزرگترین امتیاز است، اگر چه دنیا هنوز به او نمیرسد، نه نرسیده، و او این است که معتقدیم زن در نگاه نخستین و بعنوان بزرگترین و اولین مسؤولیت، مسؤولیت حفظ و اداره‌ی کانون گرم خانواده که ما آن را پایه‌ی تشکّل اجتماعی خودمان میدانیم بر عهده دارد. این کار به عهده‌ی مرد نیست و از مرد بر نمی‌آید.^۳

خانه‌داری؛ شغل اصلی زن

ما نمیگوییم زنها کار اجتماعی نکنند، چرا؟ یک کارهای اجتماعی است که میتوانند بکنند، حق دارند بکنند. یک کارهای اجتماعی است که واجب است بکنند. یک کارهایی است که واجب است زنها انجام بدهند. آن کاری که به عهده‌ی آنهاست، از آنها بر می‌آید، از غیر آنها بر نمی‌آید، استعدادش را دارند، باید انجام بدهند. اما شغل اصلی و اولی زن، زن خانه‌بودن است. این تحقیر زن هم نیست، خیال نکنید. این احترام زن است، این تجلیل زن

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۳/۸)

۲. در دیدار جمعی از خواهران متخصّص رشته پزشکی و مامایی (۷۲/۹/۹)

۳. در مصاحبه با سردبیران مجلات وزارت ارشاد (۶۰/۱۲/۴)

است. در خانه است، زن خانه است، محیط خانه را، یعنی آن محل رشد گیاه انسان را، گیاه انسان، این مرتب میکند، آماده میکند. مرد هم مخصوص این است که برود بیرون کارهایش را بکند و وسیله‌ی تغذیه‌ی این محیط را فراهم بکند، اینجوری است. مثل اینکه یک اتاقی را، دو تا هم اتاقی، شما فرض کنید. یکی اتاق را اداره میکند، یکی هم برای اینکه اینها بالاخره گرسنه میمانند، غذا میخواهند، میروند بیرون غذا برایشان تهیه میکند، به کدام بی احترامی شده؟ آنی که در خانواده کارها با اوست، همه چیز به او نگاه میکنند، اوست که این محیط را دارد میسازد، او بیشتر احترام پیدا میکند یعنی زن. مرد هم پادویی‌اش را میکند. وقتی هم پای مسئولیتهای اجتماعی رسید، پای مبارزه رسید، پای سیاست رسید، هر دو باید حاضر بشوند. پای مجاهدت در راه خدا رسید، هر دو باید بیایند، باید زن و مرد بیایند. بعضی زنها قویترند از مردان، بعضی مردها قویترند از زنان. وقتی که مبارزه ما میکردیم زنها نبودند، در نماز جمعه الان زنها بیشترند یا مردها؟ خیلی از نماز جمعه‌ها زنها بیشتر هم هستند. در خیلی از تظاهرات، زنها بیشتر هم هستند. آنجا که پای فعالیت اجتماعی و فعالیت سیاسی و حضور در صحنه‌ی اجتماع و مبارزه‌ی با ابرقدرتها و با ایادیشان هست، آنجا زن و مرد ندارد. زن هم باید باشد، مرد هم باید باشد. البته مرد جسمش قویتر است، یک کارهایی از او بر می آید که از زن بر نمی آید و یک کارهایی هم از زن بر می آید که از مرد بر نمی آید. اما از این محیط اجتماعی و فعالیت سیاسی و اینها که گذشتیم، به سراغ خانه که رفتیم، آنجا سوگلی خانه زن است، پادوی خانه مرد است. اینجور است دیگر، حالا زنها میگویند نه ما میخواهیم پادو باشیم خیلی خب بروید شما پادو باشید، کسی نمیگوید نه. البته این کار مهمتر است، این کار اصلیتراست.^۱

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۲/۱۲/۵)

خواسته‌ی اسلام از بانوان؛ حفظ بنیان خانواده

خانواده از همه چیز بالاتر است و در یک نظام اجتماعی اگر بنیان خانواده سست شد و متلاشی شد و به هم ریخت آنچنانی که امروز متأسفانه بر اثر سوءسیاستها و تدبیرها ما در جاهایی که فرهنگ غربی در آنجا رایج است، آن را مشاهده میکنیم. بسیاری از ارزشها از بین خواهد رفت؛ بنابراین روی خانواده، اسلام تکیه‌ی زیادی کرده و از بانوان خواسته که کوشش کنند بنیان خانواده مستحکم بماند.^۱

تقدّم مسؤولیت خانوادگی بر مسؤولیت اجتماعی

مسأله‌ی خانه و نقش زن در خانواده شده معضله‌ای برای خود زنها و مردها و اینها، در حالی که به نظر من هیچ معضله‌ای نیست، این یک چیز واضحی است. اولاً که خانواده یک چیز مشترک است بین زن و مرد؛ اینجور نیست که زنها در مورد اداره‌ی خانواده سهم داشته باشند، نقش داشته باشند، وظیفه داشته باشند، مردها نه. بلکه مرد و زن هر دو مشترکاً مأمورند که خانواده را بنا کنند، بسازند. درست است؟ خب؛ با توجه به اهمیتی هم که اسلام به خانواده میدهد، پس کاری از کارهای اصلی یا شاید بشود گفت اصلیتین کار یک زن و مرد مسلمان که پایه و قوام زندگیشان بر آن هست چیست؟ اینکه خانواده‌شان را بسازند دیگر، هم زن و هم مرد. هر دو این وظیفه را مشترکاً بر دوش دارند. منتها در بنای خانواده سهم زن و مرد یک اندازه نیست به صورت طبیعی، اولاً یکسان نیست، ثانیاً یک اندازه نیست، یعنی یک جور سهمی در بنای خانواده ندارند و همانی هم که سهم هر کدامی هست به یک اندازه و میزان و کمیت مشترکی نیست، هر کدام کمیت خاص خودشان را دارند. مثلاً فرض بفرمایید نقش زن و مرد را شما در تولید فرزند؛ خب یکی از کارهای اساسی انسان است دیگر تکثیر مثل، اگر این نباشد که خب جامعه منقطع خواهد شد. شما این دو تا را با همدیگر مقایسه کنید، خواهید دید نقش مرد یک نقش کمتر و

۱. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

نقش زن یک نقش بیشتر و طولانیتری است.

مسئولیت خانوادگی زن، مسئولیت داخلی خانه‌ی زن باید انجام بگیرد، اما این به معنای این نیست که مسئولیت اجتماعی از دوش او برداشته است. نه، مسئولیت اجتماعی هم بر دوش اوست و او غیر از این است، منتها این یک تقدّمی دارد،^۱

مطلبوبیت حضور زن در اجتماع به شرط حفظ بنیان خانواده

زن میتواند بعنوان یک مبارز، یک سلحشور، یک مجاهد فی سبیل الله در صحنه‌ی جامعه ظاهر بشود البته در حالی که همه‌ی این تلاشها و فعالیتها برای زن جایز است و مباح است و مطلوب است و تشویق میشود زن به این کارها، بایستی خانواده بعنوان یک عنصر اصلی که قائم به وجود زن هست در جامعه‌ی متلاشی نشود؛ یعنی تلاشهایی که بانوان در جامعه میکنند بایستی بصورتی باشد که خانواده را و استحکام بنای خانواده را تحت تأثیر قرار ندهد.^۲

مادری و همسری؛ مسئولیت اول و منحصر به فرد زن

بحث در این است که آیا زن حق دارد به خاطر همه‌ی چیزهای مطلوب و جالب و شیرینی که در بیرون از محیط خانواده برای او ممکن است تصوّر شود، نقش خود را در خانواده از بین ببرد؟ نقش مادری را، نقش همسری را؟ حق دارد یا نه؟ ما روی این نقش تکیه میکنیم. من میگویم مهمترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت میتواند ایفا کند، آن نقشی است که بعنوان یک مادر و بعنوان یک همسر میتواند ایفا کند؛ این از همه‌ی کارهای دیگر او مهمتر

۱. از مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

۲. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمیتواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسؤولیت مهم دیگری هم داشته باشد - داشته باشد - اما این مسؤولیت را باید مسؤولیت اول و مسؤولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه‌ی به این وابسته است؛ سکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بی‌قراریها و بیتابیها و تلاطمها به این وابسته است؛ این را نباید فراموش کنیم. این هنری نیست که زن، کار مردانه را تقلید کند؛ نه، زن یک کار زنانه دارد که ارزش آن از هر کار مردانه‌ای بیشتر است. امروز دستهای بشدت مشکوک، موج ضد‌ارزشی را در دنیا به راه انداخته‌اند - که در همه‌جا هست، در کشور ما هم متأسفانه در گوشه و کنار دیده میشود.^۱

تکلیف دائمی زن؛ ساماندهی به خانواده بدون غرق شدن در آن

آنهایی که زن خانه هستید، آنهایی که مادر فرزندان هستید، آنهایی که دختران خانه هستید، هر کدام تو خانه یک تکلیفی دارید. خیال نکنید تکلیف شما از داخل خانه دیگر قطع شده است ابداً، ابداً. خانه محول به شماست، این را بدانید شما به هر جا برسید خانه را هم باید اداره کنید. باید اداره کنید، این یک وظیفه است، از دست غیر از زن هم برنمی‌آید. خانه‌ای که زن اداره‌کننده و مدیر داخلی آن نباشد این خانه بی‌سامان است. اگر بناست خانه به سامان برسد، اگر بناست کانون خانواده گرم باشد، گرم‌کننده‌ی او دست زن است. این چیزی است که باید فراموشتان نشود. هر کاری، هر حرکتی، هر فعالیتی با توجه به این باید برنامه‌ریزی بشود. تو خانه غرق نشوید، از خانه جدا هم نشوید، به خانه برسید. به تعبیر یکی از برادران اگر حوزه‌ای شما دارید که آنها را دارید به صورت حوزه‌ی حزبی تربیت میکنید، بدانید که یک حوزه‌ی دیگر شما هم داخل خانه‌ی شماست. آنجا هم حوزه‌ی حزبی شماست. آنجا هم مادر شما هست، دختر شما

۱. در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه (۱۳/۴/۸۶)

هست، خواهر شما هست، برادر شما هست، پدر شما هست، فرزند شما هست. آنها را هم در این خط صحیح پیش ببرید.^۱

کیفیت بخشی به حضور زن در «خانه»

شما کار هم دارید، بیرون هم هستید، جراحیتان را هم می‌کنید، مریضتان را هم می‌بینید، فلان کار علمی را هم می‌کنید، فلان طرح را هم مینویسید، فلان درس را هم در دانشگاه می‌دهید همه‌ی اینها به جای خود محفوظ اما بایستی سهم «خانه» را هم در نظر داشته باشید. البته سهم خانه، مثل همه‌ی چیزهای دیگر، میتواند کمیتش فدای کیفیتش بشود؛ یعنی از کمیت کاستن حضور بیست و چهار ساعته زن در خانه، یک معنا دارد؛ ولی وقتی از آن بیست و چهار ساعت کم کردید، اما کیفیتش را بالا بردید، آن وقت یک معنای دیگری خواهد داشت. اگر دیدید آن کارتان به این قضیه ضربه می‌زند، باید برایش فکری بکنید. این، مهم و اساسی است؛ مگر در موارد اضطراری. در همه‌ی چیزها ضرورتی وجود دارد که خارج از حد قاعده است؛ من قاعده را دارم می‌گویم؛ به استثنای کاری ندارم.^۲

قدردانی و ارزشگذاری و بیمه‌ی زنان خانه‌دار

زن توی خانه که بیکار نیست. یک عده‌ای خیال میکنند زن در خانه بیکار است. نخیر، زن توی خانه، بیشترین و سختترین و ظریفترین کارها را انجام می‌دهد.^۳

جامعه باید قدردان باشد. حتماً بایستی بر روی کار زنهای خانه‌دار ارزشگذاری ویژه بشود. بعضی میتوانند بروند کار بگیرند، بعضی میتوانند تحصیلات عالی بکنند، بعضی تحصیلات عالی هم داشتند - من

۱. در دیدار با خواهران واحد حزب جمهوری اسلامی تهران (۶۱/۱۱/۱۴)

۲. در دیدار با شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۷۰/۱۰/۲۴)

۳. در اجرای صیغه‌ی عقد (۷۶/۱۲/۱۸)

دیدم زنانی را از این قبیل - گفتند ما میخواهیم این بچه را بزرگ کنیم، خوب تربیت کنیم، نرفتیم کار بگیریم. زن نرفته کار بگیرد، آن کار هم زمین نمانده؛ آن ده نفر دیگر رفتند آن کار را گرفتند. باید از اینجور زنی قدردانی شود. در بیاناتی که حضرات فرمودند، این بود که مثلاً بیمه‌هایی برای اینها در نظر گرفته شود. بله، تأمین اقتصادی‌شان، بیمه‌شان، بقیه‌ی چیزهایی که لازم است، باید در نظر گرفته شود.^۱

تقوا و بلندنظری زن؛ عامل مؤثر در تربیت اسلامی خانواده

زن شجاع و پاکدامن و باتقوا و بلندنظر، میتواند همه‌ی افراد خانواده، حتی شوهر خود را با تربیت اسلامی، تربیت کند. خیلی از زنان موجب شدند که شوهرانشان به مقامات عالی معنوی و انسانی نائل شوند. هنر زن، این است؛ به‌خصوص شما خانمهای جوان، که همسر این جوانان مؤمن و انقلابی و حزب‌اللّهی هستید. هم شما مردان و هم شما زنان، کاری کنید که در محیط خانواده، آیه‌ی شریفه‌ی «و تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ»^۲ صدق کند. هم مرد زن را به پیروی از حقیقت و صبر و استقامت در راه خدا سفارش کند، و هم زن مرد را به پیروی از حق و حقیقت و صبر و استقامت در راه خدا توصیه نماید. اگر زنان جوان مؤمن حزب‌اللّهی انقلابی پاکدامن مثل شما، تصمیم بگیرند که به این آیه‌ی شریفه عمل کنند، یعنی شوهرانشان را به تقوا و پیروی نکردن از هوای نفس و رعایت رضای الهی توصیه کنند، یقیناً از هر عامل دیگری بر روی مردان مؤثرتر خواهد بود. این نصیحت، از هر نصیحتی کارآمدتر است. البتّه با زبان مهر و محبت، روی فرزندان هم اثر میگذارد.^۳

۱. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. سوره‌ی عصر، آیه‌ی ۳

۳. در دیدار خانواده‌های برادران «حفاظت» (۷۷/۷/۲۱)

نشر ارزشهای معنوی در خانواده و اجتماع به محوریت زن

در محیط خانوادگی، زنان بامتانت و تقوا و راستگویی و الگوگرفتن از زنان برجسته‌ی تاریخ، میتوانند محیط خانواده را تحت تأثیر خود قرار دهند.^۱

همه‌ی ارزشهای معنوی را میتوان از درون کانون گرم خانواده که محور آن، زن خانواده است؛ کدخدای این مجموعه، آن مجسمه‌ی عاطفه است بیرون کشید و معنویات را در سطح جامعه گستراند.^۲

نقش محوری زن در عروج معنوی خانواده

ارزش زن به این است که بتواند محیط زندگی خود را برای خود و برای مرد و فرزندان، یک بهشت، یک مدرسه، یک محیط امن، یک جایگاه عروج به معارف معنوی و مقامات معنوی تبدیل کند؛ و آن وقتی که وظیفه‌ی او ایجاب میکند، بتواند در سرنوشت کشور اثر بگذارد و در سرنوشت جامعه، نقش ایفا کند که در این صورت نقش زن همچنان که گفته شد فقط پنجاه درصد نیست، نقش کمی نیست؛ بلکه نقش کیفی است. هم خود او نقش ایفا میکند، هم با استفاده از جاذبه‌ای که خدای متعال در وجود زن گذاشته است، فرزند و شوهر خود را در آن راهی که مطلوب است، سوق میدهد و پیش میرود، بنابراین نقش زن در این صورت، نقشی مضاعف است.^۳

نفوذ روحی زن؛ از اسرار و زیبایی‌های خلقت

زنان هم از نفوذ خاص و غیرقابل توصیفی بر شوهرانشان برخوردارند؛ مگر موارد استثنایی. البته این بدان معنا نیست که اگر زنی بر شوهرش مسلط است، بگوییم او نفوذ دارد؛ نه. حرف از نفوذ قهری و طبیعی خداداده است.

۱. همان

۲. در دیدار اقشار مختلف مردم (۸۴/۳/۲۵)

۳. در دیدار با بانوان هرمزگان (۷۶/۱۱/۲۹)

من گاهی در بعضی از جلسات عقد که عروس و دامادها پیشم می‌آیند، وقتی نصیحتشان میکنم، در خلال حرفهایم به این نکته هم اشاره دارم، که بعضی حمل بر شوخی میکنند. من در محاسبات نهایی، زن را قویتر از مرد میدانم. اعتقادم این است. مرد، هارت و هورتش زیاد است؛ اما آنکه بالاخره در یک مقابله - اگر این مقابله طول بکشد - پیروز خواهد شد، زن است. یعنی زن بالاخره با روشها و وسایلی که خدای متعال در اختیار و طبیعت او گذاشته، بر مرد غالب میشود. این، یکی از زیباییهای طبیعت و از اسرار خلقت است. به مرد، استخوان درشتتر، قد بلندتر و صدای کلفتتر داده‌اند؛ اما به زن، در مقابل این امکانات، لطافت‌های روحی و وسایل نفوذ روی مرد را داده‌اند تا تعادل برقرار شود.^۱

قویتر بودن زن از لحاظ ظرافت و تدبیر

من همیشه به دوستان و خویشاوندان و زنان میگویم، میگویم برخلاف آنچه که معروف است، در بین این دو جنس، آن جنس قویتر زن است. زنها قویتر از مردهايند. زنها میتوانند با تدبیر و با ظرافت، مرد را در دست خودشان بچرخانند؛ انسان، هم در تجربه این را مشاهده میکند، هم با قیاسهای فکری و عقلی این را میتواند اثبات بکند. این واقعیتی است. بله، زنهایی هستند که بی تدبیری میکنند؛ لذا این کار را نمیتوانند انجام بدهند، اما زنی که اهل تدبیر باشد، مرد را میکند رام خودش. این مثل این است که یک نفری بتواند یک شیر درنده را افسار بزند، سوارش بشود؛ این معنایش این نیست که او از لحاظ جسمی از این شیر قویتر است، معنایش این است که توانسته این اقتدار معنوی را به کار ببرد؛ زنها این توانایی را دارند، منتها با ظرافت؛ یعنی ظرافتی که میگوییم، تنها ظرافت در ترکیب جسمانی و ساختمان جسمانی نیست، بلکه ظرافت در فکر و اندیشه و تدبیر و دستگاه تصمیم‌گیری است که خدای متعال در زن قرار داده.^۲

۱. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

۲. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

تدبیر، مدیریت، ظرافت؛ کار کدبانوی خانواده

وظایف داخل خانه‌ی زنان، نه اهمیّتش کمتر از وظایف بیرونی است و نه اینکه زحمتش کمتر است. شاید زحمتش بیشتر هم باشد. او هم برای اینکه این محیط را اداره کند، به تلاش و کوشش احتیاج دارد. چون مدیر داخل خانه زنان هستند. آن کسی که اداره میکند، کدبانو، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراف اوست. تحت نظارت و تدبیر و مدیریت اوست. خیلی کار پرزحمتی است. خیلی کار ظریفی است. فقط هم ظرافتِ زنانه از عهده‌ی انجام این کار بر می‌آید. هیچ مردی امکان ندارد بتواند این ظرافتها را رعایت کند.^۱

شوهرداری نیکو؛ یعنی ساختن با زحمتهای زندگی بخاطر خدا

هر تلاشی که یک مرد در میدانهای مختلف انجام میدهد، به میزان زیادی مرهون همکاری، همراهی، صبر و سازگاری همسر اوست؛ همیشه همینطور بوده است. فرموده‌اند: «و جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ»^۲. حُسْنُ التَّبَعْلِ یعنی چه؟ عده‌ای خیال میکنند جهاد زن این است که فقط وسایل راحتی مرد را فراهم کند. حسن تبعل فقط این نیست؛ این جهاد نیست؛ جهاد این است که زنان مبارز، مؤمن و فداکار وقتی شوهرهایشان مسؤولیتهای سنگینی دارند، بار آن سنگینی به میزان زیادی روی دوش آنها می‌افتد. شماها مأموریت دارید؛ خدمات شما همینطور است. وقتی مرد خسته میشود، اثر خستگی او در خانه ظاهر میشود. وقتی به خانه می‌آید، خسته، کوفته و گاهی بداخلاق است و این بداخلاقی و خستگی و بی‌حوصلگی ناشی از محیط کار، به داخل خانواده منعکس میشود. حالا این خانم اگر بخواند جهاد بکند، جهاد او این است که با این زحمتهای بسازد و آنها را برای خدا تحمّل کند؛ این میشود «حُسْنُ التَّبَعْلِ»^۳.

۱. در مراسم اجرای صیغهی عقد (۸۱/۶/۶)

۲. کافی، ج ۵، ص ۹

۳. در دیدار سپاه حفاظت ولیّ امر (۸۱/۷/۱۸)

نقش برجسته‌ی زنان در اصلاح جامعه

اگر زن در جامعه و در محیط زنانه اصلاح شود، جامعه بطور کلی اصلاح خواهد شد. اگر محیط خانواده‌ها به برکت زن، محیط سالمی شود، جامعه بطور کامل اصلاح خواهد شد. نقش زنان در اصلاح جامعه، نقش بسیار برجسته‌ای است. این، آن چیزی است که دشمنان سعادت انسانها هم به آن توجه دارند و روی آن کار میکنند.^۱

جلوگیری از انحراف شوهر با عقل و تدبیر

به هم کمک کنید. کمک به معنای اینکه در حفظ یکدیگر در صراط مستقیم الهی، یاری برسانید. اگر شوهر قدمی برمیدارد که شما احساس میکنید این قدم ممکن است به گمراهی و کجروی او منتهی شود، شما که نزدیکترین فرد به او و همسرش هستید، با عقل، تدبیر و لطافت، جلو او را بگیرید.^۲

مظلومیت زنان موجب مشکلات فراوان در مسائل خانوادگی

مادرهای مظلوم به‌وسیله‌ی فرزندانشان و زنهای مظلوم به‌وسیله‌ی شوهرهایشان، شما در جامعه‌ی ما کم نمیبینید، خیلی زیاد وجود دارد. البته ممکن است بعضی تصور کنند که این ناشی از حق طلاق است که در اسلام بدون شرط دست مرد است مگر اینکه شرط بشود که حالا شرط میشود؟ نه اینجور نیست. بنده قبول ندارم که مظلومیت زنها در خانه ناشی از بودن حق طلاق به دست مرد باشد.^۳

رفع مظلومیت از زن با تکریم آن در خانواده

در مورد مسائل خانوادگی من اینجا یادداشت کرده‌ام: احترام در چشم

۱. در دیدار جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد ۲۵ زوج (۸۱/۶/۲۸)

۳. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

شوهر، در چشم فرزند، در چشم پدر، در چشم برادر. زن اگر چنانچه در محیط خانواده، محترم و مکرم شمرده بشود، بخش مهمی از مشکلات جامعه حل خواهد شد. باید کاری بکنیم که بچه‌ها دست مادر را حتماً ببوسند؛ اسلام دنبال این است. کما اینکه در خانواده‌های مذهبیتر و اخلاقیتر و نزدیکتر به مفاهیم مذهبی، اینها مشاهده میشود. فرزندان خانواده نسبت به مادر تکریم داشته باشند. هیچ منافاتی ندارد این تکریم نسبت به مادر، با آن حالت عاطفی و خودمانی‌گری‌ای که بین فرزند و مادر وجود دارد؛ هیچ منافاتی ندارد؛ این احترام باید باشد؛ محترم باید باشد زن در درون خانواده. رفع مظلومیت به این شکل است.^۱

زن؛ گل زندگی نه مباشر و کارگرخانه

اگر در تعبیرات اسلامی ملاحظه کنید، درباره‌ی زن، درست همان تعبیرات واقعی وجود دارد. «إِنَّمَا الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ^۲». زن، گل است ریحان یعنی گل انسان با گل چه کار میکند؟ نوع برخورد با گل چگونه است؟ اگر با گل کشتی بگیرند، گل پرپر میشود. اگر گل را گل بشناسند و برخورد گلانه با آن بکنند، مایه‌ی زینت و مؤثر است و وجود خودش شاخص و بارز خواهد بود. و لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ، قهرمانه به معنی قهرمانی که به فارسی می‌گوییم، نیست؛ یک تعبیر عربی است که از فارسی گرفته شده است. قهرمان بطور خلاصه یعنی مباشر امور، سرکارگر. یعنی در خانه‌ی شما، زن را بعنوان مباشر امور خودتان ندانید، خیال نکنید که شما رئیسی هستید، کارهای خانه، بچه‌ها و امثال آن، به عهده‌ی یک سرکارگر است؛ سرکارگر هم این خانم است، و باید اینگونه عمل کنیم!^۳

۱. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

۲. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳

۳. در دیدار با زنان نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی (۷۶/۴/۳۰)

زن؛ گل زندگی، نه کارپرداز خانه

در روایات داریم «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ»، زن گل است. حالا شما ببینید اگر مردی با یک گلی با خشونت و بی‌اعتنایی رفتار کند و پاس گل بودن او را ندارد، چقدر ظالم و بد است. مثل تحمیل کردن، زیاده‌روی کردن، زیاده‌خواهی کردن مردها از زنها، توقعات بیجا و زیادی. «إِنَّمَا الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» قهرمان، یعنی همین کارپرداز امروز زندگی.

این زن، کارپرداز شما نیست که همه‌ی کارهای زندگیتان را روی دوش او بگذارید و بعد هم از او مؤاخذه کنید. نه! این یک گلی است در دست شما.

حتی اگر دانشمند یا سیاستمدار باشد، در بحث معاشرت خانوادگی، او گل است.^۲

شراکت همسران در اجر پاسداری از انقلاب

به آقایان عرض میکنیم قدر این خانمها را بدانید که با شماها همکاری میکنند؛ به خانمها هم عرض میکنیم کاری که اینها میکنند، اگر درست و خوب انجام بدهند - که ان‌شاءالله همینطور هم هست - جزو بهترین کارهاست. پاسداری در راه انقلاب، جزو برترین کارهاست؛ این کار خیلی ثواب دارد. هر چه شما به موفقیت جوانی که همسر شماست و این مسؤولیت را دارد، کمک کنید، ارج و قدر و اجرتان پیش خدا بیشتر است. با آمیختگی این هم‌تها و تلاشهاست که کارهای بزرگ در هر کشوری انجام میگردد. وقتی هم‌ت مردان و زنان و جوانان و پیران و قشرهای مختلف با هم پیوند میخورند، آن فواره‌ی عظیم هم‌ت بلند یک ملت به جریان می‌افتد و آن نیروی کم‌نظیر ملت‌ها خود را نشان میدهد.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳

۲. در دیدار با گروه کثیری از بانوان (۷۹/۶/۳۰)

۳. در دیدار سپاه حفاظت ولیّ امر (۸۱/۷/۱۸)

اجر زحمات روحی و عاطفی زنان در همراهی با همسر

شما خانمها اگر از ناحیه‌ی همسران زحمتی را متحمل میشوید که آن همسر این زحمت را بخاطر کار و تلاش و مجاهدت، بر شما تحمیل میکند، این زحمت پیش خدای متعال اجر دارد؛ ولو یک لحظه و یک ساعتش را هیچکس نفهمد. خیلیها از زحمات خانمها آگاهی ندارند. مردم عادت کرده‌اند که خیال کنند زحمت، چیزی است که انسان با بازو و بدن و جسم خود انجام میدهد؛ نمیدانند زحمات روحی و عاطفی گاهی سنگینتر است. آقایان، خیلی از زحمتهای شما را درست ملتفت نیستند؛ اما خدای متعال که «لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ» است - هیچ چیزی از او پوشیده نمیماند - ناظر کار شماست و شما اجر دارید.^۱

سهم زنان در موفقیت‌های همسران

گاهی هست که مرد در فعالیتهای زندگی سر دوراهی میرسد. انتخاب باید بکند یا دنیا را و یا راه صحیح و امانت و صداقت را، یکی از این دو تا را باید انتخاب کند؛ اینجاست که زن میتواند او را به راه اولیا به راه دوم بکشانند.^۲

زنهای شما - این خانمهای نجیب و مؤمن - در حسن عمل شما نقش فراوانی دارند. اگر شما موفقیتی به دست می‌آورید، سهم همسرانتان در این موفقیتها چشمگیر است. من همیشه به مسؤولان سطوح بالای کشور گفته‌ام که اگر شما پیش خدا اجری داشته باشید، حداقل نصفش مال همسرانتان است. چرا میگوییم حداقل نصفش؟ چون آن کاری که شما میکنید، مورد توجه و در مقابل چشمهاست؛ همه میبینند، همه میفهمند و همه قدردانی و ستایش و تعریف میکنند؛ اما این خانم با همراهی و محبت و رفاقت

۱. همان

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۱۲/۲۱)

صمیمانه‌ای که با شما میکند، سهمی دارد که جلوی چشم کسی نیست؛ و به همان اندازه که از چشمها پوشیده است، از اجرهای دنیوی و ظاهری هم بی‌بهره است؛ اما به همان اندازه اجر او پیش خدا بیشتر است؛ بنابراین من از شما همسران پاسداران عزیز هم تشکر میکنم.^۱

زندگی زناشویی؛ میدان خدمت در راه خدا

شما خانمها باید به نکته‌ای توجه داشته باشید و آن این است: پاسدارانی که همسران شما هستند، یکی از مهمترین و شریفترین شغل‌های این روزگار را بر عهده دارند؛ شغلی شرافتمندانه، همراه با مسؤولیت، همراه با خطر و زحمت و بدون پاداش چندان قابل توجه. کار اینها پیش خدا عزیز است؛ بنابراین همراهی و کمک به اینها افتخار است؛ این را با همین نیت دریابید و عمل کنید؛ با این نیت که به این جوان پاسدار - که همسر شماست و دارد دوره‌ی جوانی خود را در راه خدا میگذارد - هر چه خدمت کنید، در راه خدا خدمت کرده‌اید، فقط یک زندگی زناشویی نیست، بلکه زندگی زناشویی شما میدان خدمت شما هم هست، بنابراین هم به اجر الهی امیدوار باشید و هم این فرصت را قدر بدانید.^۲

تأثیرات محسوس و تعیین‌کننده‌ی زن صالح در شوهر و فرزندان

اگر در کشوری زنان آن کشور بتوانند به آن صفا و معنویت و رقاء و تعالی فکری برسند، هیچ مشکلی در آن مملکت باقی نمیماند. یعنی زن بطور محسوسی در مرد تأثیر دارد. هم بر روی شوهرش و هم بر روی فرزندان. تأثیرات تعیین‌کننده‌ای میتواند بگذارد؛ لذا در واقع، اصلاح جامعه با اصلاح زنان است که آن هم با همین مسائلی که گفته شد، حاصل خواهد شد.^۳

۱. در دیدار خانواده‌های پرسنل سپاه ولیّ امر (۸۰/۷/۲۷)

۲. پیشین

۳. در گفت و شنود به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) (۷۷/۷/۱۸)



تربیت فرزند و تقویّت روحی شوهر؛ مهمترین کار زن

مادران در دوران انقلاب و در جنگ تحمیلی، فرزندان خود را به سربازان جانباز و شجاع در راه اسلام و مسلمین تبدیل کردند و همسران در دوران انقلاب و دوران جنگ تحمیلی، شوهران خود را به انسانهای مقاوم و مستحکم مبدّل ساختند. این است نقش و تأثیر زن بر روی فرزند و شوهر. این نقشی است که زن میتواند در داخل خانواده ایفا کند و جزو بزرگترین نقشهاست و به نظر من از همه‌ی کارهای زن مهمتر، همین کار است. از همه‌ی کارهای زن مهمتر، تربیت فرزندان و تقویّت روحی شوهران برای ورود در میدانهای بزرگ است. و خدا را شکر میکنیم که زن ایرانی و مسلمان، در این میدان هم بیشترین هنر را نشان داده است.^۱

نقش بی‌بدیل مادر در توجّه به عواطف فرزند

شما اگر بچه‌ی خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر بچه نیاوردید، یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را - که از نخهای ابریشم ظریفتر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده نشود، هیچکس دیگر نمیتواند این کار را بکند؛ نه پدرش، و نه به طریق اولی دیگران؛ فقط کار مادر است. این کارها، کار مادر است؛ اما آن شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا ایستاده‌اند و آن کار را انجام خواهند داد؛ بنابراین اولویّت با این کاری است که بدیل ندارد؛ تعین با این است.^۲

سرانگشت ظریف مادر؛ جداکننده‌ی رشته‌های رقیق و نازک اعصاب کودک

این رشته‌های بشدت رقیق و نازک اعصاب کودک را فقط سرانگشت ظریف و لطیف مادر است که میتواند از هم جدا کند که عقده به‌وجود نیاید،

۱. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

۲. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

گره به وجود نیاید؛ هیچکس دیگر نمیتواند، یعنی هیچ انسان دیگری که از جنس زن نباشد نمیتواند؛ این کار، کار زنانه است. یعنی برخی از کارکردها بقدری همراه با ظرافت است که انسان استعجاب میکند از قدرت الهی که چطور این توانایی بالا را همراه با ظرافت به زنان عنایت کرده^۱.

رسالت عظیم مادری

زن بایستی به رسالت عظیم زن و مادربودن خویش، رسالتی که مرد در آن رسالت با او شریک نیست و اختصاص به خود او دارد، آشنا و واقف شود.^۲

لزوم توجه به نقش خاص مادران در تربیت فرزند

مادر میتواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله‌ی مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه است، با نوازش است، با لالایی خواندن است؛ با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت میکنند. هرچه زن صالحتر، عاقلتر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد. بنابراین برای بالا رفتن سطح ایمان، سطح سواد، سطح هوش بانوان، در کشور باید برنامه‌ریزی شود.^۳

نقش اساسی مادران در بالندگی نسل آینده

زن، رکن اساسی و عنصر اصلی خانواده است و اسلام برای نقش زن در داخل خانواده اهمیت فراوانی قائل است؛ زیرا با پابندی زن به خانواده و تربیت فرزندان در آغوش پرمهر مادر، نسلها در آن جامعه بالنده و رشید خواهد شد. مادرانی که تربیت فرزند در آغوش پرمهر و عطوفت خود را

۱. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

۲. در مصاحبه با ویژه‌نامه‌ی روز زن (۶۰/۲/۵)

۳. در دیدار جمعی از مداحان (۹۲/۲/۱۱)

به بهانه‌ی انجام کارهای دیگر رها میکنند، مرتکب اشتباه میشوند. بهترین روش تربیت انسان آن است که در آغوش پرمهر و محبت مادر پرورش پیدا کند و زنانی که فرزند خود را از این موهبت الهی محروم میکنند، در واقع به زیان خود و فرزند خویش و جامعه اقدام کرده‌اند.^۱

تربیت فرزند؛ کاری سخت و هنری بزرگ

بعضی از کارهای خانه خیلی سخت است. بچه‌داری از آن کارهای سخت است. شما هر کاری را در نظر بگیرید که خیلی دشوار باشد، در مقابل بچه‌داری در واقع آسان است. بچه‌داری هنر خیلی بزرگی است. مردها یک روز هم نمیتوانند این کار را انجام دهند. زنها با دقت، باحوصله و باظرافت این کار بزرگ را انجام میدهند. خدای متعال، در غریزه‌ی آنها این توان را قرار داده است. ولی همین بچه‌داری کار سختی است که انسان را فرسوده میکند و واقعاً از پا می‌اندازد.^۲

مادر؛ انتقال‌دهنده‌ی فرهنگ و تمدن در سراسر زندگی

نقش مادر از دوران حمل و بارداری شروع میشود و تا آخر زندگی انسان ادامه دارد. مردی که به دوران جوانی رسیده یا از دوران جوانی هم عبور کرده، باز تحت تأثیر عطف و محبت و شیوه‌های خاص مادرانه‌ی مادر است. اگر زنان ما از لحاظ رتبه‌ی معرفتی و بینش و معلومات، سطح خود را ارتقا دهند، این نقش با هیچ نقش دیگری، با هیچ مؤثر دیگری از مؤثرات فرهنگی و اخلاقی تا آخر قابل مقایسه نیست. یک وقت مادری از لحاظ معرفت سطحش پایین است؛ البته این نمیتواند در دوران بزرگی اثرگذاری کند؛ این گناه کم بودن معلومات یک انسان است؛ این نقص تأثیر مادری نیست. مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های

۱. در اجتماع بانوان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۴/۸/۲۲)

اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل میکند. همه تحت تأثیر مادران هستند. آنکه بهشتی میشود، پایه‌ی بهشتی شدنش از مادر است؛ که «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ»^۲.

نقش مادران در پرورش یاران حسین(ع) و زینب(س)

اکنون مادران ما میدانند که اگر بخواهند پیروان صادق فاطمه(سلام‌الله‌علیها) باشند، باید در دامان خویش یاران حسین(علیه‌السلام) و زینب(سلام‌الله‌علیها) را پروراند تا پرچم خونین ایمان و عزت را در کربلای زمان برافرازند.^۳

مردان بی‌نظیر؛ تربیت شده‌ی مادران کم‌نظیر

این بزرگوار^۴ هم بحق چهره و شخصیت بی‌نظیر و استثنایی زمان ماست و در تکوین شخصیت این مردان بزرگ این چهره‌های کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر بایستی به سراغ تربیتهای مادران رفت و از مادرهای آنها تشکر کرد و شخصیت زنانی را که آنها را با اخلاقیات والا و با روحیات عظیمشان ساختند و تحویل جامعه دادند بایستی تقدیر کرد و تشکر کرد.^۵

فعالیتهای اجتماعی با حفظ جنبه‌ی مادری

شغل اصلی زن، شغل همسری و مادری است؛ ولی بعضی خیال میکنند این اهانت به زن است. مهمترین کاری که زن میتواند بکند، کار مادری است. البته در مواردی شاید کارهای اجتماعی زنان واجب عینی و یا کفایی نیز باشد؛ اما در همه حال خانمها باید فعالیت اجتماعی‌شان را با حفظ جنبه‌ی

۱. نهج الفصاحه، ص ۴۳۴

۲. در سالروز ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) (۸۴/۵/۵)

۳. در پیام به سمینار کوثر در شیراز (۶۵/۱۱/۳۰)

۴. امام خمینی(ره)

۵. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

مادری‌شان بکنند و الگوشان حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) باشد.^۱

نفوذ خاصّ مادر بر فرزند

این، یک امر قهری است. به موارد استثنایی کار نداریم که پسری عاق والدین یا بی‌اعتنا و تحقیرکننده‌ی والدین باشد؛ اما عموماً یک مادر بیسواد که معلومات و تجربه‌ای هم ندارد، از نفوذ خاصّی برخوردار است که از نوع نفوذ معلم در شاگرد و یا از نوع نفوذ رئیس در مرئوس نیست. نفوذ خاصّی است از طرف مادر بر فرزند، که تا هنگام پیری مادر استمرار دارد. یعنی مادر وقتی که بخواهد از روحیه‌ی مادری و نفوذ خودش استفاده کند، میتواند؛ مگر بعضی از مادران، که سست روحیه و سست عنصر باشند و نخواهند یا نتوانند آن نفوذ را به کار ببرند. علی‌ای‌حال بطور غالب اینطور است که مادران روی فرزندان‌شان تأثیر میگذارند و حرفشان، اظهار محبتشان و سخنی که در خلال آن اظهار محبت بیان میکنند، به مغز مخاطب فرو میرود.^۲

تربیت صحیح و عاطفی فرزند

یکی از وظایف مهمّ زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آنچنان بار بیاورد که این موجود انسانی چه دختر و چه پسر وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختیها و فلاکتها و بلایایی که امروز نسلهای جوان و نوجوانان غربی در اروپا و امریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد.^۳

۱. در دیدار با گروهی از خواهران (۶۳/۱۲/۲۱)

۲. در دیدار اعضای شورای مرکزی «جمعیت زنان» (۷۱/۲/۱۵)

۳. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

هنر زن؛ تربیت نسل بالنده با تأمین آذوقه‌های فرهنگی

علت اینکه اسلام اینقدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آنها را شیر داد، آنها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آنها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسلها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این، هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال اینها ندارد.^۱

انس زنان با قرآن و نقش آن در تربیت نسل‌های آینده

من از همه‌ی خانم‌های محترم، بانوان گرامی که در بخش‌های مختلف کشور در کار قرآنی فعالند، صمیمانه تشکر می‌کنم و حضور شماها در عرصه‌ی کار قرآنی، به جامعه‌ی زن کشور الهام خواهد داد و زنان کشور ما - یعنی نیمی از جمعیت - را ان‌شاءالله به قرآن متمایل خواهد کرد و اگر زنها با قرآن مانوس بشوند، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد؛ چون انسان‌های نسل بعد در دامن زن پرورش پیدا میکند و زن آشنای با قرآن و مانوس با قرآن و متفاهم با مفاهیم قرآن، خیلی میتواند در تربیت فرزند تأثیراتی داشته باشد و امیدواریم ان‌شاءالله به برکت این حرکت عظیم شماها، فردای جامعه‌ی ما بمراتب از امروز قرآنیتر باشد.^۲

پرهیز از فرزند آوری؛ عملی خلاف رضایت الهی

از جمله وظایفی که بر عهده‌ی زنان در داخل خانه و خانواده است، مسأله‌ی تربیت فرزند است. زنانی که بخاطر فعالیت‌های خارج از خانواده، از

۱. همان

۲. در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور (۸۸/۷/۲۸)

آوردن فرزند استنکاف میکنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه خود اقدام میکنند. خداوند به این راضی نیست.^۱

رعایت موازین بهداشتی در بچه دار شدن

ان شاء الله بچه دار بشوید، مبدا که خیال کنند که نخیر بچه دار نشوند، خوب نیست. نه بچه دار بشوید اشکالی هم ندارد البته نمیگویم حالا خیلی شلوغ، پلوغ کنید. اشکالی ندارد زنها و دخترها و پسرهای جوان بچه دار بشوند، فرزند داشته باشند، اشکال ندارد البته با موازین بهداشتی و همانجور که درست است و مرتب است و منظم است.^۲

تولیدمثل و تربیت کودک

تولیدمثل و تربیت کودک در زمره‌ی کارهای اساسی آفرینش محسوب میشود که بطور طبیعی زنان عهده‌دار آن هستند و قوام زندگی انسانها در جهان به زنان به همان میزانی است که به مردان وابسته است.^۳

پرورش فرزند؛ مجاهدت بزرگ زنان

فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهایی که داشتیم، با عدم دقت‌هایی که از ماها سر زده، یک برهه‌ای در کشور ما متأسفانه این مسأله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم میبینیم؛ که من بارها این را به مردم عرض کرده‌ام: پیرشدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد، از همان چیزهایی است که اثرش بعداً ظاهر خواهد شد؛ وقتی هم اثرش ظاهر شد، آن روز دیگر قابل علاج نیست؛ اما امروز چرا، امروز قابل علاج است. فرزندآوری یکی از مهمترین مجاهدتهای زنان و وظایف زنان است؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل میکند،

۱. در دیدار و سخنرانی در جمع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

۳. در دیدار با خواهران پرستار و کارکنان نهادهای فرهنگی (۷۳/۷/۲۱)

اوست که رنجهایش را میبرد، اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده، در اختیار بانوان قرار داده؛ صبرش را به آنها داده، عاطفه‌اش را به آنها داده، احساساتش را به آنها داده، اندامهای جسمانی‌اش را به آنها داده؛ در واقع این هنر زنها است. اگر چنانچه ما اینها را در جامعه به دست فراموشی نسپریم، آن وقت پیشرفت خواهیم کرد.^۱

نقش متفاوت زن و مرد در بنیانگذاری نهاد خانواده

در بنای خانواده سهم زن و مرد یک اندازه نیست بصورت طبیعی، اولاً یکسان نیست، ثانیاً یک اندازه نیست؛ یعنی آنها سهم مشابهی در بنای خانواده ندارند و نیز سهم هر یک هم به یک اندازه و میزان نیست و هر کدام کمیت خاص خودشان را دارند. پس در اداره‌ی خانواده زن و مرد هر دو سهیم هستند؛ ولی هر یک سهم خاص با کمیت خاصی دارند. مثلاً اگر زن و مرد را در تولید و «تکثیر نوع» که یکی از کارهای اساسی انسان است در نظر بگیریم، میبینیم در این زمینه نقش مرد یک نقش کمتر و نقش زن یک نقش بیشتر و طولانیتر است. مثلاً برای زن دوران بارداری و شیرخوارگی فرزند هست و اصلاً امکان حضانت زن نسبت به فرزند بیش از آنکه مرد چنین امکانی را داشته باشد هست و از این قبیل. یا مثلاً فرض بفرمایید که مسأله‌ی تأمین معیشت خانواده. این از نظر اسلام مربوط به مرد است، یعنی داده شده به مرد، که آن هم یکی از اجزاء اداره‌ی خانواده است دیگر، یعنی شما نمیتوانید بگویید که اداره‌ی خانواده یعنی اداره‌ی داخلی خانواده فقط، که از خانه آدم بیرون نیاید. نه، اداره‌ی خانواده شامل اداره‌ی همه‌ی شؤون خانواده است از جمله تأمین معیشت. خوب این مثلاً در شرع اسلام به عهده‌ی مرد است، زن هیچگونه مسؤولیت و تکلیفی در این مورد ندارد، ولو پولدار هم باشد، ثروتمند هم باشد، توان کار هم داشته باشد، پول هم در بیاورد، آن

۱. در دیدار جمعی از مداحان (۹۲/۲/۱۱)

پولی که در آورده مال خودش است؛ یعنی میتواند صرف معیشت خانواده اصلا نکند و یک چنین تکلیفی ندارد. پس در اداره‌ی خانواده زن و مرد هر دو سهیم‌اند، هر کدام سهمی خاص و با کمیتی خاص از این را دارند.^۱

تداوم نسل؛ مهمترین وظیفه‌ی انسان و نقش زنان در این میدان

خصوصیات جسمی‌ای خدای متعال در دو جنس قرار داده است که هر کدام نقشی در ادامه‌ی آفرینش، در رشد و تعالی انسان، در حرکت تاریخ بر عهده دارند؛ و نقش زن مهمتر است. مهمترین کار انسان، تداوم بخشیدن به نسل بشری است؛ یعنی تولیدمثل؛ نقش زن در این کار قابل مقایسه با نقش مرد نیست. خانه از این جهت مهم است، خانواده از این جهت مهم است، محدودیتهای اعمال غرائز جنسی از این جهت مهم است؛ با این دید باید به مسائل اسلام و به احکام شریعت اسلامی نگاه کرد. غرب گمراه، اسم اینها را میگذارد محدودیت. اسم آن اسارت گمراه‌کننده را میگذارد آزادی! این جزو فریبه‌های غربی است.^۲

وظیفه‌ی دولت در برابر نقش مادری زنان شاغل

باید به آن خانمهایی که حالا به هر دلیلی، به هر جهتی، با هر ضرورتی، کار تمام وقت یا نیمه وقت را قبول کرده‌اند، کمک بشود تا بتوانند به مسأله‌ی مادری برسند، به مسأله‌ی خانه‌داری برسند. با مرخصیها، با زمان بازنشستگی، با مدت کار روزانه، به نحوی بایستی دولت کمک کند تا این خانمی که حالا به هر دلیلی آمده اینجا شاغل شده، بتواند به آن قضیه هم برسد.^۳

صداقت مادر و تواضع فرزند

در اطلاعاتی که به من داده شد، خواندم که در بین همین شهدای

۱. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (۲/۴/۱۹۱)

۳. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

همدان شما، یک سردار سپاهی - که دارای شأن و موقعیتی هم بوده است - وجود داشته که وقتی مادرش از او میپرسد تو در سپاه چه کاره‌ای، جواب میدهد: من در سپاه جاروکشی میکنم. مادرش خیال میکرده واقعاً این جوان در سپاه یک مستخدم معمولی است. حتی وقتی برای این جوان به خواستگاری هم میروند و خانواده‌ی دختر سؤال میکنند پسر شما چه کاره است، مادرش میگوید در سپاه مستخدم است! بعد در اجتماعی که مراسمی بوده، یک نفر داشته سخنرانی میکرده، این مادر می‌بیند آن شخص خیلی شبیه پسرش است. میپرسد این شخص کیست. میگویند این فلانی است؛ یکی از سرداران سپاه. آن مادر، آن وقت پسرش را میشناسد!

حق بیشتر مادر بر گردن فرزند

اسلام در برخی جاها حتی زن را بر مرد ترجیح داده است. مثلاً آنجا که مرد و زن، پدر و مادری هستند که فرزندی دارند، این فرزند اگرچه فرزند هر دو نفر است، اما خدمتگزاری فرزند در مقابل مادر، لازمتر است. حق مادر بر گردن فرزند، بیشتر و وظیفه‌ی فرزند نسبت به مادر سنگینتر است. روایات فراوانی در این زمینه هست: پیغمبر اکرم در جواب کسی که سؤال کرد: «مَنْ أَبُّ؟» (به چه کسی نیکی کنم؟) فرمود: «أُمُّكَ.» یعنی «به مادرت.» دفعه‌ی دوم هم همین را فرمود؛ دفعه‌ی سوم هم همین را فرمود. دفعه‌ی چهارم که سؤال کرد، فرمود: «أَبَاكَ.» یعنی «به پدرت.» پس، زن در مقیاس خانواده و در رابطه‌ی با فرزندان، حق سنگینتری دارد. البته این هم نه از باب این است که خدای متعال خواسته است جمعی را بر جمع دیگر ترجیح دهد بلکه به این جهت است که زنان زحمت بیشتری تحمل میکنند. ■

اسلام، زن را در جایگاه حقیقی خود قرار داده است. زن در مقیاس

۱. در دیدار خانواده‌ی معظم شهدا، جانبازان و آزادگان استان همدان (۸۳/۴/۱۶)

۲. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۴۹

خانواده و در ارتباط با فرزندان از حقّ بیشتری بهره‌مند است؛ زیرا زحمت بیشتری را تحمّل میکند و بر اساس عدل الهی ارزش حقّ بالاتری نیز به او تعلق میگیرد.^۱



۱. در دیدار گروهی از خواهران پرستار، به مناسبت ولادت حضرت زینب(س) (۷۳/۷/۲۰)

فصل سوّم ————— ❁

اهمّيت خانواده



زن و خانواده جزو مسائل درجه‌ی یک کشور

مسئله‌ی زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه‌ی یک است. دوستان، خانمها و آقایانی که آمدند صحبت کردند، این معنا را ثابت کردند. هیچ لزومی ندارد که ما بیش از آنچه شما گفتید و خیلی وسیع و خوب بیان کردید، چیزی بگوییم. خود این بیانات نشان داد که مسأله بسیار مهم است.^۱

خانه و خانواده؛ از مسائل اصلی زنان کشور

در مسائل فعلی زنان کشور ما، به اعتقاد من دو مسئله از همه مهم‌تر یا بگویید فوری‌تر و لازم‌الاهتمام‌تر از بقیه‌ی مسائل است. یک مسئله، مسئله‌ی اهمّیت و اعتبار خانه و خانواده است. برای خانه باید شأن قائل شد؛ انسان بدون خانه - که مسکن و مأوایی ندارد - قابل تصوّر نیست. هر انسان احتیاج دارد به خانه و محیط خانه. روح محیط خانه عبارت است از خانواده؛ باید به این اهمّیت داد، باید در این تأمل و تدبّر کرد.^۲

تضمین آینده‌ی کشور با تصمیم و فکر درست

روز زن و روز مادر که خوشبختانه در نظام جمهوری اسلامی

۱. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

انطباق پیدا کرده است با روز ولادت برگزیده‌ی خلقت، حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)، باید همه را توجّه دهد به این نکات. اگر ما توانستیم در زمینه‌ی زن و خانواده و مادر و همسر، درست فکر کنیم، درست تصمیم بگیریم و درست عمل کنیم، بدانید که آینده‌ی این کشور تضمین شده است.^۲

خانواده؛ پایه‌ی اصلی در جامعه

مسئله‌ی خانواده، مسأله‌ی بسیار مهمّی است؛ پایه‌ی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ یا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلولها چیز دیگری نیست. هر جهازی، مجموعه‌ی سلولهاست. اگر ما توانستیم سلولها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسأله اینقدر اهمیّت دارد.^۱

خانواده؛ واحد بنیادین اجتماع

همچنانکه بدن انسان از سلولها تشکیل شده که نابودی و فساد و بیماری سلولها بطور قهری و طبیعی، معنایش بیماری بدن است و اگر توسعه پیدا کند به جاهای خطرناکی برای کلّ بدن انسان منتهی میشود، همینطور جامعه هم از سلولهایی تشکیل شده، که این سلولها خانواده‌اند. هر خانواده‌ای یکی از سلولهای پیکره‌ی اجتماع و بدنه‌ی اجتماع است. وقتی اینها سالم بودند، وقتی اینها رفتار درست داشتند، بدنه‌ی جامعه، یعنی آن پیکره‌ی جامعه سالم خواهد بود.^۲

۱. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۱۲/۱۵)

هدف اسلام؛ تشکیل و حفظ خانواده

اسلام می‌خواهد این را حفظ کند، این خانواده را نگه دارد؛ زیرا در اسلام یکی از کارها برای رسیدن به این اهداف، تشکیل خانواده و سپس حفظ بنیان خانواده است.^۱

حاکمیت دین؛ عامل عفت و حافظ کانون خانواده

اگر انسانها رها بودند که غریزه‌ی جنسی را هرطور می‌خواهند اشباع کنند، یا خانواده تشکیل نمیشد یا یک چیز سُست و پوچ و تهدیدپذیر و ویرانی‌پذیری میشد و هر نسیمی آن را به هم میزد؛ لذا در هر جای دنیا که میبینید آزادیهای جنسی هست؛ به همان نسبت خانواده ضعیف است؛ چون مرد و زن برای اشباع این غریزه، احتیاجی به این کانون ندارند. اما در آنجاهایی که دین حاکم است و آزادی جنسی نیست، همه چیز برای مرد و زن هست، لذا این کانون خانواده حفظ و نگه داشته میشود.^۲

رواج روشهای اسلامی؛ راه پرورش محیط امنتر خانواده

اگر روشهای اسلامی رواج پیدا کند، خانواده‌ها مستحکم خواهد شد. همچنانکه در گذشته‌های ما آن وقتهایی که هنوز ایمان مردم سالمتر و کاملتر و دست‌نخورده‌تر بود، در زمان قدیم، خانواده مستحکمتر بود. زن و شوهر به هم علاقه‌مندتر بودند، فرزندان در محیطهای امن و امان بیشتری پرورش پیدا میکردند. حالا هم راه همین است. آن خانواده‌هایی که جهات اسلام را رعایت میکنند، اینها غالباً خانواده‌ای محکمتر، بهتر، قویتر و محیط امنتری برای فرزندان و کودکان خواهند بود.^۳

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۰/۴/۲۰)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۶/۴/۳۱)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۱۷۸/۱۵)

محیط خانواده برای زن؛ محیط امن، عزت و آرامش

از لحاظ نظر اسلام و متون اسلامی هم در این بخش از مسئله^۱ هیچ کمبودی وجود ندارد. ما میبینیم گاهی اوقات کسانی که منتقد تفکرات اسلامی هستند، سر قضیه‌ی ارث و دیه و این چیزها اشکال میکنند، درحالیکه اشکالها وارد نیست؛ آنها پاسخهای منطقی و قوی دارد. اما در زمینه‌ی رفتارهای داخل خانواده، متأسفانه غالباً به غفلت گذرانده میشود؛ در حالی که نظر اسلام، نظر کاملاً روشنی است. محیط خانواده برای زن باید محیط امن، محیط عزت و محیط آرامش خاطر باشد تا زن بتواند آن وظیفه‌ی اساسی خودش را - که همین حفظ خانواده است - به بهترین وجهی انجام دهد.^۲

خانواده؛ سلول حقیقی پیکره‌ی جامعه

آدم تنها، مرد تنها و زن تنها که همه‌ی عمر را به تنهایی میگذرانند، از دید اسلام یک چیز مطلوبی نیست، مثل یک موجود بیگانه است در مجموعه‌ی پیکره‌ی انسانی. اسلام اینطور خواسته که خانواده، سلول حقیقی مجموعه‌ی پیکره‌ی جامعه باشد، نه فرد تنها.^۳

کلمه‌ی طیبه یعنی خانواده‌ی نیک و پر برکت

خانواده، کلمه‌ای طیبه^۴ است. کلمه‌ی طیبه هم خاصیتش این است که وقتی یک جایی به وجود آمده، مرتب از خود برکت و نیکی میتراود و به پیرامون خودش نفوذ میدهد. کلمه‌ی طیبه همان چیزهایی است که خدای متعال آن را با همان اساس صحیح به بشر اهدا کرده. اینها همه کلمه‌ی طیبه

۱. جایگاه زن در زندگی و در جامعه

۲. در دیدار جمعی از بانوان نخبه (۹۰/۳/۱)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۵/۱۰/۵)

۴. اشاره به آیه‌ی کریمه: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ... سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۴

است؛ چه معنویات و چه مادیات.^۱

خانواده؛ پایه‌ی مهم زندگی

نفس ایجاد کانون خانوادگی و یک کانون جدید، از همه چیز مهمتر است. اساس خلقت بشر، چه زن و چه مرد، اینطوری است که باید یک زن و مرد مجتمعاً یک واحدی را تشکیل بدهند تا زندگی راحت، بی‌دغدغه و آماده برای جوابگویی به نیازهای بشر پیش برود. اگر این نشد، یک پایه‌ی مهم از زندگی لنگ است.^۲

خانواده‌ی سالم؛ شرط لازم پیشرفت جامعه

جامعه‌ی اسلامی، بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانواده‌ی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند. بالخصوص در زمینه‌های فرهنگی و البته در زمینه‌های غیرفرهنگی، بدون خانواده‌های خوب، امکان پیشرفت نیست. پس خانواده لازم است. حالا نقض نشود که شما می‌گویید در غرب خانواده نیست، پیشرفت هم هست. آنچه که امروز در ویرانی بنیاد خانواده در غرب روزه‌روز بیشتر دارد نمودارهایش ظاهر میشود، اینها اثرش را خواهد بخشید؛ هیچ عجله‌ای نباید داشت. حوادث جهانی و حوادث تاریخی اینجور نیست که زودبازده و زوداثر باشد؛ اینها بتدریج اثر خواهد گذاشت؛ کمااینکه تا حالا هم اثر گذاشته. آن روزی که غرب به این پیشرفتهای دست پیدا کرد، در آنجا هنوز خانواده سر جای خودش بود؛ حتی مسأله‌ی جنسیت با همان رعایتهای اخلاقی جنسی - البته نه به شکل اسلامی، بلکه به شکل خاص خودش - وجود داشت. اگر کسی با معارف غربی آشنا باشد، هم در اروپا و هم بعداً در امریکا این را ببیند و مشاهده میکند. این مسأله‌ی رعایتهای اخلاقی دو جنس نسبت به یکدیگر،

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۱۲/۱۵)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۵/۱۶)

مسأله‌ی حیا، پرهیز از تهمت، اینها چیزهایی بود که آن روز وجود داشت. این بی‌بندوباریها و اباحیگریها بتدریج در آنجا به وجود آمده. آن روز یک زمینه‌هایی فراهم شد و به اینجا رسید. وضع امروز هم فردای بسیار تلخ و سختی را برای آنها رقم میزند.^۱

خانواده؛ اساس همه‌ی تربیتها

ازدواج، درحقیقت دروازه‌ی ورود به تشکیل خانواده است و تشکیل خانواده، اساس همه تربیت‌های اجتماعی و انسانی است.^۲

محیط امن برای تربیت و کمال بشر

انسان برای تربیت است؛ انسان برای هدایت و تعالی و کمال است. این نمیشود مگر در یک محیط امن؛ محیطی که در آن عقده به وجود نیاید، انسان اشباع بشود، در آن تعلیمات هر نسلی به نسل بعد منعکس بشود و از کودکی یک انسان تحت تعلیم صحیح، روان، طبیعی و فطری دو معلّم که نسبت به او از همه‌ی انسانهای عالم مهربانترند؛ یعنی پدر و مادر قرار بگیرد.^۳

اصلاح جامعه با خانواده‌های سازگار و مستحکم

اگر در جامعه‌ای خانواده مستحکم شد و زن و شوهر حقوق یکدیگر را رعایت کردند و با هم اخلاق خوش داشته و سازگاری نمودند و با همکاری هم مشکلات را برطرف نموده و فرزندان را تربیت کردند، جامعه‌ای که اینطور خانواده‌ها را داشته باشد، به صلاح خواهد رسید و نجات پیدا خواهد کرد و اگر مصلحتی در جامعه باشد میتواند اینطور جوامع را اصلاح نماید.

۱. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۴/۵/۱۸)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۶/۵/۲۰)



اگر خانواده‌ای نبود، بزرگترین مصلحین هم بیایند نمیتوانند جامعه را اصلاح کنند.^۱

خانواده؛ بنیاد تربیت معنوی، فکری و روانی بشر

خانواده بنیاد بسیار مهم و حائز اهمیتی است. فایده‌ی خانواده در تربیت نسل بشر و ایجاد انسانهای سالم از لحاظ معنوی و فکری و روانی، یک فایده‌ی منحصر بفردی است. هیچ چیز جای خانواده را نمیگیرد.^۲

وقتی نظام خانواده وجود داشته باشد، این میلیاردها انسان، هر کدامشان دو موکل و دو پرستار ویژه دارند که هیچ چیز جای این پرستار را نمیگیرد.^۳

خانواده؛ کانون رشد و بالندگی عواطف

کانون خانواده، جایی است که عواطف و احساسات باید در آنجا رشد و بالندگی پیدا کند، بچه‌ها محبت و نوازش ببینند، شوهر که مرد است و طبیعت مرد، طبیعت خامتری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسرش است حتی نه نوازش مادر باید نوازش ببیند، برای یک مرد بزرگ، این همسر کاری را میکند که مادر برای یک بچه کوچک آن کار را میکند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند. اگر این احساسات و این عواطف محتاج وجود یک محور اصلی در خانه که آن، خانم و کدبانوی خانه است نباشد، خانواده یک شکل بدون معنا خواهد بود.^۴

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۱۲/۱۵)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۱۰/۴)

۳. همان

۴. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۷۰/۱۰/۴)

خانواده؛ محیط امن برای سلامت روح و فکر افراد

خانواده یک محیط امنی است که در آن، چه فرزندان و چه خود پدر و مادر، میتوانند روح و فکر و ذهن خود را در این محیط امن و قابل اعتماد، سالم نگه دارند و رشد بدهند. وقتی خانواده سست شد، نسلهایی که همینطور پشت سر هم می‌آیند، بی‌حفاظند.^۱

امکان حل مشکلات اخلاقی و معنوی با تحکیم بنیان خانواده

هر کشوری که در آن بنیان خانواده مستحکم باشد، بسیاری از مشکلات آن کشور، به‌خصوص مشکلات اخلاقی و معنوی آن به برکت خانواده‌ی سالم و مستحکم بر طرف میشود یا اصلاً به وجود نمی‌آید.^۲

تشکیل خانواده‌ی سالم؛ پایه‌ی سعادت افراد جامعه

تشکیل خانواده اگر به شکل سالمی صورت بگیرد و اخلاق حاکم بر زوجین، صحیح و منطقی و منطبق با اصول شرع، با آنچه که خداوند معین فرموده باشد، این پایه‌ی اصلاح جامعه است و پایه‌ی سعادت همه افراد جامعه است.^۳

اصلاح خانواده؛ عامل سلامت روحی و رشد فکری افراد جامعه

تشکیل بنای خانواده، یک نیاز اجتماعی است، اگر چنانچه در یک جامعه‌ای خانواده‌ها درست بودند، سالم بودند، بخوبی اصلاح بشود، افرادش میتوانند رشد فکری پیدا کنند و از لحاظ روحی کاملاً سالم باشند، میتوانند انسانهایی بدون عقده باشند.^۴

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۶/۱۲/۱۸)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۶/۹/۲)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۳/۸)

۴. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۴/۵/۱۱)

خانواده؛ شرط تربیت کامل و سالم

اگر خانواده‌ای در جامعه نباشد همه‌ی تربیتهای بشری و همه‌ی نیازهای روحی انسان ناکام خواهد ماند؛ زیرا طبیعت و ساخت بشری اینگونه است که جز در آغوش خانواده و در محیط خانواده و در آغوش پدر و مادر آن تربیت سالم و کامل و بی‌عیب و بی‌عقده، آن بالندگی لازم روحی پیدا نخواهد شد. انسان زمانی از لحاظ روحی و عاطفی، صحیح و سالم و کامل بار خواهد آمد که در خانواده بار بیاید و در خانواده تربیت شود. اگر محیط زندگی آرام و مناسبی در خانواده حکمفرما باشد، میتوان خاطر جمع شد که فرزندان از لحاظ ساختار عاطفی و روانی سالم هستند.^۱

خانواده؛ محیط آرامش و التذاذات معنوی و عاطفی

محیط خانه را اسلام بعنوان یک کانونی برای آسایش زن و مرد و زوجین قرار داده؛ البته فرزندان هم در این کانون، استفاده خودشان را میبرند. آنها هم التذاذات معنوی و عاطفی و روحی را دارند، منتها برای آنها محیط اصلی خانواده آن وقتی است که خودشان تشکیل خانواده خواهند داد. خانواده برای کودک محیط پرورش است که بعد به آن هم اشاره‌ای خواهم کرد. دو سه آیه در قرآن هست، به این آیات توجه بکنید، یکی این آیه‌ی سوره‌ی روم است که میفرماید: یکی از نشانه‌های خدا و آیات الهی همین است که از جنس شما زن و مرد و افراد بنی‌آدم یک زوج و جفتی آفرید که مایه‌ی سکون و آرامش شماست. این مخصوص مردها نیست که کسی خیال کند خدا زن را برای آرامش مرد آفریده، نه! مرد را هم برای آرامش زن آفریده. این محیط خانواده است. محیط درونی خانواده یعنی محیط آرامش روحی زن و مرد که در آن زندگی میکنند. در یک آیه‌ی دیگری میفرماید: خانه‌ی شما را محلّ آرامش و آسایش قرار داد، که ظاهراً اشاره به محیط خانواده است. محیط خانواده، کانون آرامش انسان است. هم زن و هم مرد که هر

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۱۱/۵/۷۴)

کدام به نوبه‌ی خود تلاش دارند، فعالیت دارند، تحصیل دارند، مبارزه دارند، کار اجتماعی دارند، کمک به محرومان دارند، تلاش برای جهاد در راه خدا دارند، کار سیاسی دارند، فعالیت‌هایی درباره‌ی وظایف اجتماعی دارند، در محیط بزرگ اجتماع یک لانه‌ای و آسایشگاهی لازم دارند که در آن علاوه بر آسایش جسمانی، از لحاظ معنوی و روحی و عاطفی هم بیاسایند و آن محیط خانواده است؛ لذاست که اسلام روی خانواده و تشکیل آن و حفظ آن و کیفیت دادن به آن تأکید زیادی دارد که بحث‌های مفصّلی در باب خانواده هست و هم زن و مرد موظّفند که به نوبه‌ی خود در کیفیت دادن به محیط خانواده و شیرین کردن زندگی خانوادگی و صمیمیت دادن به این محیط کوشا باشند که این وظایف زن و شوهر است.^۱

خانواده‌ی آرامتر با بهره‌وری بیشتر

هر انسانی - هم زن و هم مرد - در طول زندگی، در شبانه‌روز مشکلاتی دارد و با پیشامدها و حوادثی مواجه است. این حوادث اعصاب را میکوبد و خسته میکند. انسانها را دچار ناآرامی و سراسیمگی میکند. وقتی وارد محیط خانواده شد، این محیط امن و امان به او تجدید قوا میبخشد. او را آماده‌ی یک روز دیگر و یک شبانه‌روز دیگر میکند. خانواده برای تنظیم زندگی انسان خیلی مهم است. البته خانواده باید خوب اداره بشود، باید سالم اداره بشود.^۲

ارزش و کیفیت بالاتر در خانواده‌ی آرام

این بهره‌ای که مرد و زن از این خانواده‌ی آرام میبرند، بهره‌ی کاری آنها را در بیرون خانواده بالا میبرد، به آن اهمّیت و ارزش میدهد، آن را با ارزش و با کیفیت میکند.^۳

۱. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۵/۷/۱۹)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۶/۶)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۱۱/۱۶)

انسان که ماشین نیست، انسان روح است، انسان معنویّت است، انسان عواطف و احساسات است. حالا میخواهد آرامش پیدا کند. این آرامش کجاست؟ محیط خانواده است.^۱

خانواده؛ محل سکونت، آرامش و تکامل

خانواده در اسلام؛ یعنی محلّ سکونت دو انسان، محلّ آرامش روانی دو انسان، محلّ انس دو انسان با یکدیگر، محلّ تکامل یک نفر به وسیله‌ی یک نفر دیگر، آنجایی که انسان در آن صفا می‌یابد، راحتی روانی می‌یابد، این محیط خانواده است. کانون خانواده در اسلام این قدر اهمیّت دارد.^۲

خانواده؛ آرامش در مقابل تلاطم، نه در مقابل حرکت

محیط خانواده، محیط آرامش است. باید محیط آرامش باشد. این عاطفه‌ای که در زن و مرد نسبت به هم وجود دارد، به این آرامش درونی کمک میکند. این سکونت، این آرامش، به معنای آرامش در مقابل حرکت نیست، حرکت خوب است؛ این به معنای آرامش در مقابل تلاطم است. انسان گاهی در زندگی اش دچار تلاطم میشود. یک آرامشی به انسان میدهد که متلاطم نباشد. این در صورتی است که فضای خانه، فضای متلاطمی نباشد.^۳

خانواده‌ی آرام؛ نجات از انواع اضطراب و ایجاد زمینه‌ی خوشبختی برای همه‌ی افراد

میدان زندگی، میدان مبارزه است و انسان در او دائماً در معرض نوعی اضطراب است، این بسیار چیز مهمّی است. اگر این آرامش و سکونت

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۴/۳/۳۱)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۴/۱۰/۴)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۳/۸)

به نحو صحیحی تحقق پیدا کند، زندگی سعادت‌مندانه میشود، زن خوشبخت میشود، مرد خوشبخت میشود، بچه‌هایی که در این خانه متولد میشوند و پرورش می‌یابند، بدون عقده رشد خواهند یافت و خوشبخت خواهند شد؛ یعنی از این جهت، زمینه برای خوشبختی همه‌ی اینها فراهم است.^۱

محیط خانوادگی؛ آغوش مهر و محبت و آسایش

شوهر وقتی شب می‌آید خانه، خسته است یا ظهر می‌آید خسته است، دیگر شما خستگی‌ات را به رخ او نکش. آن آسایش توی خانه است، میدان مبارزه‌ی اجتماعی که همه‌جور تلاش و زحمت برای شوهر برای مرد، یعنی توی میدان مبارزه هست وقتی که تو این میدان انسان خسته میشود آسایش او کجاست؟ تو خانه، پهلوی زنش، تو محیط خانوادگی، در آغوش مهر و محبت آنها این روی خوش را، این تبسم همیشگی را از همسرتان دریغ نکنید ملاحظه کنید، رعایت کنید. مبادا بگویید چرا کم است، چرا نداریم، چرا نمی‌خریم، چرا بی‌عرضه‌ای؟ این حرفها را نزنید، هر چی میتوانید سعی کنید که با قناعت، با ملاحظه، با رعایت یکدیگر زندگی را خوش بگذرانید.^۲

نهاد خانواده؛ اصلاحگر پدر، مادر و فرزند

در خانواده، سه دسته انسان اصلاح میشوند، یکی مردها که پدران این خانواده هستند، یکی زنها که مادران این خانواده‌اند و دیگر کودکان که نسل بعدی این جامعه هستند.^۳

مختصات خانوادگی خوب؛ اساس اصلاحات واقعی

خانواده‌ی خوب؛ یعنی زن و شوهری که با هم مهربان باشند، باوفا و صمیمی باشند و به یکدیگر محبت و عشق بورزند، رعایت همدیگر را

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۶/۱/۳)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۴/۲/۱۹)

بکنند، مصالح همدیگر را گرامی و مهمّ بدانند، این در درجه‌ی اوّل. بعد، اولادی که در آن خانواده به وجود می‌آید، نسبت به او احساس مسؤولیت کنند، بخواهند او را از لحاظ مادّی و معنوی سالم بزرگ کنند. بخواهند از لحاظ مادّی و معنوی او را به سلامت برسانند، چیزهایی به او یاد بدهند؛ به چیزهایی او را وادار کنند، از چیزهایی او را باز دارند و صفات خوبی را در او تزریق کنند. یک چنین خانواده‌ای اساس همه‌ی اصلاحات واقعی در یک کشور است؛ چون انسانها در چنین خانواده‌ای خوب تربیت میشوند، با صفات خوب بزرگ میشوند. با شجاعت، با استقلال عقل، با فکر، با احساس مسؤولیت، با احساس محبّت، با جرأت، جرأت تصمیمگیری، با خیرخواهی - نه بدخواهی - با نجابت، خب وقتی مردم جامعه‌ای این خصوصیات را داشته باشند، یعنی خیرخواه و نجیب و شجاع و عاقل و متفکر باشند، این جامعه دیگر روی بدبختی را نخواهد دید.^۱

خانواده؛ فرصتی برای تجدید قوا

در داخل خانواده است که مرد و زن - که زوجین هستند - میتوانند تجدید قوا کنند، میتوانند همّت خودشان را برای ادامه‌ی راه آماده کنند. میدانید که زندگی یک مبارزه است، کل زندگی عبارت است از یک مبارزه‌ی بلندمدّت، مبارزه با عوامل طبیعی، مبارزه با موانع اجتماعی، مبارزه با درون خود انسان که مبارزه‌ی با نفس است. دائم انسان در حال مبارزه است. بدن انسان هم در حال مبارزه است. جسم انسان هم دائم دارد با عوامل مضرّ مبارزه میکند، قدرت این مبارزه وقتی در جسم باشد، جسم سالم است. در انسان، این مبارزه باید صحیح، منطقی، در جهت درست، با رفتارهای صحیح و با ابزارهای درست باشد. این مبارزه گاهی یک استراحت، یک بار اندازی لازم دارد. این یک سفر و یک حرکت است. این نقطه‌ی استراحت،

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۷/۹/۱۲)

داخل خانواده است.^۱

خانه؛ استخر نشاط و رفع غبار اجتماعی

آن آدمی که در محیط جامعه دارد کار میکند، زحمت میکشد، تلاش میکند، مبارزه میکند، بدی‌ها، خوبی‌ها، ناخوشایندی‌ها، ناجوری‌ها، اینها را میبیند، این احتیاج دارد به یک محلی که انسان وارد آن محل که شد، یکسره برایش آسایش و ملایمت باشد. از آن فشار کار خارج بشود و آن محیط خانه است. لذاست که محیط خانه را بایستی جوری بکنند که با صمیمیت همراه باشد، اینجاست که نقش زنها معلوم میشود. آن کسی که میتواند محیط خانه را با صمیمیت، با محبت، با لطافت بسازد، بطوری که مثل یک استخر آبی باشد که انسان وقتی خسته شد، وقتی تنش کثیف شد، وارد آن استخر آب که شد خستگی‌اش برطرف میشود، به نشاط می‌آید، سرحال میشود، چرک بدنش پاک میشود، همین‌جور محیط خانه برای انسانی که از گرد و غبار فعالیت‌های اجتماعی دارد می‌آید تو، مثل همان محیط استخر، خنک‌کننده، راحت‌کننده، آرامش‌بخش باشد، این کار را زن میتواند بکند. اگر چنانچه زن در محیط خانه، دل به خانه بدهد، اینجوری خواهد شد؛ لذاست در قرآن می‌گوید: «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»^۲ همسر آدمی را خدا از جنس خود او آفرید تا بتواند در کنار او آرامش پیدا کند، سکونت پیدا کند. آن آرامشی را که شوهر پهلوی زن، پهلوی خانواده، در محیط امن و امان و با صفای زندگی پیدا میکند در هیچ‌جا پیدا نمیکند. این را بدانید. این است که وقتی شما در خانواده‌های قدیمی نگاه میکنید، میبینید زن و شوهر چه محبت‌هایی به هم دارند. شصت سال، هفتاد سال، پنجاه سال با هم زندگی میکردند، با محبت، با صمیمیت، با صفا.^۳

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۱۲/۱۵)

۲. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۸۹

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۲/۱۲/۵)

بقای خانواده در گرو احترام به قرارداد زناشویی

خانواده یک قرارداد است، یک امر طبیعی نیست که دو چیز را به هم وصل کرده باشند. نه! یک قرارداد است؛ یک امر اعتباری است. ماندن او بسته به این است که طرفین قضیه و جامعه و قانون آن را محترم بشمارند. اگر به آن بی‌اعتنایی کردند، باقی نمیماند.^۱

تزلزل بنیان خانواده به دلیل ورود فرهنگ غرب

در این دو سه دهه‌ی قبل از انقلاب، به خاطر ورود فرهنگ‌های اروپایی، بنیان خانواده متزلزل شده بود؛ یعنی حقیقتاً خانواده، آن اصالت و ارزش و عظمتی را که در اسلام و فرهنگ سنتی ما دارد، دیگر نداشت. وقتی خانواده هست، همسر و مادر عضو اصلی است. زن در این مجموعه، جای بسیار اساسی و رفیعی دارد. به‌همین خاطر، وقتی اصل خانواده یعنی زن زیر سؤال و متزلزل است، در آنجا هیچ‌چیزی در جای خودش قرار ندارد. اینها بحث‌هایی است که واقعاً باید روی آنها خیلی تأمل و تدقیق بشود. اسلام، چه تأملات صحیح و چه راهنمایی‌های ارزشمندی در مورد این مسائل دارد! این چیزی است که انقلاب به زنان جامعه ما اعطا کرد و آنها را در صحنه‌ی جهاد، سیاست و تأثیر در سازندگی اساسی کشور که همان سازندگی انقلاب است وارد نمود. این، چیز خیلی مهمی است و جز با صدر اسلام، با هیچ‌وقت دیگر قابل مقایسه نیست.^۲

پرهیز از بیگانه‌شدن از محیط خانواده

از دیگر آفتهای محیط خانواده، چشم و همچشمی، دنبال تجمّلات رفتن و رقابت و مسابقه برای زیاده‌روی در مادّیات گذاشتن است. مثلاً زنی میگوید فلان وسیله را که خواهر و برادر من، زن‌برادر من و شوهرخواهر من دارند، ما هم باید داشته باشیم. یکی از کارها و روشهای بسیار بد همین

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۷/۱/۱)

۲. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (۶۹/۱۰/۱۶)

است. سادگی را در زندگی رعایت کنید. مسابقه‌ی مادّیات را از زندگی خودتان دور کنید. رعایت سادگی و اجتناب از مسابقه‌ی مادّیات، خوشبختی می‌آورد. اینکه می‌گویند خوشبخت باشید؛ یکی از عواملش همینهاست.^۱

عشق تصنّعی در خانواده بخاطر دلمشغله‌های بیرونی

در بعضی از کشورهای دنیا که پیشرفت علم و تمدن هم خیلی سریع است، زندگی بر آنها اینطور تحمیل کرده که اعضای خانواده به هم چندان کاری ندارند. پدر یک‌جا مشغول، مادر یک‌جا مشغول؛ نه همدیگر را میبینند، نه برای هم غذایی میپزند، نه برای هم محبتی و عاطفه‌ای نثار میکنند، نه از هم دلجویی میکنند، نه با هم کار واقعی دارند. آن وقت برای اینکه به سفارش روانشناسان امور کودکان عمل کرده باشند، با هم قرار میگذارند یک ساعت معینی را، پدر و مادر بیایند خانه و یک محفل خانوادگی داشته باشند. برای اینکه بتوانند این اجتماع خانوادگی را که در یک خانواده‌ی سالم بطور طبیعی وجود دارد، اینها بصورت تصنّعی برای خود به وجود بیاورند. آن وقت این خانم یا آقا مرتب ساعتش را نگاه میکند که ببیند این ساعت کی تمام میشود، چون مثلاً ساعت ۶ یک جای دیگر قرار دارد. اینطوری محفل خانوادگی درست نمیشود و بچه‌ها هم احساس انس نمیکنند.^۲

جامعه‌ی بی‌خانواده؛ خاستگاه مشکلات روانی

جامعه‌ی بی‌خانواده، جامعه‌ی آشفته‌ای است؛ جامعه‌ی نامطمئن است. جامعه‌ای است که در آن موارث فرهنگی و فکری و عقاید نسلیها به یکدیگر آسان منتقل نمیشود. جامعه‌ای که در آن تربیت انسان به راحتی و روانی صورت نمیگیرد.^۳

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۲/۲/۲۸)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۴/۱۲/۱)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۷/۱۰/۲۹)

پیامدهای تزلزل بنیان خانواده

خانواده که نبود، نوجوان نیست، کودک نیست، مرد و زن صالح نیست، اخلاق نیست، انتقال تجربیات مثبت و خوب و با ارزش نسل گذشته به نسل بعد نیست.^۱

تسخیر فرهنگ جامعه با متزلزل کردن بنیان خانواده

آن کسانی که میخواهند در یک کشور یا جامعه‌ای نفوذ پیدا کنند، فرهنگ آن جامعه را در مشت خود بگیرند و فرهنگ خود را به آنها تحمیل نمایند، یکی از کارهایشان، معمولاً متزلزل کردن بنیان خانواده است. کما اینکه در خیلی از کشورها این کار را متأسفانه انجام داده‌اند. مردها را بی مسؤولیت و زنها را بد اخلاق کرده‌اند.^۲

اختلال در خانواده؛ عامل اختلافات فرهنگی - اخلاقی جامعه

اساس ازدواج و مهمترین مصلحت ازدواج عبارت است از تشکیل خانواده. علت هم این است که اگر خانواده‌ی سالمی در یک جامعه‌ای وجود داشته باشد، آن جامعه سالم خواهد شد و مواریت فرهنگی خودش را بصورت صحیح منتقل خواهد کرد. در آن جامعه تربیت کودکان به بهترین وجه صورت میپذیرد؛ لذاست که در آن کشورها و جوامعی که خانواده دچار اختلال میشود معمولاً اختلافات فرهنگی - اخلاقی به وجود می‌آید.^۳

انتقال فرهنگها و تمدن‌ها به برکت خانواده

انتقال فرهنگها و تمدن‌ها و حفظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و یک فرهنگ در جامعه و انتقالش به نسل‌های بعد، به برکت خانواده انجام میپذیرد.

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۳/۳۰)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۰/۱۲/۹)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۸/۱/۱۶)

خانواده که نبود، همه چیز متلاشی می‌شود. اینکه میبینید غریبها در داخل کشورهای شرقی و اسلامی و آسیایی، این همه سعی میکنند شهوترانی و فساد را رواج دهند، برای چیست؟ یکی از علل آن همین است که میخواهند با این کار خانواده‌ها را متلاشی کنند تا فرهنگ این جوامع تضعیف شود؛ تا بتوانند سوار اینها شوند. چون تا فرهنگ یک ملتی تضعیف نشود، کسی نمیتواند او را مهار کند، به دهان او دهنه بزند و سوار دوش او بشوند. آن چیزی که ملتها را بی دفاع کرده است و در دست اجانب اسیر میکند، از دست دادن هویت فرهنگی است. این کار هم با برهم خوردن بنیان خانواده‌ها در جامعه آسان میشود. اسلام میخواهد این را حفظ کند، این خانواده را نگه دارد؛ زیرا در اسلام یکی از مهمترین کارها برای رسیدن به این اهداف، تشکیل خانواده و سپس حفظ بنیان خانواده است.^۱

خانواده؛ بهترین منتقل‌کننده‌ی فرآورده‌های فکری به نسلهای بعدی

اگر نسلها بخواهند فرآورده‌های ذهنی و فکری خود را به نسلهای بعدی منتقل کنند و جامعه از گذشته‌ی خودش بخواهد سود ببرد، این فقط با خانواده ممکن است. در محیط خانواده است که اوّل بار، همه‌ی هویت و شخصیت یک انسان بر اساس فرهنگ آن جامعه شکل میگیرد و این پدر و مادرند که بطور غیرمستقیم و بدون اینکه تحمیلی باشد، بدون اینکه خود آنها تصنّعی به کار ببرند، بطور طبیعی محتوای ذهن و فکر و عمل و معلومات و اعتقادات و مقدّسات و اینها را به نسل بعدی منتقل میکنند.^۲

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۶/۱/۲۶)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۸/۱/۱۶)

فصل چهارم ————— ❁

حقوق و وظایف زن و شوهر در خانواده

حقوق متقابل مرد و زن در نظام خانواده از دیدگاه اسلام

شما همسر را انتخاب کردید، هم دخترها و هم پسرها، از حالا به بعد آنچه مهم است عبارت است از حفظ شوون یکدیگر و حقوق یکدیگر. حقّ مرد بر گردن زن این است که زن حفظ امانت او را بکند. هم امانت مال، هم امانت ناموس و نگذارد که مرد از ناحیه‌ی او زیانی و صدمه‌ای ببیند. این یکی از حقوق مهمّ مرد است بر گردن زن. یکی از حقوق مرد بر گردن زن این است که زن بدون اجازه‌ی شوهر از خانه خارج نشود - این بچه مال کیه؟ صاحب بچه کیه؟ - خب این یکی از رازهای قوانین اسلامی هست. به زن نگفتند شما مجبورید اطاعت کنید از شوهرتان در همه‌ی امور زندگی، نه. مرد یک دستوری بده به زن، زن مجبور است اطاعت کند، نه. کتاب بخوان، کتاب نخوان، نمیدانم فلان چیز را بپز. خانه را تمیز کن، لباس را بشور، از مهمانهای من پذیرایی کن. بر زن واجب است اطاعت کند، نه. اما اگر مرد گفت از خانه نباید بروی بیرون، واجب است اطاعت کند. این یک وسیله‌ای است برای حفظ بنای خانواده. در مورد پدر چنین حرفی نیست‌ها! پدر بگوید که راضی نیستم، البته پدر را نباید رنجاند، مادر را نباید رنجاند، اما برای انسانی که عاقل و بالغ هست واجب نیست که اگر او گفت بیرون برو، نمیدانم معاشرت نکن یا چه، اطاعت کند. اما برای شوهر هست، واجب است. اگر شوهر دستور داد باید زن اطاعت کند.



علاوه‌ی بر اینها زن محیط خانواده را باید یک محیط مهربانی و آرامش و آسایش کند که وقتی مرد می‌آید تو خانه، در محیط خانه احساس کند که اینجا برای او محیط آسایش و آرامش است. خستگی‌هایی که دارد اینجا گرفته میشود. علاوه بر اینها حقوق دیگری هم هست که حالا مشترک است که می‌گوییم. در مورد زن، حقّ زن بر گردن مرد این است که مرد به او ظلم نکند، فشار بر زندگی او وارد نیاورد، بد اخلاقی با او نکند، احترام او را حفظ کند، حیثیت و شأن یک انسان بعنوان یک انسان مسلمان را در او کاملاً حفظ کند. خیال نکند مرد که زن مطیع اوست هر چی که او گفت باید زن از او اطاعت بکند. خودکامگی و خودرأیی در داخل خانه نداشته باشد. بداند که زن و او دو نفر شریکند که زندگی را باید با همدیگر اداره کنند و چرخ زندگی را با هم بچرخانند.^۱

هدف اسلام در دفاع از حقوق زنان - همانطور که گفته شد - این است که زن تحت ستم نباشد و مرد، خود را حاکم بر زن نداند. در خانواده، حدود و حقوقی هست. مرد حقوقی دارد، زن هم حقوقی دارد و این حقوق بشدّت عادلانه و متوازن ترتیب داده شده است. آنچه به نام اسلام است و غلط است، آنها را نمی‌گوییم و از آنها دفاع نمی‌کنیم. آنچه متعلق به اسلام است، بینات اسلام و مسلمّات اسلام است. اینها چیزهایی است که میان حقوق زن و مرد در داخل خانواده توازن قائل است.^۲

احکام دقیق و ظریف اسلام، در مصلحت روابط زن و شوهر

چون بعضی از مردان، نسبت به زنان زورگویی و ظلم و تعدّی میکردند، اسلام در مقابل این ظلم و تعدّی ایستاده است. وقتی که عائله تشکیل میشود، در داخل عائله، از نظر اسلام، زن و شوهر دو شریک زندگی هستند

۱. در مراسم اجرای صیغهی عقد (۶۳/۱/۲۴)

۲. در اجتماع بزرگ بانوان (۷۶/۷/۳۰)

و باید نسبت به یکدیگر با محبت رفتار کنند. مرد حق ندارد به زن زور بگوید؛ زن هم حق ندارد به مرد زور بگوید. احکام و مقررات اسلامی، در مورد ارتباطات زن و مرد در داخل عائله و خانواده، بسیار دقیق و ظریف است. خدای متعال، با توجه به طبیعت زن و مرد، با توجه به مصالح جامعه‌ی اسلامی، با توجه به مصالح زن و مرد، این احکام را معین کرده است. مرد فقط در چند مورد - که من یک مورد را تصریح میکنم و یکی، دو مورد دیگر را تصریح نمیکنم - حق دارد به زن دستور بدهد و زن موظف است که دستور را عمل کند. آن موردی که تصریح میکنم، این است که مرد میتواند از خروج زن از خانه بدون اجازه‌ی خود جلوگیری کند؛ به شرط اینکه در هنگام عقد ازدواج، شرطی در این مورد انجام نگرفته باشد. اگر شرطی در بین نباشد، مرد میتواند مانع بشود. این، یکی از آن رازهای دقیق احکام الهی است و این حق فقط به شوهر داده شده و حتی به پدر هم داده نشده است. پدر نمیتواند دختر خود را موظف کند که اگر خواست بیرون برود، از او اجازه بگیرد. نه، پدر چنین حقی ندارد، یا برادر چنین حقی نسبت به خواهر ندارد؛ اما شوهر این حق را نسبت به زن دارد. البته در هنگام صیغه‌ی عقد، زنان میتوانند شروطی را بعنوان شرط عقد ازدواج ذکر بکنند. این شروط را هم زن و هم مرد موظفند که عمل کنند؛ بنابراین اگر شرط کردند، آن بحث دیگری است؛ اما در درجه‌ی اول، اینطور است. یکی، دو مورد دیگر هم هست که زن موظف است در آن موارد، از مرد اطاعت کند. اینها همه بخاطر طبیعت زن و مرد است.^۱

وظیفه‌ی مشترک زن و مرد در ساختن خانواده

در حال حاضر خانه و نقش زن در خانواده یک معضله‌ای برای خود زن و مردها شده است، در حالی که به نظر من هیچ معضله‌ای نیست و این یک چیز واضحی است که اولاً اداره‌ی خانواده بین زن و مرد مشترک

۱. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

است. اینطور نیست که زنها در اداره‌ی خانواده سهم و نقش و وظیفه داشته باشند، ولی مردها نداشته باشند. بلکه مرد و زن هر دو مشترکاً مأمورند که در ساختن و بنای خانواده کار کنند و با توجه به اهمیتی که اسلام به خانواده می‌دهد، اصلیت‌ترین کار یک زن و مرد مسلمان که پایه و قوام زندگی‌شان بر آن استوار است، ساختن خانواده می‌باشد و زن و مرد این وظیفه را مشترکاً بر دوش دارند.^۱

تربیت همسران در زندگی مشترک

در بسیاری از کشورهای اسلامی خانمها میتوانند نقش عمده‌ای را ایفا کنند تا آگاهی و درک مبارزه برای اسلام در آنجا زنده بشود. کماینکه در کشور ما همینجور بود خیلی از مردها را زنهایشان ساختند، خیلی از مردها را زنهایشان به راه انداختند در راه مبارزه، این در دنیا میتواند تکرار بشود.^۲

همکاری روحی همسران با درک ضرورت‌های یکدیگر

زن ضرورت‌های مرد را درک کند، فشار اخلاقی روی او وارد نیآورد، کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای نکرده به راه‌های نادرست متوسل بشود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدانهای زندگی تشویق کند و تحریض نماید. اگر چنانچه کار او مستلزم این است که یک مقداری به وضع خانوادگی مثلاً رسیدگی کافی نداشته باشد، این را به رخ او نکشد، اینها مهم است. اینها وظیفه‌هایی است از طرف زن، از طرف مرد هم وظیفه است که ضرورت‌های زن را درک کند، احساسات او را بفهمد و نسبت به حال او غافل نباشد.^۳

۱. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۳/۱۲/۱۳)

۲. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۸/۱۱/۱۷)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۵/۲/۱۰)

مسئولیت زن و مرد؛ همپای هم بودن در زندگی

شغل اصلی و اولی زن، زن خانه بودن است. این تحقیر زن هم نیست، خیال نکنید. این احترام زن است، این تجلیل زن است. در خانه است، زن خانه است، محیط خانه را، یعنی آن محل رشد گیاه انسان را، گیاه انسان، این مرتب میکند، آماده میکند. مرد هم مخصوص این است که برود بیرون کارهایش را بکند و وسیله‌ی تغذیه‌ی این محیط را فراهم بکند، اینجوری است. مثل اینکه یک اتاقی را، دو تا هم‌اتاقی، شما فرض کنید. یکی اتاق را اداره میکند، یکی هم برای اینکه اینها بالاخره گرسنه میمانند، غذا میخواهند، می‌رود بیرون غذا برایشان تهیه میکند، به کدام بی‌احترامی شده؟ آنی که در خانواده کارها با اوست، همه چیز به او نگاه میکند، اوست که این محیط را دارد میسازد، او بیشتر احترام پیدا میکند یعنی زن. مرد هم پادویی‌اش را میکند. وقتی هم پای مسئولیتهای اجتماعی رسید، پای مبارزه رسید، پای سیاست رسید، هر دو باید حاضر بشوند. پای مجاهدت در راه خدا رسید، هر دو باید بیایند، باید زن و مرد بیایند.^۱

زن و شوهر؛ هردو رفیق و شریک زندگی مشترک

زن و شوهر، مثل دو همسنگر و مثل دو شریکند. باید با هم همکاری کنند و بدانند که از نظر اسلام، زن و مرد هردو پیش خدای متعال حقوقی دارند. خداوند مرد را برای کاری آفریده، زن را هم برای کاری. از نظر تقوا و معنویت، نه مرد بر زن ترجیح دارد، نه زن بر مرد. هرکدام تقوایشان بیشتر بود، پیش خدا عزیزتر است. اینگونه نباشد که مثل بعضی از محیطهای جاهلی، مرد به زن زور بگوید و او را به کلی از حوزه‌ی زندگی و تصمیمگیری خارج کند؛ یا مثل بعضی از دستگاههای جاهلی دیگر، که از اروپا یاد گرفته‌اند، زنها مرد را تحقیر و ذلیل کنند و بر او سوار شوند. اینطور هم نباید باشد؛ بلکه باید مثل دو رفیق، دو همسنگر، دو شریک و دو

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۲/۱۲/۵)

همکار باشند. منتها هر کدام - همانطور که خدای متعال قرار داده - برای یک کار مناسبند. هر کدام مخصوص یک کار هستند. نه کار این از عهده‌ی او برمی‌آید، نه کار او از عهده‌ی این برمی‌آید.^۱

در محیط اسلامی، زن و شوهر با همند، متعلق به همند، در مقابل هم مسؤولند، در مقابل فرزندان مسؤولند، در مقابل محیط خانواده مسؤولند. ببینید از نظر اسلام خانواده اینقدر مهم است.^۲

زن و مرد دارای وظایف و مسؤولیتهای مشترک و نیز اختصاصی هستند که باید بدقت شناخته و تبلیغ شود. زن، باری بر دوش همسر خود نیست و زن نباید مطابق الگوهای غربی و غیراسلامی معرفی شود.^۳

زن و شوهر؛ بهترین حافظان یکدیگر در صراط مستقیم

به یکدیگر در انجام وظایف الهی کمک کنید. وظایف الهی هم فقط نماز و روزه نیست. همه‌ی کارهایی که وظیفه‌ی یک انسان در یک جامعه‌ی اسلامی است، جزو وظایف الهی است. اگر شوهر تلاش و فعالیت دارد و مشغول خدمتی است - بزرگ یا کوچک فرق نمیکند - طبعاً زحماتی را بر زن و خانواده تحمیل میکند. کمک به شوهر این است که زن و سایر اعضای خانواده این زحمات را تحمل کنند. همچنین زن، شوهر خود را به راست‌کرداری و دوری از تخلفهای گوناگونی که بعضی از افراد دچارش میشوند، سفارش کند. این کمک است. مرد هم زن خود را از تجمل‌پرستی و پیروی از هوا و هوس مانع شود. این هم خدمت و کمک است. کمک زن و شوهر به هم این است که یکدیگر را در صراط مستقیم الهی حفظ کنند. البته حفظ یکدیگر با دعوا و تشر و اوقات تلخی نمیشود؛ بلکه با محبت و

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۱/۱۰/۱۷)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۵/۱۶)

۳. در جمع مدیران و برنامه‌سازان صداوسیما (۷۵/۵/۹)

عقل و تدبیر شدنی است. ان شاء الله توصیه‌ی ما به شما کمک‌تان خواهد کرد که زندگی مبارکی داشته باشید.^۱

مسئولیت همسران در کمک به همدیگر و پیمودن صراط مستقیم

اینکه زن و شوهر به هم کمک کنند، نه فقط کمک در امور زندگی که اینها هم یک نوع کمک است؛ بلکه منظور ما کمک در پیمودن صراط مستقیم، راه راست، پاکدامنی و پاکدستی است. در این زمینه‌ها به هم کمک کنند. اگر زن احساس کرد که مردش در محیط کار و محیط بیرون خانواده دچار گرفتاری‌ای شده - که زنها خیلی اوقات گرفتاری‌های مردها را ممکن است مالی، سیاسی و یا چیزهای دیگر باشد، بخوبی میفهمند - بایستی کمک کند که او را از آن گرفتاری نجات دهد. این کار با اخلاق خوب، با نصیحت و با بیان مناسب، ممکن میشود. خیلی از زنها را ما میشناسیم که به شوهرهایشان در این زمینه‌ها کمک کرده‌اند و از لبه‌ی پرتگاه جهنم آنها را به سوی بهشت کشانده‌اند. در دوره‌ی مبارزه‌ی زنهایی را هم داشتیم که شوهرهایشان را به پرتگاه جهنم کشانده‌اند. مردها هم میتوانند این کار را انجام دهند؛ یعنی هم میتوانند زنها را به سوی بهشت بکشانند و هم آنها را در لبه‌ی پرتگاه جهنم قرار دهند. نکته‌ی بعد اینکه اگر محیط زندگی را، محیط دین و تقوا و پارسایی و پاکدامنی و ذکر و توجه و تضرع قرار دهید؛ بچه‌ها هم همینطور بار می‌آیند و آثارش نه فقط به خودتان، بلکه به همه‌ی جامعه خواهد رسید.^۲

کمک به یکدیگر در راه تحصیل و تبلیغ دین و فعالیتهای اجتماعی

در دورانهای سخت مبارزه، بعضی از مردان در میدان مبارزه، تا میخواستند قدمی بردارند، فوری صدای فریاد زنها در گوششان میپیچید؛

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۱۲/۱۲)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۳/۲۹)

پایشان سست میشد و نمیتوانستند بروند. عکس آن هم بود؛ بعضیها بودند که زنانشان، نه فقط مانع آنها نبودند؛ بلکه مشوق آنها میشدند و کمک هم میکردند. بسیاری از زنان، شوهرانشان را اهل بهشت کردند و بسیاری از مردان، زنانشان را اهل بهشت کردند. عکس آن هم بود؛ بعضی زنان، شوهرانشان را اهل جهنم کردند و بعضی مردان، زنانشان را اهل جهنم کردند. اینکه میگوییم به یکدیگر کمک کنید، بعضی خیال میکنند مردان حتماً باید پیشبند ببندند و به آشپزخانه بروند. خب؛ آن هم یکی از کمکهاست؛ اما کوچکترینش است. بهترین کمک این است که در راه تحصیل، تبلیغ، فهم دین، خدمات اجتماعی، فعالیتهای مفید سیاسی و... کمک کنید.^۱

همسران؛ بهترین نصیحت‌کنندگان به خیر و تقوا

اگر چنانچه شما میبینید که همسرتان نمازش را خوب نمیخواند، شما وظیفه دارید که هدایت کنید او نمازش را خوب بخواند. اگر شما میبینید که همسرتان به واجبات و مثلاً فرایض و اینها اعتنایی ندارد، باید کاری کنید که اعتنا داشته باشد. اگر میبینید که این زن یا این شوهر اهل تجملات و زیادهای زندگی و اسراف و اینهاست، بایستی شما نصیحت کنید، به او بگویید که او اصلاح کند خودش را. اینجوری است. هر کدامی یکدیگر را توصیه کنید به خیر، به تقوا، به نیکی، عیب همدیگر را سعی کنید که از بین ببرید. نقایصی را که قابل از بین رفتن هست اینها را اصلاح کنید. توقعاتتان را هم از هم کم کنید.^۲

لزوم عمل به اخلاق اسلامی در خانواده

تصویر کیفیت برخورد زن و مرد در اخلاق اسلامی و قانون اسلامی هم به نظر ما بایستی بیشتر رویش کار شود. بعضی متدین هم هستند، اما

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد ۲۵ زوج (۸۱/۶/۲۸)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۳/۱/۲۴)

چون با مفاهیم اسلامی درست آشنا نیستند و اخلاقیات مرتبط با روابط زن و مرد را در اسلام درست نمیدانند، تدیّشان موجب نمیشود که از غلظتشان کم شود، از تحکم و زورگویی شان بکاهد؛ نه، هم متدینند، هم آن تحکّمها و زورگوییها را دارند؛ این هم باید اصلاح شود. اخلاق اسلامی در روابط زن و مرد - به خصوص در داخل خانواده - باید مورد توجه قرار بگیرد.^۱

وجه مشترک زوجین در زندگی باید عبارت باشد از توجه به خدا و اطاعت دستورات الهی و عمل به فرامین خدا. زن و شوهر باید همدیگر را در این جهت حفظ کنند. اگر زن میبیند که شوهر او بی اعتنا به مسائل دینی است، او را با حکمت و اخلاق خوش و ظرافت و زیرکی زنانه، وادار به آمدن در راه خدا کند. مرد هم اگر میبیند زنش بی اعتناست، او هم باید همین تکلیف را انجام دهد. این از کارهای اساسی در زندگی است.^۲

زندگی کامل در مطرح کردن عملی دین و اخلاق

خیلی از زنها هستند که شوهر خودشان را بهشتی میکنند. خیلی از مردها هستند که همسر خود را حقیقتاً سعادت مند میکنند. موارد عکس این هم هست. ممکن است مردهای خوبی باشند، زنهایشان آنها را اهل جهنّم کنند و زنهای خوبی باشند که مردهایشان آنها را اهل جهنّم کنند. اگر چنانچه زن و مرد هر دو توجه داشته باشند، با توصیه های خوب، با همکاری های خوب، با مطرح کردن دین و اخلاق در محیط خانه - آن هم بیشتر از مطرح کردن زبانی، مطرح کردن عملی - اینطور یکدیگر را کمک کنند؛ آنوقت زندگی کامل و حقیقتاً وافی و شافی خواهد شد.^۳

۱. در دیدار گروه کثیری از زنان نخبه (۱۳/۴/۸۶)

۲. در مراسم اجرای صیغهی عقد (۱۳/۲/۷۲)

۳. در مراسم اجرای صیغهی عقد (۱۱/۱۲/۷۷)

دستورات شرعی در زمینه‌ی اخلاق و رفتار زوج

در شرع آمده که پیوند ازدواج را محکم نگه دارید. بعد هم شرایط زیادی برای ازدواج در همه‌ی زمینه‌ها معین کرده است. در زمینه‌ی اخلاق و رفتار گفته: وقتی زن گرفتید، وقتی شوهر کردید، باید اخلاقتان را خوب کنید، باید همکاری کنید، باید گذشت کنید، باید محبت کنید، باید او را دوست بدارید و باید به او وفاداری کنید، اینها همه‌اش احکام شرع است، اینها همه‌اش دستورات است.^۱

تشویق در خیرات و اصلاح در انحرافات؛ از وظایف همسری

زن و شوهر باید همدیگر را در راه صحیح و صراط مستقیم الهی حمایت کنند. اگر هر کدام از اینها مشاهده میکنند یک عمل خیر و یک کار شایسته‌ای از همسرشان سر میزند، آن را تشویق کنند و اگر برعکس، احساس کردند که خطایی، یک انحرافی - خدای نخواستہ - وجود دارد، سعی در اصلاح آن بکنند. یکدیگر را در راه خدا کمک و تشویق کنند.^۲

درس دینداری؛ عدم پایبندی به تجملات

اگر میبینید که همسرتان به چیزهای تجملاتی و آرایش‌های گوناگون و اینها خیلی اهمّیت میدهد یادش بدهید که اینجوری نباشد.

لباسهای گوناگون، انواع و اقسام لباس، انواع و اقسام زینت‌آلات چه لزومی دارد؟ طلا چه لزومی دارد؟ اینها را ما لازم نمیدانیم، اگر میبینید همسرتان به این چیزهای بیخودی پایبند است، یادش بدهید که پایبند نباشد. شما هم به شوهرتان یاد بدهید، شما هم به زنهایتان یاد بدهید، این اولین وظیفه‌ی شماست که همدیگر را درست کنید، همدیگر را حفظ کنید،

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۲/۱۰/۶)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۶/۴)

درس دین به همدیگر بدهید.^۱

یکی از موجبات سعادت خانواده‌ها و اشخاص، این است که تقیّدات زائد و تجملات زیادی و پرداختن بیش از اندازه لازم به امور مادی، از زندگیها دور شود. لاقلاً بخش اصلی زندگی محسوب نشود. یک چیز حاشیه‌ای یک کنار باشد. زندگی را از اول باید ساده برداشت و محیط زندگی را باید محیط قابل تحمّلی کرد.^۲

زن و شوهر؛ مهارکننده‌ی وسوسه‌های شیطانی

در جنگ نهایی بین زن و شوهر، طرف قویتر خانم است. یعنی نگاه به صدای کلفت و قد بلندشان نکنید، آنکه بالاخره با تدبیر و نقشه بر شوهر فائق می‌آید و غالب میشود، خانم است که شوهر بیچاره را وادار میکند او هم به فکر بیفتد و سراغ پول، ماشین و عنوان و چیزهای دیگر برود تا از دیگران عقب نماند. حالا بیایند پیش ما گله کنند که بله زنهایمان اینطور میگویند که ما هم یک فصل نصیحت کنیم که آقا بیایید مثلاً اخلاص داشته باشید، خدا را در نظر داشته باشید و امثالهم؛ اما این حرفها کجا، آن وسوسه‌ی بیخ گوش که دائم تکرار میکند، کجا؟ بعضی زنها اینطور هستند. بعضی زنها نقطه‌ی مقابل آن هستند. اگر دیدند شوهر چند فرش ماشینی خرید آورد خانه، در حالی که اتاقها فرش است، بیخ خر شوهرشان را میگیرند که این را برای چه آوردی؟ شوهر میگوید خب؛ حالا آورده‌ام دیگر. میگوید نه از کجا آوردی، چی شده، کی داده، چطوری شده؟ به هر حال قبول نمیکند و نمیگذارد این مال و این جنس در داخل خانه مصرف شود. ممکن است هدیه باشد و شوهر آن را به خانه بیاورد. خانم میگوید اینها را چرا آوردی؟ اینها را ما نمیخواهیم؛ چون اگر این به خانه مان بیاید، با بقیه‌ی اشیای خانه

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۲/۳/۸)

نمیسازد؛ نه با فرشمان، نه با رختخوابمان، نه با لباسهایمان؛ با هیچ چیزی نمیسازد. اگر این بیاید، باید آنها هم عوض شوند. حاضری آنها را عوض کنی؟ شوهر بیچاره هم میگوید نه. بعد خانم میگوید اگر حاضر نیستی، پس این را بردار ببر بیرون؛ این هم نباشد. ببینید؛ بعضی از زنها، شوهرهایشان را بهشتی میکنند، بعضی هم جهنمی. مقابلهش هم وجود دارد.^۱

برطرف کردن خطاهای شرعی با شیوهی بسیار لطیف و عاقلانه

مهمترین کمک به همسر، این است که سعی کنید همدیگر را دیندار نگه دارید. مراقب باشید همسرتان خطای دینی نکند. این مواظبت هم به معنای پاسبانی و دیده‌بانی نیست. این مراقبت، مراقبت اخلاقی است. مراقبت مهربانانه و مراقبت پرستارانه است. اگر چنانچه خطایی از همسرتان دیدید، آن را باید با شیوهی بسیار لطیف و عاقلانه‌ای در او از بین ببرید، برطرف کنید. یا با تذکر و یا با بعضی از مراعاتها نسبت به هم مسؤولیت دارید. زن اگر میبیند شوهرش در معاملات بد افتاده، در رفیق‌بازی‌های بد و معاشرتهای بد افتاده، یا مرد میبیند زنش افتاده در بعضی تجمل‌پرستی‌های غلط یا ولنگاریهای غلط، نباید بگوید: حالا او خودش است. نه، شما هر کدام نسبت به هم وظیفه دارید. باید همّت خود را متمرکز کنید. زن و مرد میتوانند بر روی هم اثر بگذارند.^۲

محافظت از انحرافات با ابراز محبت؛ تدبیر و زبان خوش

همدلی و همکاری کردن، معنایش این است که همدیگر را در راه خدا حفظ کنید. توأسی به صبر و توأسی به حق کنید. اگر خانم میبیند شوهرش دارد دچار یک انحرافی میشود، فرضاً در یک معامله‌ی نامشروعی دارد قرار میگیرد، توی یک جریان غلطی دارد می‌افتد، توی پول درآوردنهای

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۹/۳)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۸/۳)

نادرست دارد می‌افتد، توی رفیق‌بازی‌های ناسالم دارد می‌آفتد، اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست، اگر متقابلاً مرد این احساسها را به نوع دیگری از زنش کرد، اولین کسی که باید زن را حفظ کند شوهر اوست. البته حفظ کردن هم، با محبت کردن و با زبان خوش و با منطق صحیح و با برخورد مدبرانه و حکیمانه حاصل میشود، نه با بداخلاقی و قهر و این چیزها. یعنی هر دو مراقب باشند تا آن دیگری را در راه خدا حفظ کنند.^۱

زن و مرد، لباس همدیگر؛ یعنی حفظ و حراست از تمامی آسیبها

در قرآن وقتی که راجع به زن و مرد صحبت میشود میفرماید: که «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۲ مثل هم، هیچ فرقی ندارد. زن لباس مرد است، مرد لباس زن است. یعنی چه لباس است؟ یعنی او را میپوشاند، او را حراست میکند، او را از آسیبها در امان میدارد، حفظ‌کننده‌ی یکدیگر هستند. خوب، حقوق متقابل و مشترکی که شبیه هم است بر گردن همدیگر زن و مرد دارند، این است که هر کدامی خودشان را وظیفه‌دار در مقابل آن دیگری بدانند.^۳

تفاوت روحیات زن و مرد در خانواده

طبیعت مرد و زن، هر کدام ویژگی‌ای دارند. در داخل خانواده، کار و روحیات مرد را نباید از زنان توقع کرد؛ روحیات زن را هم در خانواده نباید کسی از مرد توقع کند. هر کدام یک خصوصیات طبیعی و روحی دارند که مصلحت بشر، مصلحت جامعه، مصلحت نظام اجتماعی زن و مرد این است که روحیات و خصوصیات مرد و زن در تعامل اینها در داخل خانواده دقیقاً رعایت شود که اگر رعایت بشود؛ هم این خوشبخت است و هم آن.^۴

۱. در مراسم عقد ازدواج (۷۹/۸/۲۱)

۲. سوره ی بقره، آیه‌ی ۱۸۷

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

۴. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

دو نگاه متفاوت و زیبا

نوع نگاه زن به مرد با نگاه مرد به زن بطور طبیعی مختلف است، باید هم مختلف باشد، ایرادی هم ندارد. مرد به زن به صورت یک الگوی زیبایی، الگوی ظرافت، الگوی حساسیت نگاه میکند، او را لطیف میبیند. اسلام هم همین را تأکید کرده: «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ» یعنی زن گل است. در این نگرش، زن، یک موجودی است رقیق، مظهر زیبایی و لطافت و رقت و مرد به این چشم به او مینگرد. محبت او را در این قالب ترسیم و مجسم میکند. مرد در چشم زن، مظهر اعتماد، نقطه‌ی اتکا و اعتماد است و محبت خودش را به او در این قالب ترسیم میکند. این دو تا، دو نقش جداگانه است از یکدیگر و هر دو نقش لازم است. زن وقتی به مرد نگاه میکند، با همان چشم محبت و عشق، او را در نقش یک تکیه‌گاه میبیند که میتواند از نیروهای جسمی و فکری او برای پیشبرد کار زندگی استفاده کند؛ مثل یک موتور. مرد وقتی به زن نگاه میکند، به چشم مظهر انس و آرامش مینگرد که میتواند به انسان آرامش بدهد. اگر مرد نقطه‌ی اتکا در زمینه‌ی مسائل ظاهر زندگی است، زن هم به نوبه‌ی خود نقطه‌ی اتکا است برای مسائل روحی و معنوی زندگی. دریایی است از انس و محبت. میتواند مرد را در این فضای سرشار از محبت، از همه‌ی غصه‌ها و غمهای خودش خارج کند. اینها توانایی‌های مرد و زن است. توانایی‌های روحی آنهاست.^۲

احترام واقعی متقابل

احترام به این معنا نیست که مثلاً همدیگر را با القاب و آداب صدا کنند. بلکه قلباً مرد نسبت به زن خود و زن نسبت به مرد خود، احساس احترام داشته باشند. احترام را در قلب خود نگه دارید، برای هم حرمت قائل باشید. این در اداره‌ی زندگی مهم است. بین زن و شوهر، اهانت و تحقیر و تذلیل نباشد.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۶/۶)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۱/۹/۱۹)

روز زن؛ فرصتی برای رعایت حرمت و کرامت و حق زن

میلاد حضرت صدیقه‌ی کبری (سلام‌الله‌علیها) را در جمهوری اسلامی بعنوان «روز زن» معین کرده‌اند. در چنین روزی باید فرصتی باشد که هم مردان طوری رفتار کنند که حرمت و کرامت و حق زن بطور کامل رعایت شود اگر نقصی در رفتار مرد با زن - همسر خودش یا هر زنی که در زندگی خانوادگی با او مرتبط است؛ مثل مادر و خواهر و غیره - وجود دارد، مرد آن نقص را برطرف و جبران کند و هم خود زنان و بانوان، موجبات تکریم بیشتر زن را فراهم کنند. چون این به خود زن هم وابسته است.^۱

مراعات و تنظیم وقت برای بیشتر بودن زن و مرد با هم

وظیفه این است که با هم، مراعات هم را بکنید. مردها رعایت کنند زنهایشان را، اینجور نباشد که بیندازند زنها را تو خانه بروند تا آخر شب مهمانی و روضه و سینه‌زنی و - نمیدانم - گردش و سینما و جاهای دیگر، بعد آخر شب بروند تو خانه، زن هم بیچاره از سر شب هم همانطور نشسته حالا می‌آید، حالا می‌آید، حالا می‌آید، تا ساعت ۱۰ شب، ۹ شب، منتظر است خوابش برده مثلاً یا نشسته چشمهای خواب‌آلوده، این درست نیست، این غلط است، مگر یک کار واجب، یک وظیفه باشد، آن بحث دیگر است. انسان وظیفه که داشته باشد یک ماه هم تو خانه‌اش سر نمیزند. اما نه، کار عادّی و معمولی و روزانه را جوری تنظیم کنید که اوّل شب بتوانید بروید منزلتان، البته عیبی ندارد روضه بروید، مسجد بروید، نماز جماعت بروید، اگر سینمای خوب هست بروید اشکالی ندارد، اما با زنتان، با همدیگر بروید چه اشکالی دارد؟ پای تفسیر، پای روضه - نمیدانم - پای درس بله، اگر میشود اگر جوری است که میشود، نمیگویم حالا حتماً هر جا بروید از هم جدا نشوید نه خب گاهی ممکن نیست اما خب تنظیم کنید، جوری که بیشتر اوقات با هم باشید.^۲

۱. در دیدار خانواده‌های برادران «حفاظت» (۷۷/۷/۲۱)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

رازداری؛ عامل شیرینی و استحکام زندگی مشترک

زن و شوهر باید راز هم را حفظ کنند، زن نباید راز شوهرش را پیش کسی بازگو کند. مرد هم مثلاً نرود پیش رفقاییش در باشگاه یا مثلاً فلان مهمانی و... راز همسرش را بازگو کند، حواستان جمع باشد، اسرار هم را محکم نگه دارید تا زندگی ان شاءالله شیرین و مستحکم شود.^۱

تحمل عیوب یکدیگر

اگر دیدید که همسرتان یک نقطه‌ی عیبی دارد - هیچ انسانی بی عیب نیست - مجبورید او را تحمل کنید، تحمل کنید، که او هم همزمان، دارد یک عیبی را از شما تحمل میکند. آدم عیب خودش را که نمیفهمد، عیب دیگری را میفهمد. پس بنا را بگذارید بر تحمل. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید. اگر دیدید کاری نمیشود کرد، با او بسازید.^۲

سازگاری با عیوب همسر؛ مسابقه‌ای برای پیدا کردن تقوای بیشتر

مبادا دخترها و پسرهای جوان که حالا با هم ازدواج میکنند خیال کنند که همسرشان باید یک فرشته باشد، نه اخلاق بدی، نه نقصی، نه عیبی، هیچی نداشته باشد، نه این اشتباه است، شما پسرها بدانید این همسری که شما حالا امروز عقدش را میخوانیم و همسر شما میشود، این مثل زنهای دیگر دنیا است، همه‌ی زنهای دنیا یک نقصی دارند. این زن شما هم مثل زنهای دیگر است، شما زنها هم بدانید این مردی که با او ازدواج میکنید حالا این مثل بقیه‌ی مردهاست، همه‌ی مردهای دنیا یک نقصی دارند، هیچ مردی و هیچ زنی را شما پیدا نمیکنید که یک عیبی، نقصی، ایرادی نداشته باشد. حالا این یکی که نصیب شما شده یک ایرادی دارد، دیگری ممکن است این ایراد را نداشته باشد، اما یک ایراد دیگر دارد. مبادا بگویید که آره!

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۸/۱/۲۴)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۸/۴/۹)

ای کاش که مثلاً شوهر ما یک کسی بود که این عیب را نداشت! بدانید که آن کسی که این عیب را ندارد، او یک عیب دیگری دارد، یک اشکال دیگری دارد، با هم بسازید، با اخلاق هم بسازید، با عیبهای هم بسازید. البته یک عیبهایی هست که قابل برطرف شدن است، آنها را سعی کنید برطرف کنید. یک عیبهایی هم هست که نه عیب جسمی است، عیب روحی است، قابل برطرف شدن نیست، خب آنها [را] هم باید بسازید، اشکالی هم ندارد و بدانید که ارزش به تقواست. هر دو سعی کنید تقوایتان را زیاد کنید و برتری به تقوا پیدا کنید، اگر چنانچه بتوانید برتری پیدا کنید بواسطه تقوا این البته یک امتیازی است و باید مسابقه بگذارند زن و شوهر برای پیدا کردن تقوای بیشتر.^۱

سازگاری دوطرفه در میان همسران

در قدیم بیشتر میگفتند دختر باید سازگار باشد. برای پسر کانه وظیفه‌ی سازگاری را قائل نبودند. نه! اسلام این را نمیگوید. اسلام میگوید که دختر و پسر هر دو باید سازگار باشند، هر دو باید بسازند. باید بنا را بر این بگذارند که زندگی خانوادگی را سالم و کامل و آرام و همراه با محبت و عشق متقابل اداره کنند و این را ادامه بدهند و حفظ کنند. اگر چنانچه ان شاءالله این فراهم شد، که فراهم کردنش هم با تربیتهای اسلامی مشکل نیست. این خانواده، همان خانواده‌ی اسلامی خواهد بود که اسلام معتقد به اوست.^۲

گذشت و اغماض؛ زمینه‌ی سازشکاری در خانواده

وظیفه این است که در مقابل هم یک مقدار گذشت و اغماض داشته باشید. سختگیری نکنید به شوهرتان، سختگیری نکنید به زنتان، خیال نکنید

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۴/۵/۱۱)

که این همسر شما یک فرشته‌ی کاملی باید باشد که هیچ نقصی نداشته باشد، مگر میشود؟ همچنین کسی شما تو این دنیا پیدا نخواهید کرد، شما زنها هم پیدا نخواهید کرد، بالاخره همه‌ی مردها و همه‌ی زنهای عالم، جز معصومین، نقص دارند، هر کسی شما فکر کنید که این دیگر خیلی خوب است بدانید یک نقصی دارد، منتها نقص افراد را که آدم در چهره‌شان، در قیافه‌شان، در معاشرت اول که نمیفهمد، تدریجاً که معاشرت کرد نقایص همدیگر را مردم میفهمند. تحمل کنید، نقصهای همسرتان را، با هم بسازید.^۱

سازشکاری در محیط خانواده جزو واجبات است. نایستی زن و شوهر تصمیم بگیرند که خودشان هرچه گفتند همان شود. آنچه خودشان می‌پسندند و آنچه راحتی آنها را تأمین میکند همان بشود. نه، اینطور نباید باشد. باید بنا داشته باشند که باهم سازگاری کنند. این سازگاری لازم است. اگر دیدید مقصود شما تأمین نمیشود مگر با کوتاه آمدن، کوتاه بیایید.^۲

معنای سازگاری چیست؟ معنایش این است که زن ببیند این مرد، درست ایده‌آل اوست تا با او سازگار باشد؟ یا مرد ببیند که این زن، کاملاً ایده‌آل اوست و همان فرد مطلوب عالی است، تا با او سازگاری داشته باشد؟ اگر یک ذره این گوشه یا آن گوشه‌اش کج بود، قبول نیست. معنای سازگاری این است؟ نه! اگر سازگاری این باشد که این خودش بطور طبیعی انجام میگیرد و اراده شما را نمیخواهد. اینکه میگویند شما سازگار باشید؛ یعنی شما با هر وضعیتی که هست و پیش آمده بسازید. معنای سازگاری این است: یعنی چیزهایی در زندگی پیش می‌آید. خب دو نفرند با هم تا حالا آشنایی نداشتند، زندگی نکردند، ممکن است فرهنگشان دو تا باشد. ممکن است عاداتشان دو تا باشد. اول ممکن است یک ناسازگاری‌هایی

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۸/۴/۹)

بینند، حالا اول ازدواج که نه آدم هیچ متوجه نیست. بعد از یک‌خرده که گذشت، ممکن است یک ناسازگاریهایی حس کند، آیا باید اینجا از هم سرد شوند و بگویند: این مرد یا این زن دیگر به درد من نمیخورد؟! نه! شما باید خودتان را با این مسأله تطبیق دهید. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید و اگر دیدید نه، کاری‌اش نمیشود کرد، خب با او بسازید.^۱

سازش و اجتناب از تشنج در خانواده

از هر چیزی که محیط خانواده را متشنج و دچار افسردگی و هیجانهای بی‌مورد نماید، اجتناب کنید. هم زن و هم مرد بنا را بر سازش و همزیستی و همراهی بگذارند. آنچه در خانواده خیرات وجود دارد، مال زن و شوهر است و در نهایت مال فرزندان است، مال یک طرف نیست. رنجش مال هر دو طرف است.^۲

انصاف و عدم اسراف

زندگیتان را بر پایه‌ی اسراف قرار ندهید، زندگی را ساده قرار دهید. زندگی را آنطوری که خدای متعال میپسندد قرار دهید و از طیبات الهی بهره‌مند شوید بر حسب اعتدال و عدالت. هم اعتدال و میانه‌روی و هم عدالت؛ یعنی ملاحظه انصاف را بکنید، ببینید دیگران چطوری‌اند. خیلی بین خودتان و دیگران فاصله درست نکنید.^۳

زن و مرد؛ هر دو مأمور به عدالت و انصاف

دخترها و پسرها با هم بسازید. اینجا جای سازگاری است. ما با سازش در خیلی جاها مخالفیم، اما در اینجا معتقدیم باید بسازید، کوتاه بیایید. البته دو طرف باید کوتاه بیایند؛ اما زن برای آن طبیعت منعطف و نرم و ظریفی

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۶/۹/۶)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۶/۷/۳۰)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۲/۳/۸)

که دارد، راحتتر میتواند سازگاری نشان دهد. این معنایش این نیست که حالا مردها اگر هر هارت و هورتی کردند و جایی کردند، آدم بگوید که زن باید بسازد؛ نخیر، مردها هم مأمور به عدالت و انصاف هستند. با هم بسازید. آن چهره‌ی ایده‌آل همسر که در ذهن جوانان غالباً نقش میندد، در دنیا وجود ندارد.^۱

وظیفه‌ی زن و مرد؛ دقت در حلال و حرام کسب مال

بعضی از مردها، پولهای حرام به دست می‌آورند. زنها به مجرد اینکه فهمیدند پولی از راه نامشروع پیدا شده، با روشها و سیاستهای بسیار ظریف و زیرکانه‌ی زنانه، مردها را وادار کنند که از مال حرام دست بردارند. البته گاهی هم به عکس است؛ یعنی زن، مرد را که اهل ارتکاب کار حرام برای کسب مال نیست، وسوسه، تشویق و حتی مجبور به این کار میکند؛ بنابراین زنهایی هستند که مردها را اهل بهشت میکنند؛ زنهایی هم هستند که مردها را اهل جهنم میکنند. همینطور مردهایی هستند که زنهای خودشان را بهشتی میکنند؛ مردهایی هم هستند که زنهایشان را جهنمی میکنند. اینکه میگوییم یکدیگر را حفظ و به هم کمک کنید؛ یعنی اینکه یکدیگر را بهشتی کنید. این مهم در محیط کوچک خانواده، جزو وظایف زن و شوهر است.^۲

چگونگی شکر نعمت ازدواج؛ رفتاری خداپسندانه

شکر، فقط گفتن «الهی شکر» و سجده‌ی شکر کردن نیست؛ شکر نعمت این است که انسان نعمت را بشناسد. بداند که این نعمت را خدا به او داده و استفاده از آن نعمت و رفتار با آن نعمت را که خدا میپسندد، انجام دهد. این معنای شکر نعمت است. اگر چنانچه «شکراً لله» بگویید اما دلتان با مفاهیمی که گفتم آشنا نباشد، این شکر نیست.

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۷/۱۱)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۲/۲/۲۸)

ازدواج هم یک نعمت خدادادی است، خدای متعال این همسر خوب را برای شما فراهم کرده است، پس باید به شایستگی شکر این نعمت را بجا آورید.^۱

اهتمام همسران به تفاهم و درک متقابل

اصل مسأله‌ی ازدواج، عبارت است از تفاهم و انس و اتحاد دو موجود در زندگی با یکدیگر که این البته در اصل یک امر طبیعی است، لکن اسلام با پیرایه‌ها و تشریفات و آئینهایی که قرار داده و با احکامی که گذاشته برای ازدواج، یک استمرار و برکتی به آن داده است. زن و شوهر باید یکدیگر را درک کنند و بفهمند. این یک تعبیر اروپایی است ولی تعبیر خوبی است.

زندگی مشترک؛ یعنی آرامش، اطمینان و اعتماد

در زندگی مشترک، مرد باید به گونه‌ای رفتار کند که وقتی وارد خانه شد، همسرش احساس آرامش و اطمینان و اعتماد کند. اصلاً رفتارش طوری باشد که وقتی همسرش در خانه به ذهنش رسید که الان شوهرم از در وارد میشود، احساس آرامش به او دست دهد. زن هم باید بگونه‌ای رفتار کند که وقتی مرد می‌خواهد وارد محیط خانواده شود، از تصور اینکه همسرش منتظر اوست، احساس خرسندی و آرامش کند. زن و مردی که با هم ازدواج میکنند، باید اینگونه زندگی کنند. اتخاذ چنین روشهایی در زندگی مشترک، بسیار آسان است و اینطور نیست که نشدنی باشد.^۲

وظایف مرد نسبت به همسر

از طرف مرد وظیفه اینطور است که ضرورت‌های زن را درک کند، احساسات او را بفهمد، نسبت به حال او غافل نباشد و خود را صاحب

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۱/۱۶)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۲/۲/۲۸)

اختیار مطلق العنان او در خانه نداند. زن و شوهر دو نفرند، دو شریکند، دو رفیقند، هر کدام یک وسیع از لحاظ فکری و روحی دارند. مرد باید به زن کمک کند تا عقب ماندگی‌هایی را که در جامعه‌ی ما دارند، جبران کند. البته مراد از این عقب ماندگی‌ها، آن چیزهایی نیست که امروز به تقلید از فرنگیها در جامعه‌ی ما مطرح میشود، بلکه مراد معرفت است، مراد تحصیلات است، مراد پیدا شدن روح اندیشه و تأمل و فکر در زن است، مراد اینهاست که هر چه مرد بتواند باید در این زمینه به همسرش کمک کند. اگر زن میخواهد کاری انجام بدهد یا در فعالیت‌های اجتماعی سهیم باشد، در حد اقتضای وضع زندگی خانوادگی، مانع او نشود.^۱

در خانواده‌ی هی گفته میشود نقش زن. دلیلش هم واضح است؛ چون زن در خانواده عنصر محوری است. اما اینجور نیست که مرد در خانواده وظیفه و مسؤولیت و نقشی نداشته باشد. مردهای بیخیال، مردهای بی عاطفه، مردهای عیاش، مردهای قدرشناس زحمات زن خانه، اینها به محیط خانه لطمه میزنند. مرد باید قدردان باشد.^۲

مراقبت از زن مانند گل

در داخل خانواده هم از نظر اسلام مرد موظف است که زن را مانند گلی مراقبت کند. میفرماید: «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ»^۳؛ زن گل است. این مربوط به میدانهای سیاسی و اجتماعی و تحصیل علم و مبارزات گوناگون اجتماعی و سیاسی نیست. این مربوط به داخل خانواده است. «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۴؛ این چشم خطابینی که گمان میکرد زن در داخل خانه موظف به انجام خدمات است، این دید را پیغمبر با این بیان تخطئه کرده است. زن مانند

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۵/۲/۱۰)

۲. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳

۴. همان

گلی است که باید او را مراقبت کرد، با این چشم باید به این موجود دارای لطافت‌های روحی و جسمی نگاه کرد.^۱

مرد؛ تأمین‌کننده‌ی معیشت خانواده

قرآن میفرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»؛ یعنی سرپرستی امور خانواده به عهده‌ی مرد است. مرد باید برود کار کند. معیشتِ خانواده به عهده‌ی اوست. زن هر چه ثروت دارد مال خودش است. اما معیشتِ خانواده بر دوش او نیست.^۲

وظیفه‌ی مرد در برابر عواطف و احساسات زن

توصیه‌ی اوّل من در مورد خانواده‌هاست. این خواهران عزیز، که همسران و فرزندان شما هستند، در اجر و ثواب معنوی شما شریک و سهیمند؛ چون رنج دوری و نگرانی شما و رنج غربت را میکشند و این رنجها همه نزد خدای متعال اجر دارد. هیچ سختی و دشواری‌ای نیست که در مقابل آن، در خزانه عطا و رحمت الهی، یک چیز ارزشمندی وجود نداشته باشد؛ خب، از این بالاتر نمیشود.

شما از خانه که بیرون میروید، این خانم در داخل خانه نگران شماست. این نگرانی و دغدغه، رنج بزرگی است. چنانچه از استانهای دیگر به اینجا آمده باشید، تحمل محیط ناآشنا و غریب، این نگرانی و دغدغه را مضاعف میکند؛ این سختی هم نزد خدای متعال اجر دارد. خب، حالا که نزد خدای متعال، زحمت این خانمها، همسران، فرزندان و مادران شما - چنانچه همراهمان هستند - اجر دارد، آیا شما در قبال این دغدغه‌ها، وظیفه‌ای ندارید؟ اینکه بگوییم اجرش با خداست، تمام میشود؟ نه، شما وظیفه‌ی سنگینی دارید. من میخواهم به یکایک شما عزیزانی که در این بخشهای

۱. در دیدار با گروه کثیری از زنان (۷۹/۶/۳۰)

۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۴

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۶/۲۸)

دشوار خدمت میکنید، به خصوص توصیه کنم اگر دیگران هر قدر نسبت به خانواده‌های خود رسیدگی، خوش رفتاری و حُسن معاشرت دارند، شما باید دو برابر آنها خود را مقید به این اعمال کنید. من شنیده‌ام گاهی بعضی از برادران خوب ما که مشغول چنین فعالیت‌های دشواری هستند و اعصابشان خسته است، در داخل خانه، با همسرشان معاشرت مطلوبی ندارند؛ نه، این را ما نمی‌پسندیم. ببینید چقدر اهمیّت دارد که خدای متعال به صورت مطلق می‌فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۱. وقتی این زحمتی که آن خانم متحمّل میشود، سنگین است، وظیفه‌ی شما هم سنگینتر میشود. آنها مرکز عواطف و احساساتند. زن مجموعه‌ای از عواطف و احساسات حسّاس در وجودش هست. شما حق ندارید به این عواطف و احساسات، بی‌اعتنا باشید یا خدای نکرده متعرّض شوید.^۲

رعایت نظر و نیازهای روحی خانم

مرد نباید خیال کند چون میرود توی کوچه و بازار و با این و آن سروکله میزند و یک شاهی صنّار پول می‌آورد خانه، همه چیز دیگر مال اوست؛ نه! آنچه او می‌آورد نصف موجودی همه‌ی این خانواده است. نصف دیگر این خانم است. اختیارات خانم، کدبانویی خانم، رأی و نظر و نیازهای روحی خانم، اینها را باید رعایت کند. اینطور نباشد که مرد چون دوران مجردی ساعت ۱۰ شب می‌آمده خانه‌ی پدر و مادرش، حالا هم که زن گرفته، اینطور ادامه بدهد! حالا باید ملاحظه‌ی همسرش را بکند.^۳

زن؛ سوگلی خانه، نه پادوی مرد

به سراغ خانه که رفتیم، آنجا سوگلی خانه زن است، پادوی خانه مرد است. اینجور است دیگر، حالا زن‌ها می‌گویند نه ما می‌خواهیم پادو باشیم،

۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۹

۲. در دیدار پرسنل استان سیستان و بلوچستان (۸۱/۱۲/۷)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۳/۹/۲)

خیلی خب بروید شما پادو باشید، کسی نمیگوید نه. البتّه این کار مهمتر است، این کار اصلیتراست.^۱

عدم زورگیری و حسّ مالکیت

همانقدری که شما در محیط خانواده ذیحق هستید او هم ذیحق است. نباید به زن زور بگویید و تحمیل کنید؛ چون به حسب جسم، او ضعیفتر است، بعضیها خیال میکنند که بله، حالا باید زور بگویند، صدایشان را کلفت کنند، دعوا کنند و تحمیل کنند.^۲

عدم تحقیر همسر

ظلم، تبعیض و اهانت، در هر حالی غلط است. اگر شما عالیتترین مرد دنیا باشید و زن شما مثلاً از لحاظ سواد و معلومات و... یک خانم کم سواد باشد، یا از یک خانواده‌ی پایینی باشد، شما حقّ کمترین ظلم و اهانت را به او ندارید. این البتّه فقط مخصوص ما نیست. این اروپایی‌های اُدکلن زده‌ی اتوکشیده، گاهی خیلی بدتر از جوامع ما به این موجودات ظلم میکنند. مرد حق ندارد - ولو بالاتر از زن باشد - به زنش جفا کند. زن هم همینطور. گاهی زن، یک خانم باسواد تحصیلکرده است که مثلاً حالا با یک مرد کارگری ازدواج کرده است. او هم حقّ ندارد مرد را تحقیر کند. مرد، باز هم برای او نقطه‌ی اتکایی است. باید به او تکیه کند. باید او را از لحاظ روحی چنان حفظ کند که بشود به او تکیه کرد. این، خانواده‌ی سالم است. اگر خانواده را اینطوری تشکیل دادید، بدانید که یک رکن اساسی سعادتِ خودتان را تأمین کرده‌اید.^۳

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۲/۱۲/۵)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۳/۱۲/۱۱)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۸/۱۲/۲۲)

شوهر؛ تکیه‌گاه مطمئن و آرامش‌بخش زن

زن هم در کشاکش زندگی زنانه‌ی خود، با بحرانها و با تلاطمهایی مواجه میشود. چه در محیط بیرون از خانه مشغول تلاش و فعالیت و کارهای گوناگون سیاسی، اجتماعی و... باشد یا در داخل خانه مشغول باشد که زحمت و اهمیتش کمتر از کار بیرون نیست. حالا زن در این کشاکش به تلاطمهایی برخورد میکند و چون روح او ظریفتر است، بیشتر به آرامش، به آسایش، به تکیه کردن به یک شخص مطمئن احتیاج دارد. او کیست؟ او شوهر است.^۱

قیومیت مرد؛ سرّ الهی برای کنترل و عفاف خانواده

حفظ عصمت و عفت دختر، زن جوان توی منزل شوهرش، جزو مهمترین چیزهاست. البته اینجور نیست که حالا ما که گفتیم شما به شوهرتان خدمت کنید به زنها معنایش این باشد که شوهرها خیال کنند که آره این زن آمده که توی خانه، برای او محیط خانه را مثلاً درست کند. جارو کند، پارو کند، مرتّب کند - نمیدانم - اتو بکشد، فلان کند تا این آقا بیاید اینجا نه، نخیر. چنین وظایفی به گردن شماها نیست این را بدانید، بر شماها واجب نیست. نه غذاپختن واجب است، نه لباس شستن واجب است، نه جارو کردن واجب است، البته خب یک زن خوب، توی خانه این کارها را خودش میکند، نمیماند که بیاید شوهر خودش لباس خودش را اتو بزند، خب باید بکند دیگر. یک رابطه‌ی دوستانه است، اما یک تکلیف شرعی نیست. تکلیف شرعی فقط این است که حرف این را گوش کنید، وقتی گفت از خانه بیرون نروی، نباید بروی بیرون، این تکلیف است. در همین مورد هم هست، یعنی عمده‌ترینش این است. اگر شما پول داشته باشید شوهر بگوید که پولت را بده من خرج کنم، وظیفه‌تان این نیست. پولت را به فلانی نده وظیفه‌تان نیست که گوش کنید حرفش را. نه، پولت

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۶/۶)

مال خودت است، اموات مال خودت است، مهریه‌ای که به شما میدهد مال خودت است، اینها. اما اگر گفت شما از خانه بیرون نرو، خانه‌ی پدرت نرو، باید نروی. از خانه بیرون رفتن با اجازه‌ی شوهر؛ این است. البته شما شوهرها هم بدانید که این حقی که خدای متعال داده برای کنترل بر عفاف و عصمت و نظم شرعی و خانوادگی صحیح است، برای این است، برای سختگیری و زیر فشار گذاشتن نیست، برای این است که زن یک نظارت و کنترلی از طرف شوهر داشته باشد؛ این به درد هر دویشان میخورد - هم به درد شوهر میخورد، هم به درد زن میخورد - و این سرّی از آن اسرار الهی است که این را که به آن خیلی توجه کنید، خیلی ارزش دارد و اهمّیت هم دارد.^۱

عدم افراط و تفریط در تبعیت زن از مرد

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» معنایش این نیست که زن بایستی در همه‌ی امور تابع شوهر باشد. نه! یا مثل برخی از این اروپا ندیده‌های بدتر از اروپا و مقلد اروپا، بگوییم که زن بایستی همه‌کاره باشد و مرد باید تابع باشد. نه این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و دو تا رفیق هستید. یک‌جا مرد کوتاه بیاید، یک‌جا زن کوتاه بیاید. یکی اینجا از سلیقه و خواست خود بگذرد، دیگری در جای دیگر، تا بتوانید با یکدیگر زندگی کنید.^۲

ترازوی برابر در قوامیت مرد و ریحانه‌بودن زن

اسلام مرد را قوام^۴ و زن را ریحان^۵ میدانند. این نه جسارت به زن است و نه جسارت به مرد. نه نادیده‌گرفتن حق زن است و نه نادیده‌گرفتن حق مرد؛

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۳/۲/۱۴)

۲. سوره‌ی نساء آیه‌ی ۳۴

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۷/۱/۱۹)

۴. الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۴

۵. الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳

بلکه، درست دیدن طبیعت آنهاست. ترازوی آنها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی را در یک کفه میگذاریم، و این جنس مدیریت و کارکرد و محل اعتماد و اتکا بودن و تکیه‌گاه بودن برای زن را هم در کفه‌ی دیگر ترازو میگذاریم، این دو کفه با هم برابر میشود. نه آن بر این ترجیح دارد و نه این بر آن.^۱

نه زن‌سالاری و نه مردسالاری

یک مدتی در غرب خیال میکردند مردها اربابند، زنهایشان را فحش میدادند، یک کتک هم میزدند، بی‌احترامی میکردند، از او اصلاً نظرش را نمیپرسیدند، رأیش را نمیخواستند. خب، این غلط بود، خطا بود. بعد یک مدتی اروپاییها و فرهنگ اروپایی و غربی آمد. دستپاچه، دستپاچه، زنها را اسیر به عکس کردند. بعضی از مردها مینشستند در خانه‌هایشان، در محیطهای البته خیلی فرهنگی مآب خراب شده‌ی باطل شده، مینشستند شبها بچه را نگه میداشتند، از اداره که برگشته بودند که خانمها بروند شب مهمانی، اینجوری. مبل خانه را بایستی خانم بخرد، انتخاب کند. فرش خانه را باید خانم بخرد. اگر هم پول ندارد، دندش نرم، چشمش چهار تا مرد باید فراهم بکند. این هم از آن طرف شد، قبلاً مردسالاری بود، بعد شد زن‌سالاری. زنها شدند سوار، نه هر دوییش غلط است.^۲

حق زن بر مرد

در مورد زن، حق زن بر گردن مرد این است که مرد به او ظلم نکند، فشار بر زندگی او وارد نیارد، بداخلاقی با او نکند، احترام او را حفظ کند، حیثیت و شأن یک انسان بعنوان یک انسان مسلمان را در او کاملاً حفظ کند. خیال نکند مرد که زن مطیع اوست، هر چه که او گفت باید زن از او اطاعت کند. خودکامگی و خودرأیی در داخل خانه نداشته باشد. بداند که

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۱۲/۲۲)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۲/۱۲/۵)

زن و او دو نفر شریکند که زندگی را باید با همدیگر اداره کنند و چرخ زندگی را با هم بچرخانند.^۱

اهتمام به حفظ محیط خانواده بر عهده‌ی کدبانوی خانه

در چند مسأله‌ی اختصاصی شخصی، امتیازاتی به زن داده شده است، در چند مسأله، امتیازاتی به مرد داده شده؛ آن هم بر اساس اقتضای طبیعت زن و مرد؛ این اسلام است؛ متینترین، منطقیترین، عملیترین قوانین و حدود و مرزهایی که ممکن است انسان در زمینه‌ی مسأله‌ی جنسیت فرض کند. باید دنبال این راه رفت؛ یکی از اساسیترینش تشکیل خانواده است، یکی از اساسیترینش اهتمام به حفظ محیط خانواده و انس خانوادگی است؛ که این به‌عهده‌ی کدبانوی خانه است.^۲

نقش مثبت و منفی زن در همسررداری

زن باید ضرورت‌های مرد را درک کند و بر او فشار روحی و اخلاقی وارد نسازد. کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای ناکرده متوسل به راه‌های خلاف و نادرست شود. باید او را به ایستادگی و مقاومت در میادین زندگی تشویق کند و اگر چنانچه کار او مستلزم این است که مثلاً نمیتواند یک مقداری به وضع خانواده رسیدگی کند، این را مرتب به رخ او نکشد.^۳

مفیدبودن مرد در جامعه؛ مستلزم وجود همسر خوب در خانه

مسأله‌ی همسری، مسأله‌ی مادری، اینها همه‌اش باید تفکیک شود. زن در خانواده یک نقش همسری دارد؛ این نقش همسری، فوق‌العاده است؛ ولو

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

۲. در دیدار جمعی از مداحان (۹۲/۲/۱۱)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۵/۲/۱۰)

اصلاً مادری‌ای وجود نداشته باشد. فرض کنید زنی است؛ یا مایل نیست به زایمان، یا به هر دلیلی امکان زایمان برایش وجود ندارد؛ اما همسر است. نقش همسری را نباید دست‌کم گرفت. ما اگر می‌خواهیم این مرد در داخل جامعه یک موجود مفیدی باشد، باید این زن در داخل خانه همسر خوبی باشد؛ و الاً نمیشود.^۱

اگر مرد خانه، فعالیت‌های چه عملی و چه جهادی و سازندگی و چه برای کسب روزی و چه برای کارهای عمومی دارد، زن سعی کند فضای خانه را برای او مساعد کند که او بتواند با روحیه‌ی خوب سر کار برود و با شوق به خانه برگردد.^۲

همه‌ی مردها دوست دارند وقتی وارد خانه شدند، خانه به آنها آرامش و امنیت بدهد و احساس راحتی و آسودگی کنند. این وظیفه‌ی زن است^۳

همدلی با شوهر در همه‌ی سختیها، حرکت در مسیر تقرب الی الله

در راه تعالی و کمال حقیقی بشر که تقرب الی الله و تخلّق به اخلاق الله و تهذیب نفس و تبدیل شدن به نور در نشئه‌ی مادی است: «فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ»؛ انسان باید برای اینها کار کند و در این راه به کمک دیگران هم بشتابد. این راه طولانی است و پیچ‌وخم هم زیاد دارد؛ اگرچه صراط مستقیم است و شیوه‌های گوناگون دارد. با دل‌خواستن هم درست نمیشود؛ باید دل همراه با همت و تلاش و اقدام وارد میدان شود. در این زمینه‌ها شما دختر خانم به شوهر جوانتان کمک کنید. مثلاً اگر درس می‌خواند تا معلوماتی پیدا کند و از آن معلومات مردم استفاده کنند، به او در این راه کمک کنید؛ اگر کار خیری میکند کمک کنید؛ اگر در یک مبارزه‌ی سیاسی عادلانه و نجیبانه و بحق

۱. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۳/۹/۲)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۸/۱/۲۴)

فعّالیت میکند، به کمکش بشتابید. اگر در جهت تقویت دین تلاش میکند، به او کمک کنید؛ اگر میخواهد در اعتکاف شرکت کند، با او همراهی کنید؛ اگر یک مسافرت لازم و یا مأموریت سختی برایش پیش آمد، به او کمک کنید. در دوره‌ی رژیم طاغوت، بعضی زنها به ملاقات زندانیها که می‌آمدند، بنا میکردند به آه و ناله تو که نیستی، ما پول که نداریم، نان که نداریم، کسی که به ما محلّ نمیگذارد، بچه‌ها بابایشان را میخواهند، مدرسه اینطور گفته... آن بیچاره خودش هزار تا مشکل داخل زندان داشت، دلش را از قضایای بیرون پر از خون میکردند و طبعاً اراده‌اش سست میشد. اگر همانجا هم تصمیم نمیگرفت که بگونه‌ای خودش را با نوشتن توبه‌نامه از گیر زندان خلاص کند، مطمئناً برای نوبت بعد که میخواست اقدام مهمی بکند، دست و پایش میلرزید. بعضی زنها اینطور نبودند. به ملاقات که می‌آمدند، شوهر زندانی از آنها میپرسید: خب، چطوری؟ میگفت: خیلی خوب. مشکل مالی نداری؟ میگفت: نه خیلی هم خوب است. بچه‌ها کسالتی چیزی ندارند؟ چرا نیاوردیشان؟ میگفت: داشتند بازی میکردند، خوش بودند، گفتم اذیتشان نکنم. بعد معلوم میشد که بچه یک ماه ناخوش بوده است. این زن نمیگذاشت شوهر داخل زندان حتی ناخوشی بچه را بفهمد که مبادا نگران شود. شوهر میپرسید: خودت چطوری؟ و زن جواب میداد: خیلی خوب و سرحالم. در حالی که خود زن احتیاج به مراقبت داشت. ما اینطوری هم داشتیم. اینها همه کمک است. بعد از انقلاب طور دیگری پیش آمد. بعضی زنها چسبیدند به شوهرها که چی به دست آوردی؟ فلان کس خانه‌دار شد، ماشین‌دار شد، صندلی قرمز مجلس گیرش آمد، فلان مسؤلیت را به او دادند، آنجا احترامش میکنند، سفر خارجی مرتّب دارند. تو چی؟ یک بی‌عرضه‌ی به‌تمام معنی! بعضی از خانمها متأسفانه، شوهرهایشان را اینطور خطاب میکنند. شوهر هم یکی دو بار دعوا میکند، اوقات تلخی میکند، از خودش دفاع میکند، آخرش خلع سلاح میشود!

ما در دوران مبارزه و بعد از دوران مبارزه، دوران پیروزی انقلاب،

آزمایش کردیم؛ مردانی که همسران همراه داشتند، هم در مبارزه توانستند پایدار بمانند، هم بعد از انقلاب توانستند خطّ درست را ادامه بدهند. البته عکسش هم بود. من گاهی به این دخترها و پسرهایی که می‌آمدند خطبه‌ی عقدشان را میخواندم - آن وقتهایی که میخواندم؛ حالا که توفیق ندارم - میگفتم خیلی از خانمها هستند که شوهرهاشان را اهل بهشت میکنند؛ خیلی خانمها هم هستند که شوهرانشان را اهل جهنّم میکنند؛ دست آنهاست. البته مردها هم عیناً همین نقش را دارند. در باب خانواده، نقش مردها را هم بایستی نادیده نگرفت. بنابراین نقش همسری، یک نقش بسیار مهمّی است. بعد هم نقش مادری است.^۱

در همه‌ی شخصیت‌های مبارز و کسانی که در راه‌های دشوار حرکت کردند بایستی نقش همسران آنها مورد توجه قرار بگیرد که نقشی بسیار بسیار بزرگ و با عظمت است.^۲

وظیفه‌ی خطیر شوهرداری؛ شعبه‌ای از جهاد اکبر

«جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ»^۳؛ یعنی ثواب مجاهدت آن جوانی را که رفته توی میدان جنگ و جان خودش را کف دستش گرفته، به خاطر این کار، به این زن میدهند؛ چون این کار هم زحمتش کمتر از آن نیست. البته شوهرداری خیلی سخت است. با توقعاتشان، با انتظاراتشان، با بداخلاقیهایشان، با صدای کلفتشان، با قد بلندترشان؛ خب، زنی بتواند با این شرایط، محیط خانه را گرم و گیرا و صمیمی و دارای سکینه و آرامش - سَکَن - قرار بدهد، خیلی هنر بزرگی است؛ این واقعاً جهاد است؛ این شعبه‌ای از همان جهاد اکبری است که فرموده‌اند؛ جهاد با نفس است.^۴

۱. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

۳. کافی، ج ۵، ص ۹

۴. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

نفوذ هوشمندانه‌ی زن با ملایمت، تحمّل و خوشرویی

زن یک وظایفی دارد که عاقلانه باید آن وظایف را تشخیص دهد. زنها بدانند که اگر زنی، عقل و هوشمندی به خرج دهد، مرد را اداره خواهد کرد. درست است که مرد از لحاظ هیکل قویتر است، اما خدای متعال طبیعت زن را طوری آفریده که اگر زن و مرد، طبیعی و سالم باشند و زن عاقل باشد، کسی که در دیگری بیشتر نفوذ دارد، زن است که البته با زرنگی به خرج دادن و رندی کردن و تحکم و زورگویی نمیتوان به آن رسید. بلکه با ملایمت، استقبال خوب، خوشرویی، یک مقدار تحمّل کردن - البته اندکی؛ خیلی هم لازم نیست تحمّل کند - که خدای متعال در طبیعت زن، این تحمّل را قرار داده است، زن باید با شوهر خود اینطور برخورد کند.^۱

سختگیری زن، مایه‌ی اذیت شوهر

بعضی از زنها نسبت به مردها سختگیری میکنند، مثلاً باید این را حتماً بخری! باید اینجور خانه‌ای حتماً فراهم کنی! فلان کس اینطور خریده، من اگر نخرم مایه‌ی سرشکستگی میشود. با این حرفها شوهر خود را اذیت میکنند که این درست نیست.^۲

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۲/۳/۱۹)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۴/۵/۱۸)

فصل پنجم ————— ❁

محبت و عواطف همسران



رابطه‌ی دوستی و مهربانی

مهمترین چیزی که بشر به آن احتیاج دارد، آرامش است. سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی در امان و آرامش روحی داشته باشد. این را خانواده به انسان می‌دهد؛ هم به زن و هم به مرد. ■

رابطه‌ی درست زن و مرد این است: مودت و رحمت، رابطه‌ی دوستی، رابطه‌ی مهربانی؛ هم یکدیگر را دوست بدانند و به هم عشق بورزند و هم با یکدیگر مهربان باشند. عشق‌ورزیدن همراه با خشونت مورد قبول نیست؛ مهربانی بدون محبت هم مورد قبول نیست.^۱

زن و شوهر عاشق؛ پناه یکدیگر

انسان در تلاطمهای زندگی که ناشی از برخوردهای ناگزیر است، به دنبال یک فرصت می‌گردد تا به آن پناه برد. اگر یک زوج باشند، در این تلاطمها به یکدیگر پناه می‌برند، زن به شوهرش پناه می‌برد و شوهر هم به زنش پناه می‌برد. مرد در کشاکش زندگی مردانه‌ی خود، احتیاج به یک لحظه‌ی آرامشی دارد تا بتواند راه را ادامه بدهد. آن لحظه‌ی آرامش کی است؟ همان وقتی است که او در محیط سرشار از محبت و عطف و خانواده‌ی خودش قرار می‌گیرد. با همسر خودش که به او عشق می‌ورزد، با

۱. در اجتماع خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

اوست، در کنار اوست و با او احساس یگانگی میکند. وقتی با همسر خود مواجه میشود، این همان لحظه‌ی آسایش و آرامش است.^۱

عشق؛ بالاتر از واقعیّات زندگی

بالاتر از واقعیّات زندگی، آرزوها و عشقها و احساسات انسانی در زندگی نقش دارند. نقششان هم نقش تبعی و درجه‌ی دوّم نیست، بلکه نقش اصلی است و میتواند مناط^۲ این بنای فخیم و بسیار مستحکم قرار بگیرد. این را چگونه باید تنظیم کرد؟ زن و مرد باید هر کدام جایگاه خودشان را بشناسند. مرد نسبت به زن و زن نسبت به مرد، نگاهی محبت‌آمیز و همراه با یک عشق پاک داشته باشند و این عشق را حفظ کنند؛ چرا که زائل‌شدنی است، مثل همه‌ی چیزهای دیگر. باید نگرش دارند و حفظ کند که زائل نشود.^۳

محبت؛ اساس خوشبختی

اگر در زندگی محبت وجود داشت، سختی‌های بیرون خانه آسان خواهد شد. برای زن هم سختی‌های داخل خانه آسان خواهد شد.^۴

زن و شوهر باید به هم محبت بورزند. این اساس خوشبختی است. خوشبختی در این است که زن و شوهر همدیگر را دوست داشته باشند.^۵

در ازدواج، اصل قضیه محبت است. دخترها و پسرها این را بدانند. این محبتی را که خدا در دل شما قرار داده، حفظ کنید.^۶

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۶/۶)

۲. مبنا

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۸/۱۲/۲۲)

۴. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۷/۸/۱۱)

۵. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۷/۱/۱۹)

۶. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۴/۱۰/۱۷)

افسون محبت؛ بازکننده‌ی گره‌های اخلاقی

شما اگر بخواهید به راه مستقیم بروید، باید موازین شرعی را رعایت کنید و اخلاق خانواده را که در شرع مقدس معین شده است، مهم بشمارید. اولش همین است که قدر این کانون جدید را بدانید. بعضیها وقتی ازدواج میکنند، نمیفهمند چه اتفاقی افتاده؛ انگار که مثلاً به مجلس دیگران رفته‌اند! جشن و میهمانی، حکم هوای تازه و یک شادی زودگذر را دارد. بعضی عروسی خودشان را مثل یک میهمانی میدانند؛ درحالیکه اینطور نیست. با ازدواج تعهداتی به وجود می‌آید. البته در کنار این تعهدات، نعمتها و برکاتی هم برای زندگی انسان ردیف میشود که این تعهدات را شیرین میکند. اولش این است که زن و شوهر بر اساس ساخت طبیعی خدایی‌شان، یعنی آن قواره‌ای که خدا برای زن و مرد به وجود آورده، وقتی که با هم محرم شدند و یک زوج را تشکیل دادند، همدیگر را تکمیل میکنند. اولین اثرش هم سکونت و آرامش است. «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»، «یسکن» یعنی چه؟ یعنی ما در زندگی تلاطمها و اضطرابهایی داریم که گاهی انسان را از جا میکند. وقتی که زن احساس میکند شوهرش همراهش است و به او تکیه دارد؛ و وقتی شوهر احساس میکند که زنش همراهش است و در هاله‌ی محبت او قرار گرفته، این تلاطمها تبدیل به آرامش میشود. این همان «سکن» است. اگر با هم مهربان باشید و اگر با هم به شرایط درست عمل کنید، این حالت سکن از همین اول عمر ازدواج تا ان شاء الله هشتاد، نود سالگی که عمر خواهید کرد، ادامه خواهد داشت. گاهی هم ممکن است اختلاف سلیقه‌ای پیش آید؛ اینها اهمیتی ندارد؛ اینها مانع از آن حالت آرامش نیست. زن وقتی در خانه را به روی شوهر می‌گشاید، شوهر احساس دلگرمی میکند و خستگی را از یاد میبرد. مرد وقتی که از محیط پرغوغای کار - کار اداری، تجاری و یا هر کار دیگری - خودش را جدا کرد و به خانه رساند و همسر مهربانش را با لبخند و شوق در مقابل خودش دید، خستگی از تنش بیرون

می‌رود. این را شما خانمها بدانید؛ وجود شما آن تحوّل را در روحيّات مرد بوجود می‌آورد که گاهی هیچ عاملی نمیتواند آن تحوّل را ایجاد کند. شما میتوانید دل مرد را گرم کنید و به او امیدواری به زندگی و شوق ادامه‌ی کار بدهید. اصلاً این توان در شما هست که در وجود مرد نیرو بدمید. وجود شما اینقدر مهم است. مرد هم نسبت به زن همین است. حالا مرد گاهی ممکن است مثلاً اخم‌آلود وارد خانه شود. اگر زن قدری عقل و پختگی‌اش بیشتر باشد و از اخم او جا نخورد و لبخند نشان دهد و در مقابل محبّت بورزد، یواش یواش با افسون محبّت، میتواند گره اوقات تلخی و بداخلاقی مرد را باز کند، و ببیند که او چه احتیاج داشت. من این حرفی که می‌گوییم، خواهش میکنم مردها نشنوند؛ چون ممکن است بدشان بیاید! شما خانمها این را بدانید: آقایان تا آن آخر هم مثل یک بچه‌پسر هستند و باید شما اداره‌شان کنید! البته اگر این حرف از زبان ما به گوش مردها برسد، لابد از ما گله خواهند کرد. واقعاً خانمها باید این بچه‌پسری را که حالا ریشش هم بعد از پنجاه، شصت سال زندگی سفید شده، اداره کنند!^۱

محبّت؛ عامل ماندگاری و سازگاری خانواده

در استحکام بنیان خانواده، خود زن و شوهر بیشترین نقش را دارند. با گذشت خودشان، با همکاری خود، با مهربانی و محبّت و اخلاق خوب خودشان - که از همه مهمتر هم محبّت است - میتوانند این بنا را ماندگار و این سازگاری را همیشگی بکنند.^۲

ماندگاری خانواده در گرو تدیّن و محبّت

در بنا و تشکیل خانواده و در حفظ خانواده، باید این احکام اسلامی را رعایت کرد تا خانواده باقی بماند؛ لذا شما در خانواده‌های متدیّن که زن

۱. در مراسم اجرای صیغهی عقد (۸۱/۷/۱۱)

۲. در مراسم اجرای صیغهی عقد (۷۹/۱۱/۱۷)

و شوهر به این حدود اهمّیت میدهند، میبینید که سالهای متمادی با هم زندگی میکنند. محبت زن و شوهر به یکدیگر باقی میماند و جدایی‌شان از هم سخت است و دل در گرو محبت یکدیگر دارند. این حسن و این محبت‌هاست که بنای خانواده را ماندگار میکند و لذا اسلام به این چیزها اهمّیت داده است.^۱

صمیمیت و محبت؛ کمر بند حفاظ خانواده در جوامع شرقی و اسلامی

در کشور ما و در بسیاری از جوامع شرقی، به‌خصوص جوامع اسلامی، هنوز کمر بند خانواده محفوظ است. آن پیوند خانوادگی، بحمدالله هست. آن صمیمیت و صفا و محبت هست. زن دلش برای مرد خود میتپد، مرد هم دلش برای زن خودش میتپد، یکدیگر را از اعماق دل دوست دارند و زندگی صمیمی دارند. در جاهای دیگر این چیزها خیلی کم است. در کشورهای ما به‌خصوص در ایران، زیاد است. این را تأمین کنید.^۲

محبت؛ عامل انس و وفاداری

دختر و پسر، عروس و داماد به هم محبت بورزند؛ چون محبت آن ملاطی است که اینها را برای هم حفظ میکند، در کنار هم نگه میدارد و نمیگذارد از هم جدا شوند. محبت خیلی چیز خوبی است. محبت که بود، وفاداری هم هست. بی‌وفایی و بی‌صفایی و خیانت به یکدیگر، دیگر نخواهد بود. محبت که بود، فضا، فضای انس میشود. فضای قابل تحمل و مورد استفاده و شیرین ایجاد میگردد.^۳

محبت؛ عامل پایداری و آبادی خانواده

محبت، خانواده را پایدار میکند. محبت مایه‌ی آبادی زندگی است.

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۱۲/۲۳)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۰/۱/۲)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۶/۹/۲۴)

کارهای سخت به برکت محبت برای انسان آسان میشود. در راه خدا هم اگر انسان با محبت وارد شود، همه‌ی کارها آسان خواهد شد. مشکلات آسان خواهد شد. محبت دستوری و فرمایشی و سفارشی نیست؛ دست خود شماست. شما میتوانید محبت خودتان را روزبه‌روز به همسرتان زیاد کنید. چطوری؟ با اخلاق خوب، با رفتار مناسب، با محبت ورزیدن به او، با وفاداری.^۱

محبت؛ آسان‌کننده‌ی همزیستی

این رابطه‌ی انسانی، بر اساس محبت و رابطه‌ی عاطفی استوار است. یعنی زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند و همین محبت، همزیستی آنها را آسان خواهد کرد. محبت هم به پول و تشریفات و این چیزها بستگی ندارد.^۲

وقتی محبت باشد، از محبت خارها گل میشود. اگر چیز ناخوشایندی هم در همسر وجود داشته باشد، وقتی محبت بود، آن چیزهای ناخوشایند، بکلی رنگ میبازد و محبت همه‌ی چاله‌ها را صاف میکند.^۳

رابطه‌ی عادلانه و محبت‌آمیز؛ جبران‌کننده‌ی دخالتها

اگر روابط زن و مرد با هم، کاملاً عادلانه و اسلامی و صحیح و محبت‌آمیز باشد، رفتار این و آن تأثیری نمیگذارد؛ یعنی تحصیلات این و آن، اصلاً جرأت و مجال وجود و حضور پیدا نمیکند. اشکال برمیگردد به رابطه‌ی زن و مرد و تعلقات گوناگونی که وجود دارد؛ که به ستم، به زن منتهی میشود.^۴

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۶/۷/۳۰)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۵/۹/۴)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۸/۱/۱۵)

۴. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی-اجتماعی زنان (۷۵/۸/۱۴)

عامل پایداری محبت و انس

نگه داشتن محبت به این است که زن و شوهر اعتماد یکدیگر را جلب کنند. اطمینان که پیدا شد، محبت، پایدار میشود و انس به وجود می آید.^۱

ابراز محبت بیشتر؛ عامل دریافت مکرر محبت

اگر بخواهید این محبت باقی بماند، به جای اینکه از طرف مقابلتان توقع کنید که او مرتب به شما محبت کند، از خودتان بخواهید که تراوش محبت او روز به روز بیشتر شود. محبت بطور طبیعی، محبت می آفریند.^۲

رعایت حقوق یکدیگر؛ عامل نفوذ معنوی و بقای محبت

محبت در صورتی خواهد ماند که طرفین حقوق یکدیگر و حدود خود را رعایت کنند و از آن تخطی و تجاوز نکنند؛ یعنی در واقع هرکدام از این دو طرف که دو شریک هستند و با هم زندگی را بنا میکنند، سعی کنند که جایگاه خود را در دل و ذهن و فکر طرف مقابل، جایگاه راسخ و نافذی قرار دهند؛ یعنی همان نفوذ معنوی، همان ارتباط و پیوند قلبی زن و شوهر. حقوق اسلامی برای این است.^۳

نتیجه‌ی کار زن در خانه؛ محبت و صفا بین زن و شوهر

زن و شوهرهای ما بحمدالله با همدیگر صفا هستند؛ یعنی اگر چنانچه مرد با اخلاق و با محبت و اینها رفتار میکند زن هم از خدا هم میخواهد، مینشینند زنها برای شوهرهایشان با چه زحمتی در طول شبانه‌روزهای متمادی، بافتنی مییافتند میدهند شوهر تنش کند، خیلی هم خوب بسیار هم خوب است، دلیل محبت و دلیل صفای بین زن و شوهر است. این کارها، خیلی کارهای خوبی است، اشکالی هم ندارد. پس اینکه ما گفتیم تکلیف

۱. در مراسم اجرای صیغه عقد (۷۴/۹/۲۸)

۲. در مراسم اجرای صیغه عقد (۷۹/۷/۱۹)

۳. در مراسم اجرای صیغه عقد (۷۷/۱۲/۱۱)

زنها نیست که کار بکنند، معنایش این نیست که حالا که کار نکنند. زنها بروند توی خانه اعتصاب کنند، بگویند ما دیگر نمیپزیم، نمیشویم، نه، خب بالاخره خانه باید اداره بشود، شما نکردید، باید شوهر نرود کار کند، بنشیند توی خانه کار بکند دیگر، بالاخره باید با همدیگر کنار بیایند.^۱

بی‌توجهی به احساسات؛ عامل تضعیف محبت

اگر زن و شوهرها نسبت به احساسات یکدیگر بی‌اعتنایی و بی‌توجهی کنند و بتدریج حالت بی‌محبتی از یک طرف به وجود بیاید، چون بی‌محبتی مرضی مسری است، حتماً به آن طرف دیگر هم سرایت میکند. اینطوری است. نباید بگذارید، هر دو باید تلاش و کوشش کنید. این پایه‌ی اصلی است.^۲

غمخواری و راهنمایی

کمک واقعی این است که دو نفر غمها را از دل هم برطرف کنند. هر کسی در دوره زندگی‌اش، گرفتاری و مشکل و غمی پیدا میکند و ممکن است دچار ابهام و تردید بشود. آن دیگری در چنین موقعیتی، باید به کمک همسرش بشتابد و به او کمک کند. غم را از دل او بردارد. او را راهنمایی کند و اشتباه و خطای او را برطرف نماید. اگر میبیند از او خطایی سر میزند جلوی او را بگیرد.^۳

آراستن زن و شوهر برای همدیگر؛ سفارش معصومین (ع)

بعضیها هستند کج‌سلیقگی میکنند، برای شوهرهایشان آرایش نمیکنند، وقتی مهمانی میروند، آرایش میکنند، نه به عکس بکنید، برای شوهرش زن آرایش بکند، مرد هم برای زنش آرایش بکند، روایت دارد این یعنی

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۲/۱۲/۱۲)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۹/۵/۱۶)

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۸/۹/۲)

حدیث دارد، روایت دارد. امام فرمودند، به مرد فرمودند: که همچنانی که تو دوست میداری که همسرت برای تو آرایش کند تو هم برای همسرت آرایش کن، موهای ژولیده، نمیدانم ریش اصلاً اصلاح نکرده، سر و وضع کثیف، اینجوری نروند پهلوی زنهایشان. خب ممکن است سر کار انسان یک خرده‌ای نامنظم بشود، بعد خودش را منظم بکند، برود پهلوی زنش هم همینطور است. آرایش که من میگویم اینجور آرایشها را نمیگویم اینها خوب است، پیغمبر فرمود: که سرهایتان را شانه بزنید، به زن و مرد هر دو، حالا بعضی از زنها اصلاً سرشان را شانه نمیزنند، بعضی از مردها اصلاً سرشان را شانه نمیزنند خیلی هم بد است. فرمود: موی خوب از چیزهایی است که خدا لطف کرده به یک کسی موی خوب داده، یک موی خوشرنگ، یک موی پرپشتی، این مو را عزیز بدارید، گرامی بدارید، یعنی چه گرامی بدارید؟ یعنی معطرش کنید، مرتبش کنید، شانه کنید، مرتبش کنید، اینها دیگر اشکالی ندارد. ما با این چیزها مخالف نیستیم، خیلی هم موافقیم.^۱

غریزه‌ی جنسی؛ وسیله‌ی استحکام زندگی

اسلام همین غریزه‌ی جنسی را پشتوانه‌ی بنای خانواده قرار داده است؛ یعنی وسیله‌ی استحکام خانواده قرار داده است. یعنی چه؟ یعنی وقتی زن و مرد عفیفتند و متدین و خداترسند و طبق دستور اسلام از گناه در باب غریزه‌ی جنسی اجتناب میکنند، طبعاً نیاز زن و مرد به یکدیگر در این مورد بیشتر خواهد شد. وقتی به هم زیاده‌تر احتیاج داشتند، این بنای خانواده که پایه‌ی اصلی‌اش زن و مرد است، مستحکمتر خواهد شد.^۲

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۰/۱۲/۹)

زن و مرد؛ محتاج نیازهای عاطفی و جنسی در خانواده

آن چیزی که در ازدواج مهم است، آن نیاز زن و مرد است. زن و مرد به یکدیگر احتیاج دارند، یکی از احتیاجهایشان همان احتیاج جنسی است، اما همه‌اش آن نیست، احتیاج عاطفی هست، احتیاج روحی هست. انسان مجبور است تو یک محیط انس و صفا و محبتی زندگی کند، آن کجاست؟ آن خانواده است.^۱

مجازات سنگین مرد برای چهار ماه رهاکردن زن

بعضی از قداما فتوا داده‌اند که اگر مرد، چهار ماه زندگی را رها کند - نه حاضر باشد زن را طلاق بدهد، نه حاضر باشد به معنای حقیقی کلمه با او زناشویی داشته باشد - حاکم شرع او را به قتل میرساند؛ یعنی یک مجازات به این سنگینی برای کاری که چندان هم به چشم نمی‌آید؛ اما بعضی مردان ۱۰ سال است که زن و زندگی‌شان را رها کرده‌اند؛ گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است! به نظر من گره‌های ریزی را که به وسیله‌ی قوانین اسلام باز میشود، باید دنبال کرد. این همانجایی است که حوزه‌های علمیّه باید نگاهی نو و

نگرشی کاملاً منطبق با مسائل داشته باشند.^۲

شناسایی حساسیتهای اخلاق متقابل در زندگی زناشویی

زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند، همین! کارهایی که محبت را کم میکند، انجام ندهید. مواظب باشید چیزهایی که شما را از هم گله‌مند و بیزار میکند، از شما سرزنزند. درست نگاه کنید ببینید شوهر شما یا زن شما روی چه چیزهایی خیلی حساس است، از آنها اجتناب کنید. بعضیها بی‌اعتنایی میکنند. مثلاً فرض بفرمایید که زن از یک عادت که مرد دارد بدش می‌آید، این مرد هم بی‌اعتناست و آن عادت را باز تکرار میکند. این

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

۲. در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)

بد است. همینطور زنها. فرض بفرمایید زنهایی هستند که هوسهای شخصی خود را بر راحتی و آسایش شوهر ترجیح میدهند. چه لزومی دارد؟ اصل کار، شما دو نفر هستید. همه‌ی دنیا فرع شمایند. همدیگر را داشته باشید، با همدیگر مهربان باشید.^۱

لازمه‌ی اعتماد در خانواده؛ حفظ حریمهای زن و مرد

مسأله‌ی محرم و نامحرم و اینکه زن آرایش کرده بیرون نیاید و خودش را به نامحرم نشان ندهد، حریمهایی است که در اسلام برای زن و مرد گذاشته شده است و اینجا^۲ فایده‌ی خودش را میبخشد. عده‌ای خیال میکنند که این رو بگیر و رو نگیر، نگاه کن و نگاه نکن و هی امرونهی به زن و مرد که چرا مثلاً مراعات حدود را نمیکنید، کار بیخودی است که اسلام همینطور افراد را محدود کرده است. نخیر؛ اینطور نیست، این به زندگی خانوادگی شما، به دل شما و به آن اعتمادی که در محیط خانواده لازم دارید، ارتباط نزدیک و مستقیم دارد. این حجاب و حریمی که بین زن و مرد در اسلام قائل شده‌اند، به همین قضیه‌ی مربوط میشود. زن و مرد باید احساس کنند آن رابطه‌ی عاطفی و غریزی و کششی که بینشان وجود دارد، فقط و فقط بین این دو تاست؛ یعنی بین هیچکدام با یک طرف سوّم نیست. آنوقت این اعتماد به وجود می‌آید؛ این اعتماد به نحو کامل حاصل میشود. هر جا که پای شهوات و بی‌بندوباریها و گسیختگی اخلاقی باز شد، گسیختگی خانوادگی هم دنبالش است؛ برو برگرد ندارد. وقتی ادامه پیدا کرد؛ آنوقت همان چیزی میشود که امروز در کشورهای غربی بخوبی دیده میشود. به خصوص در بعضی جاها که بی‌بندوباری رواج بیشتری دارد، بیشتر محسوس است. خانواده در آنجاها معنای واقعی خودش را ندارد.^۳

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۷۰/۴/۲۰)

۲. در نظام خانواده

۳. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۳/۲۹)

معاشرت‌های نادرست؛ زمینه‌ساز حسادت و سوءظن

طوری رفتار کنید که همسرتان را وادار به حسادت نکنید. دختران در رفتارشان، در محیط بیرون خانه - اگر اهل اشتغال یا اهل تحصیلند در محیط کار و تحصیل - یا در محیط‌های معاشرت‌های خانوادگی، طوری نباشد که شوهرشان دچار حسادت یا سوءظن شود.^۱

تأثیر مخرب سوءظن بر خانواده

در مقالات دوستان خواندم که همین بیرون رفتنها و همین اشتغالات و اینها موجب میشود که گاهی سوءظن‌های بیجا به وجود بیاید. لیکن فرقی نمیکند؛ بالاخره اگر سوءظن پیدا شد، چه سوءظن مستند درستی داشته باشد، چه نداشته باشد، اثر خودش را میبخشد؛ مثل گلوله‌ای است که از این لوله بیرون می‌آید؛ اگر توی سینه‌ی کسی خورد، میکشد؛ چه این شخص عامد باشد، چه اشتبهاً دستش رفته باشد روی ماشه. گلوله فرقی نمیگذارد. گلوله نخواهد گفت چون کسی که من را شلیک کرد، عامد نبود، پس من سینه‌ی این طرف مقابل را ندرم؛ نه، گلوله میدرد. این سوءظن کار خودش را میکند؛ چه منشأ درستی داشته باشد، چه ناشی از وسواس و مثلاً تصوّرات و توهمات بیجا باشد.^۲

عدم جلوه‌گری و حفظ نگاه؛ عامل استحکام زندگی نه تحجّر

هوشمندان بفهمند اینکه در شرع مقدّس راجع به محرم و نامحرم گفته‌اند، یا مثلاً زن آرایش کرده بیرون نیاید و در مقابل مرد با جلوه‌گری حرف نزند و یا مرد با نگاه هیز به زن نگاه نکند؛ اینها برای چیست؟ اینها همه‌اش برای این است که این خانواده‌ی کوچکی که شما تشکیل داده‌اید، بنیانش مستحکم باشد؛ نه آن خانم چشم و دلش جایی دیگر برود، نه آن

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد ۲۵ زوج (۸۱/۶/۲۸)

۲. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

آقا چشم و دلش جای دیگری بچرخد. اینها برای استحکام خانواده است. بعضیها خیال میکنند که مثلاً اسلام گفته رویتان را بگیرید، نگاه نکنید، چادر سرتان کنید، یک سری احکام تحجّرآمیز است. یک عده یاوه گو هم پیدا شده‌اند و هر کلمه‌ای که میگویند، یک تحجّر هم پشت سرش می‌آورند، خیال میکنند کاربرد کلمه‌ی تحجّر در اینجا است. اینها همان نکات دقیقی است که آن کسی که می‌شنود، باید در آن تأمل کند، اگر تأمل نکند، مطمئناً نمی‌فهمد.^۱

مراعات موازین شرعی؛ پشتوانه‌ی احساسات و نیازهای جنسی

کارهایی که در اسلام ممنوع شده، اثرش در خانواده ظاهر میشود. اینکه گفتند محرم، نامحرم، روگیری و زن با آرایش، چهره‌ی خودش را به مردان نشان ندهد، مراعات کند و مرد هم نگاه نکند، بخاطر این است که هر کدام از اینها مثل کلنگی است که به بنیان خانواده زده میشود، ممکن است همان لحظه اثر نکند؛ اما مجموعش ناگهان سقف را پایین می‌آورد. بعضیها خیال میکنند این محرم و نامحرم، چادر، نگاه نکن، چشمت را پایین بینداز و اینها، هم‌ه‌اش مقررات خشکی است که اسلام قرار داده است. نه؛ اینها سعادت زن و مرد را تضمین میکند و در محیط خانواده، صفا و صمیمیت به وجود می‌آورد. این مسائل، پشتوانه‌ی احساسات و نیازهای جنسی دستگاه خانواده است و آن را مستحکم میکند. این بسیار پشتوانه‌ی مهمی است. آنهایی که از هر راهی و بی‌قید و شرط این نیاز را تأمین میکنند، دیگر خانواده برایشان مفهوم واقعی ندارد و یک قرارداد بی‌ربط، بی‌معنا و بی‌روح خواهد شد. این توصیه‌ی اول را شما دختران و پسران، با دقت رعایت کنید.^۲

اجتناب از معاشرتهای مضر؛ مؤثر در پایداری بنیان خانواده

محیط خانه، محیط امن و امان و آرامش و آسایش است. در این

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۱/۷/۱۱)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد ۲۵ زوج (۸۱/۶/۲۸)

محیط فرزندان تربیت میشوند. وقتی محیط خانه و کانون خانواده، سرشار از محبت و مهربانی و آرامش بود و در آن تشنج راه نداشت، فرزندی که در آن پرورش پیدا میکند، دارای روح و اعصاب سالم است و هیچ عقده‌ای ندارد. البته عوامل بیرونی ممکن است تأثیر بگذارد، لکن پایه‌ی داخل خانواده، پایه‌ی مستحکمی است. شما وقتی به آثار وارده در شرع مقدس نگاه میکنید، ببینید همه‌ی توصیه‌هایی که به زن و شوهر شده است در همین جهت است، اینکه به مردها گفته‌اند به چهره‌ی آرایش‌کرده‌ی زن دیگری غیر از همسران نگاه نکنید و از مخالطتها و معاشرتهای مضر اجتناب ورزید، بخش عمده‌اش برای این است که محیط داخل خانواده، محیط امن و امان شود و زن و شوهر، اختصاصی هم باشند. اینهاست که محبت را پایدار و بنیان خانواده را مستحکم میکند.^۱

عدم اختلاط زن و مرد؛ به‌وجودآورنده‌ی محیط گرم و باصفای خانواده

اینقدر که می‌گوییم اسلام مردها را، زنها را به نپرداختن به نامحرم، نگاه نکردن به نامحرم، عدم اختلاط زن و مرد تشویق میکند، این برای خاطر همین است و برای این است که مردها به زنهای خودشان علاقه داشته باشند، زنها هم به مردهای خودشان علاقه داشته باشند؛ تا محیط خانواده، محیط گرم و باصفایی باشد، پس برای ازدواج این چیزها را باید رعایت کنند.^۲

زن؛ محافظ شوهر از سقوط به دره‌ی غفلت

زنها میتوانند مانع پرت شدن شوهرهایشان به پرتگاه جهنم شوند. در محیط زندگی، در محیط بازار، در محیط اداره و در محیط سیاست، ممکن

۱. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۸۲/۲/۲۸)

۲. در مراسم اجرای صیغه‌ی عقد (۶۴/۷/۲)

است مردها دچار لغزشهایی شوند و این لغزشها آنها را آرام آرام به لبه‌ی پرتگاه ببرد و در اثر یک غفلت به ته درّه سرازیر شوند. زن میتواند مانع از چنین حادثه‌ای شود.^۱

عاطفه و تحمل زن؛ عامل تفوق بر نامالیقات زندگی مشترک

این آقایان که میبینید ماشاءالله یال و کوپالی دارند، اینها همه‌اش ظاهر است، جسم قوی است، اما از لحاظ پیچیدگی ذهنی و در زمینه‌های احساسی و عاطفی، زن قویتر از مرد است، قدرت تحملش زیاد است، راهها را بلد است. ■

طبیعت زن این است. اغلب زنها، البته ممکن است بعضی از زنها هم اینطور نباشند؛ غرض اینکه خانمها بهتر میتوانند در این مصاف دوستانه بر عوامل سردی، فائق بیایند. با یک مقدار خوش اخلاقی کردن، با ابزارهایی که هست این کار را بکنند. مرد را بکشاند به آنجایی که باید قرار بگیرد تا ان شاءالله زندگی شیرینتر شود.^۲

تبسم و دلخوشی دادن زن؛ باعث تقویت روحی مرد

همکاری و کمک گاهی به این نیست که وارد حجم کار یکدیگر بشوند، نه. بلکه، یکدیگر را روحاً تدارک کنند. مردها معمولاً با مسائل مشکلتری در جامعه برخورد دارند، زنها میتوانند به آنها روحیه بدهند. میتوانند خستگی آنها را از نشان بیرون کنند. به آنها تبسم کنند و به آنها دلخوشی دهند. اگر چنانچه خانمها هم کاری بیرون از خانه دارند، باز مرد به آنها کمک کند و او را تقویت نماید.^۳

۱. در مراسم اجرای صیغه عقد (۸۲/۲/۲۸)

۲. در مراسم اجرای صیغه عقد (۷۸/۱/۲۴)

۳. در مراسم اجرای صیغه عقد (۷۸/۱/۱۵)

فهرست آیات قرآن کریم

شماره آیه	شماره صفحه	سوره	
۱۸۷	۱۰۹	بقره	هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ...
۱۹	۱۲۰	نساء	وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...
۳۴	۱۱۹، ۱۲۳	نساء	الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...
۱۸۹	۲۵، ۹۰، ۱۳۵	اعراف	وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ...
۷۱	۴۸	توبه	وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ...
۲۱	۲۴، ۲۵	روم	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ...
۶۱	۱۲۶	صافات	فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ...
۳	۵۵	عصر	وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا...



فهرست روایات

٣٢	رسول اکرم (ص)	المؤمن كفو المؤمنة.
٣٤	رسول اکرم (ص)	إِيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدَّمَنِ.
١٢٨، ٥٨	رسول اکرم (ص)	جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ.
١١٠، ٦١، ٦٠	امیرالمومنین (ع)	الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ.
٦٧	رسول اکرم (ص)	الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ.
٧٣	رسول اکرم (ص)	...مَنْ أَبْرُ؟...



فهرست اسامی اشخاص

حسین بن علی، سیدالشهدا(ع): ۳۶، ۶۷

خمینی، سید روح الله مصطفوی: ۶۷

زینب بنت علی(س): ۳۸، ۷۴

علی بن ابیطالب، امام علی(ع): ۳۷

فاطمه زهرا(س): ۲۵، ۳۷، ۴۰ - ۴۲، ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۷۸، ۱۱۱، ۱۳۳

محمد بن عبدالله، رسول اکرم(ص): ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۷۳، ۱۴۱



فهرست مکانها

شیراز: ۶۷	آمریکا: ۶۸، ۸۱
صدا وسیما: ۴۲، ۱۰۲	اروپا: ۶۸، ۸۱، ۱۲۴
غرب: ۷۲، ۸۱، ۱۲۴	ایران: ۱۳۷
گنبد: ۲۹	تهران: ۵۴
مجلس شورای اسلامی: ۶۰، ۱۴۲	حسینیة امام خمینی: ۴۰
وازرر ارشاد: ۴۹	خوزستان: ۲۹، ۴۷، ۴۸، ۶۴، ۶۶، ۶۷
هرمزگان: ۵۶	۶۸، ۷۰، ۹۹، ۱۰۹
همدان: ۷۳	سیستان و بلوچستان: ۱۲۰

